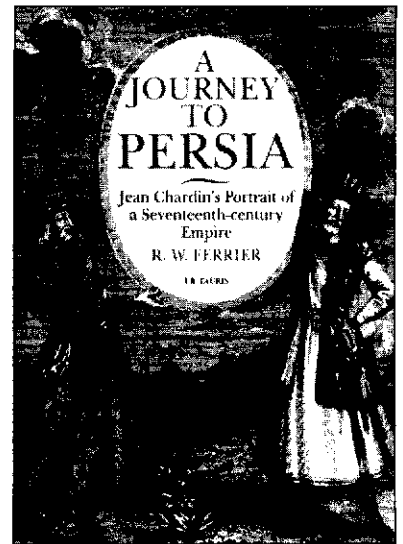


* تصویر از ایران

بررسی مضمونی عناوین سفرنامه‌های فرانسویان به ایران

سفرنامه‌های منتشر شده بین سال‌های ۱۶۰۰ - ۱۷۳۰



آن ماری توزر (Ann-Marie Touzard)
ترجمه: نگین صالحی نیا

خلاصه:

سفرنامه‌های متعددی که در قرون هفدهم و هجدهم درباره سفر [فرانسویان] به خاور زمین و به خصوص به ایران، انتشار یافته‌اند، غالباً از عناوین بسیار طولانی‌ای برخوردارند که کمابیش خلاصه‌ای از مطالب این آثار را بیان می‌کنند. تجزیه و تحلیل این عناوین، امکان ارزیابی مضمون این آثار را فراهم می‌سازد، تا بدین ترتیب درک موضوعی که مؤلفان سعی داشتند معرفی کنند و انگیزه‌هایی که آنها را وادار به سفرکردن و نوشتن می‌کرد، میسر گردد و در نتیجه، تصویری که در ذهن خوانندگان فرانسوی آن دوران از ایران وجود داشت مشخص شود.

واژه‌های کلیدی: سفرنامه، گزارش سفر، بررسی مضمونی عناوین، سیاحان فرانسوی در ایران، ۱۶۰۰-۱۷۰۰

مقدمه:

- ۱- مؤلفان
- ۲- سبک ادبی
- ۳- موضوع
- ۴- انگیزه‌ها و پیامدهای آنان
- ۵- نتیجه‌گیری
- ۶- عناوین: کتابشناسی

مقدمه:

در قرون هفدهم و هجدهم [میلادی] آثار بسیاری درباره ایران نوشته شده است. فراوانی عنوان‌هایی که (در این زمینه) گردآوری کرده‌ایم گواه این مسئله می‌باشد. از اواسط قرن هفدهم، تعداد زیادی از سیاحان فرانسوی با انگیزه‌های مختلف به سیر و سیاحت در ایران پرداختند و گزارش سفر خود را به نگارش درآوردند. بسیاری از این آثار یا به هنگام حیات مؤلفین توسط خود آنان و یا دیگر اشخاص (ناشرین یا آشنایان) انتشار یافتند و یا در دهه‌های بعدی منتشر شدند. این امر، خود نشان دهنده توجهی است که به ایران می‌شد و همچنین، بیانگر تأثیری است که آثار [مذکور] بر کل اروپائیان به ویژه فرانسویان گذاشتند. آثار متعددی که درباره زبان، ادبیات و تاریخ ایران در دوران صفویه به نگارش درآمده، دلیلی است بر توجهی که در آن دوران به ایران و یا کلاً به مشرق زمین می‌شده است. همچنین، از این آثار می‌توان به علل مورد توجه بودن مشرق زمین و انگیزه‌هایی که محرک مؤلفین بودند پی برد. حتی اگر این آثار از نوع دست دوم و یا دست سوم باشند باز هم معمولاً اطلاعات معتبری را در بردارند. و بالاخره این که این آثار باعث می‌شوند که محقق تاریخ ایران از طریق این «منابع» به شناخت ایران به‌اندیشه انتقادی عمیق تری دست یابد. چه بخواهیم و چه نخواهیم، این گزارشها وجود دارند و مورد پردازش قرار می‌گیرند و خود یک پدیده تاریخی را تشکیل می‌دهند. بنابراین ما نیز باید آنها را به عنوان پدیده تاریخی در نظر گرفته و به همین گونه به آنها بپردازیم.

هنگامی که سفیر اعزامی شاه سلطان حسین به دربار لویی چهاردهم، به مarseille (Marseille) رسید، آقای ارنول (Arnoul) سر رشته‌دار ناوگان پادشاه در آن شهر بود و از طریق مکاتبات وی می‌توان به طور مشخصی به دیدگاه فرانسویان نسبت به ایران پی برد.

آقای آرنول از تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۷۱۴ همراه سفیر ایران بود، جمله های ذیل، که از نامه مورخ ۱۹ دسامبر وی استخراج شده اند، بیانگر تأثیر این واقعه به افکار عمومی هستند:

« ممکن است گرفتاری پیش بیاید، زیرا مثلاً احتمال دارد که مردم بخواهند در اثر کنجکاوی بیش از اندازه به وی نزدیک شوند، و یا این که ملازمانش که دست بزن دارند، بخواهند... »
آرنول چندین اتفاق کوچک را نیز ذکر می کند که علیرغم کم اهمیت بودن، نشان دهنده جوی نسبتاً متشنج هستند:
« آن کسی که پیشاپیش وی راه می رود با عصایش ضربه کوچکی به صاحب منصبی زد و فرد مورد نظر اصلاً از این کار خوشش نیامد... »

« در اپراه آن کسی که قلیانش [در متن: pipie] را حمل می کند با اندکی ناملایمت افسری را که داشت وارد می شد هل داد، به طوری که وی خواست دست به شمشیر ببرد چون فکر می کرد که پای شرافتش در میان است. »
در شرایطی که همه نسبت به شرافت خود بسیار حساس شده بودند، باید به سفیر تفهیم می شد که «پای شرافت وی به هیچ وجه در میان نیست، در نتیجه در آن لحظه آرام شد ولی هنوز از آن ماجرا دلخور است. »

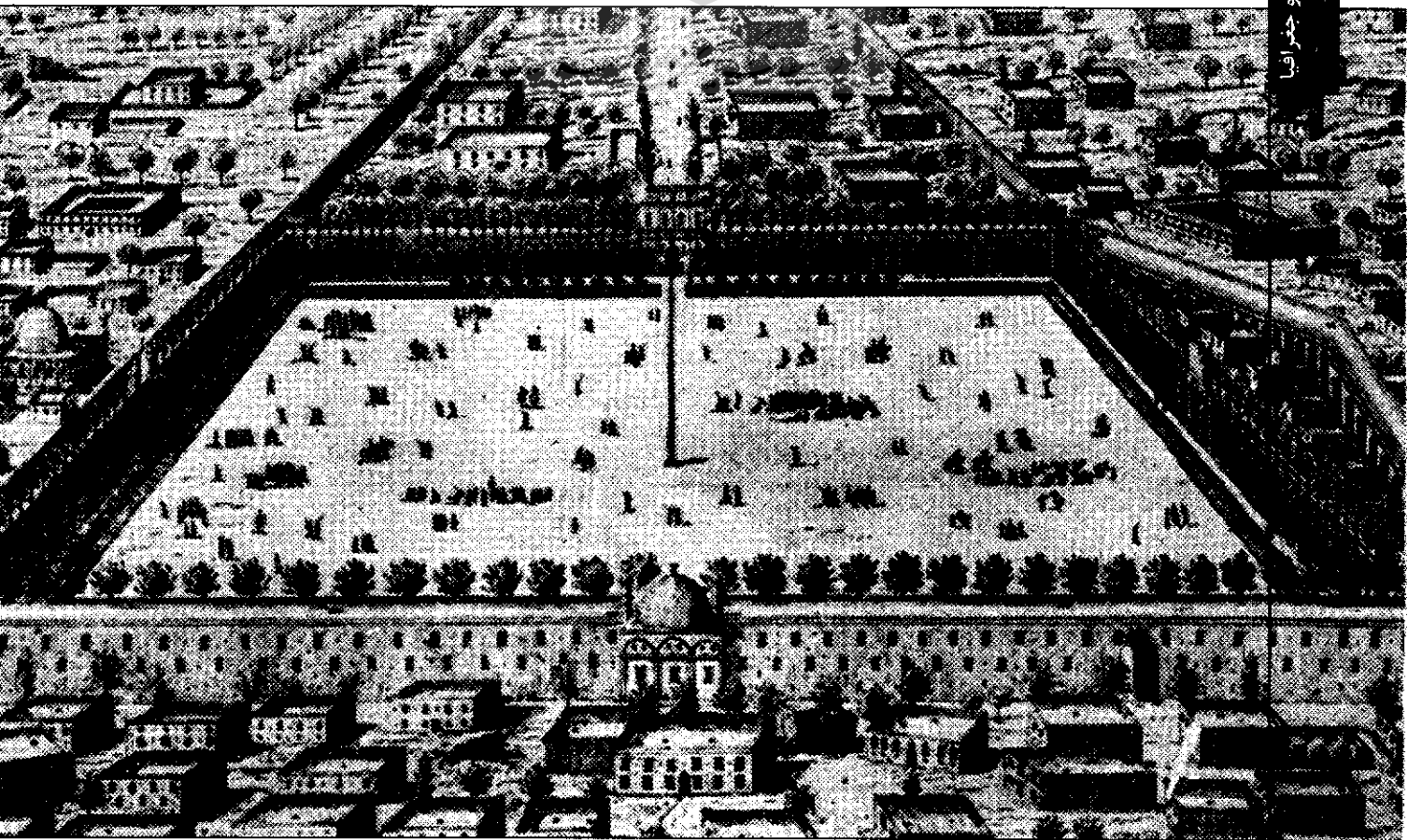
اگر چه اتفاقی که بین مورل (Morel) و سفیر ایران رخ داد، اتفاق کم اهمیتی بود، اما افکار عمومی را شعله ور ساخت. آرنول می گوید: «اگر این ماجرا علنی نشده بود، درباره اش با شما سخن نمی گفتیم، اما تا آنجایی که من می دانم بسیاری از مردم این ماجرا را جدی و مسلم به شمار می آورند. » آیا سفیر (ایران) که نزد مردم، به خصوص نزد بانوان، شهرت نیکی کسب کرده بود، [پس از این ماجرا] اعتبار خود را از دست داد؟

بدون شک، شناخت و تصور عمومی درباره سفیر ایران براساس شخصیت وی و همچنین فراز و فرودهای [رفتار] وی شکل گرفت و همانطور که می دانیم، افکار عمومی نیروی مهم و تأثیرگذاری را تشکیل می دهند. اما این سؤال مطرح می شود که آیا این عوامل به تنهایی برای توجیه رفتار فرانسویان با یک ایرانی کافی است؟ در اروپای قرن هفدهم مردم از «خاور زمین»، [یا به عبارتی] از ایران و ترکیه چه می دانستند؟

با در نظر گرفتن ناآرامی هایی که ورود یک سفیر ایرانی به فرانسه ایجاد کرد و همچنین با در نظر گرفتن دل نگرانی های آقای آرنول و اطرافیانش این پرسش برای ما مطرح می شود: ایران چه تصویری (یا تصاویری) را در ذهن فرانسویان، مثلاً در ذهن سر رشته دار ناوگان [پادشاه] و به ویژه در ذهن عموم مردم بیدار می کرد؟

باید از نوشته های مونتسکیو (Montesquieu)، که البته از شش سفر تاورنیه (Tavernier) استفاده کرده، یادکرد: «برج و باروها از بین رفته اند، شهرها خالی اند، اندوه روستاها را فراگرفته و کشاورزی و بازرگانی به کلی کنار گذاشته شده اند... هزاران خطر مسیحیانی را که به کشت زمینها می پردازند و یهودیانی را که مالیاتها را گردآوری می کنند تهدید می کند. » اما در نخستین صفحه روایت تاورنیه چه می خوانیم؟ «در آسیا نواحی ای وجود دارد که لم یزرع و عاری از سکنه

اصفهان، میدان نقش جهان
در سفرنامه دولیه ده لات،
سیاح فرانسوی، ۱۶۶۴/۱۰۷۵ هـ



هستند، یا به دلیل ناسازگار بودن آب و هوا و زمین و یا به دلیل تنبلی مردم، که فقیرانه زیستن را به کار کردن ترجیح می‌دهند.» از آنجایی که روابط بین فرانسه و ایران را مد نظر داریم، کار خود را به [بررسی] آثاری که به زبان فرانسه نوشته شده اند محدود می‌نماییم [و آنگاه]:

۱- سعی خواهیم کرد که فهرستی از «مشاغل» یا موقعیت‌های اجتماعی مؤلفین این آثار تهیه کنیم (بدون این که مدعی ارائه فهرستی جامع باشیم).

۲- سپس با در نظر گرفتن عناوین این آثار، سعی خواهیم کرد که «سیک ادبی» آنها و همچنین اندیشه‌هایی را که این سیک در پی دارد مشخص نماییم.

۳- ما به تجزیه و تحلیل خود این آثار نخواهیم پرداخت و تنها به تجزیه و تحلیل عناوین آنها اکتفا خواهیم کرد، چرا که بررسی این عناوین (که معمولاً خیلی طولانی هستند) به ما این امکان را می‌دهد که نوع اطلاعاتی که این آثار در اختیار ما می‌گذارند، یعنی «موضوعی» که این آثار به ما می‌شناسانند را بهتر تشخیص دهیم.

۴- از آنجایی که موضوع هر کدام از این آثار معرف انگیزه‌های مؤلفین آن است از این رو [شناخت موضوع اثر] می‌تواند به شناخت بهتر انگیزه‌هایی که مؤلفین را به سفر واداشته و همچنین، به شناخت بهتر ذهنیت آنان از نظر روانشناختی و اخلاقی کمک کند.

آنگاه شاید بهتر بتوانیم افق دید این مؤلفین را درک کنیم و حتی اگر معصومیت آنان را باور نداشته باشیم، به هیچ وجه نباید به صداقت آنان شک کنیم.

۱- نام و مقام اجتماعی مؤلفین آثار مربوط به ایران:

الف - کسانی که در قرن هفدهم [درباره ایران] مطلب یا گزارش نوشتند:

الف - ۱: کسانی که خود به ایران سفر کرده و یا از ایران گذر کردند عبارتند از:

* فرانسوا مارتن دو ویتره (Francois Martin de Vitre) سیاح - جراح - ۱۶۰۳-۱۶۰۱

* هانری دو بُوو (Henri de Beauveau) نظامی - سیاح ۱۶۰۸-۱۶۰۲

* هانری دو فین (Henri de Feynes) نجیب زاده + بازرگان ۱۶۰۶-۱۶۲۰

* دِهی دو کورمنن (Deshayes de Coumenin) دیپلمات ۱۶۲۱-۱۶۲۶

* پدر باسیفیک دو پروون (Le P. Pacifique de Provins) روحانی ۱۶۲۲-۱۶۲۷

* فرمانل (Fermanel) بازرگان ۱۶۳۰

* ژان باتیست تاورنییه (Jean Baptiste Tavernier) سیاح ۱۶۳۵-۱۶۶۵

* پدر رافائل دومان (Le P. Raphael du Mans) سیاح ۱۶۴۴-۱۶۹۶

* پدر فیلیپ دولاتره سنت ترینیته (Le P. Philippe de La tres Ste trinite) سیاح ۱۶۳۹

* پدر الکساندر دو رد (Le P. Alexandre de Rhodes) سیاح ۱۶۵۴

* فرانسوا برنیه (Francois Bernier) پزشک، سیاح ۱۶۵۶-۱۶۶۹

* پدر دو بورژ (Le P. de Bourges) روحانی ۱۶۶۰-۱۷۱۲

* پدر کاره (Le P. Carre) روحانی ۱۶۶۲-۱۶۷۴

* ژان تونو (Jean Thevenot) سیاح ۱۶۶۴-۱۶۶۷

* پدر آنژ دوسن ژوزف (Le P. Ange de Saint Joseph) روحانی ۱۶۶۴-۱۶۷۸

* لایولی لوگوز (La Boullaye le Gouz) مورد تأیید لوئی چهاردهم ۱۶۶۵

* نیکلا کلود دولان (Nicolas Claud de Lalain) مورد تأیید لوئی چهاردهم - ۱۶۶۵

* ژان شاردن (Jean Chardin) بازرگان - سیاح ۱۶۶۵-۱۶۷۷

* پوله (Poulet) بازرگان - سیاح ۱۶۶۸

* گابریل دلن (Gabrial Dellon) پزشک ۱۶۶۸-۱۶۷۷

* پدر گابریل دوشینن (Le P. Gabriel de Chinon) روحانی ۱۶۷۰

* پتیس دولا کرو (Petis de la Corix) منشی و مترجم ۱۶۷۰-۱۶۸۰

* آندره دلیه - دلاند (Andre Daulier.Deslandes) بازرگان ۱۶۷۲

* بارتلمی کاره دوشامین (Barthelmy Carre de Chambon) روحانی ۱۶۷۲ - ۱۶۷۴

* عالیجناب فرانسوا پیکه (Mgr Francois Picquet) روحانی ۱۶۸۲-۱۶۸۵

* پدر سانسُن (Le P. Sanson) روحانی ۱۶۸۳

* پدر آوریل (Le P. Avril) روحانی ۱۶۸۵-۱۶۹۰

* پدر ریکارد (Le P. Ricard) روحانی ۱۶۹۷

* پدر مارتن گدرو (Le P. Martin Gauderau) روحانی ۱۶۹۶-۱۷۰۴

* پدر ژان باتیست دولاماز (Le P. Jean Baptiste de la Maze) روحانی ۱۶۹۸-۱۶۹۹

در مجموع: پانزده روحانی؛ نه سیاح که سفرشان بیشتر جنبه بازرگانی داشت و دو نفر از آنها مورد تأیید پادشاه فرانسه

اواسط

قرن هفدهم

تعداد زیادی از

سیاحان فرانسوی

با انگیزه‌های مختلف

به سیر و سیاحت

در ایران پرداختند و

گزارش سفر خود را

به نگارش درآوردند.

این امر خود

نشان دهنده

توجهی است که

به ایران می‌شد و

همچنین بیانگر

تأثیری است که

آثار مذکور بر

کل اروپائیان،

به ویژه فرانسویان

گذاشتند

هنگامی که
سفیر اعزامی
شاه سلطان حسین
به دربار
لویی چهاردهم
به ماریسی رسید،
آقای آرنول،
سررشته دار
ناوگان پادشاه
در آن شهر بود
و از طریق
مکاتبات وی
می توان
به طور مشخص
به دیدگاه
فرانسویان
نسبت به ایران
پی برد

بودند؛ چهار سیاح، از جمله یک نظامی و سه پزشک؛ یک مترجم، که به دلیل قابلیت‌های ذهنی اش به دستور اعلیحضرت در ایران حضور داشت؛ و تنها یک نماینده سیاسی رسمی فرانسه. ضمناً لازم به ذکر است که مأموریت وی با شکست مواجه شد و نتوانست به ایران برسد. این موضوع به نظر ما از اهمیت اساسی برخوردار است و دوباره با جزئیات بیشتری به آن خواهیم پرداخت.

الف - ۲: کسانی که نامه‌ها، یادداشت‌ها و خاطرات اشخاصی را که به ایران رفته بودند منتشر ساختند و یا براساس آنها اثری را تألیف نمودند:

- * بودوان (Baudoin) نویسنده - مترجم
- * پدر کارمو و پدر لوکنت (Les PP. Carmoau et Lecomte) [هر دو] روحانی
- * کتُلندی (Cotolendi) ادیب
- * لوئی کولن (Louis Coulon) ادیب - مترجم
- * لوئی دو دیو (Louis de Dieu) روحانی
- * پدر ژاک دو ماشو (Le P. Jacques de Machault) روحانی
- * ژرژ مگره (Georges Maigret) روحانی متخصص الهیات
- * کلود بارتلمی موریزو (Claude Barthelemy Morisot) نویسنده - ناشر
- * پیر پُل (Pierre Paul) روحانی
- * س. س. دو پیسنیل (C.C. de Payssonel) دیپلمات
- * گیوم پُستل (Guillaume Postel) نویسنده - دیپلمات
- * م. رنو (M. Renaud) روحانی
- * پیر دو سنت آندره (Pierre de Saint-Andre) روحانی
- * ملشیدیک تونو (Melchisedech Thevenot) سیاح - ادیب
- * آ. دو ویکفور (A. de Wicquefort) سیاستمدار - تاریخدان

یعنی [در مجموع]:

هشت روحانی؛ یک دیپلمات؛ هفت نفر اهل ادب که یکی از آنها، یعنی کتُلندی، «سفرهای پیر تکشیرا» (Texeira Pierre)، [سیاح] اسپانیولی را نیز منتشر ساخت. کولن نیز از سال ۱۶۴۰ به بعد برای کتابفروشی به نام کلوزیه (Clouzier) کار می‌کرد که در پاریس شهرت بسیاری داشت. بدون شک، [در میان سیاحان]، روحانیون رتبه اول را به خود اختصاص می‌دهند چرا که معمولاً مجبور به اقامت طولانی مدت در ایران بودند و بنابراین به مطالعه جنبه‌های مختلف این کشور پرداختند.

ب - کسانی که در قرن هجدهم [درباره ایران] نوشتند:

ب - ۱: کسانی که به ایران سفر کردند:

- * لوئی باشو (Louis Bachoud) روحانی ۱۷۲۱
- * ژان بیون دو کانسری (Jean Billon de Canserilles) بازرگان ۱۷۰۵-۱۶۹۸
- * پدر نیکلا فریزن (ویوت) (Le P. Nicolas Frizon (Villote) [روحانی ۱۷۳۰
- * آنژ دوگاردان (Ange de Gardane) کنسول ۱۷۳۴-۱۷۱۸
- * ژروم فرانسوا دو سن ژوزف (Jerome Francois de St Joseph) روحانی ۱۷۲۶-۱۷۲۲
- * پُل لوکا (Paul Lucas) سیاح ۱۷۰۴
- * لوئیلیه - لاگودیه (Luillier .Lagaudiers) سیاح ۱۷۰۳-۱۷۰۲
- * پیر ویکتور میشل (Pierre Victor Michel) فرستاده ویژه ۱۷۰۹-۱۷۰۶
- * لئونار موسنیه (Leonard Mosnier) روحانی ۱۷۱۱
- * اتین پادری (Etienne Padery) کنسول ۱۷۲۵-۱۷۱۹
- * پیشنیل (Peyssonel) کنسول ۱۷۸۳-۱۷۴۷
- * ژ. پیتون دوتورنفور (J. Pitton de Tournefort) گیاه شناس ۱۷۰۲-۱۷۰۰
- * پدر ژ. دو روئی (Le P. J. de Reuilly) روحانی ۱۷۲۸-۱۷۲۶
- * پدر رینال (Le P. Reynal) روحانی ۱۷۲۵-۱۷۲۲

یعنی در مجموع: شش روحانی؛ سه بازرگان و یا سیاح؛ یک دانشمند؛ چهار نماینده سیاسی رسمی.

نتایج حاصله به طرز محسوسی با نتایج مربوط به قرن هفدهم تفاوت دارند. از این مسئله چه نتیجه‌ای باید گرفت؟ از یک سو، می‌توان این نتایج را با تأثیرات سفارت محمدرضا بیگ مربوط دانست و از سوی دیگر، می‌توان تأثیر مشکلات فزاینده هیأت‌های تبلیغی کاتولیک در ایران را بر آنها در نظر گرفت.

ب - ۲: کسانی که یادداشت‌ها یا خاطرات اشخاصی را که به ایران رفته بودند، منتشر ساختند و یا براساس آنها اثری را تألیف کردند.

* شوالیه دارویو (Le Chevalier d Arvieux) دیپلمات

* ش. س بودلو دو دروال (Ch. C. Baudelot de Derval) وکیل و سپس عتیقه فروش

* ژ. آ دوسرسو (J. A du Cerceau) روحانی

* دولا فورست دوپورگن (de la Forest de Bourgon) منشی - نویسنده

* پدر لبا (Le. P Labat) روحانی

* لوفور دو فونتئی (Iefevre de Fontenay) نویسنده - روزنامه نگار

* ل. آ. دولامی دو کلراک (L. A. de la Mamie de Clairac) نظامی - نویسنده

* س. س دوپیسئل (C. C. de Peyssonel) کنسول - باستان شناس

* کشیش گ. ت. فر. دو رینال (G. Th. Fr. De Reynal) روحانی

* ژ. دو روئی (J. de Reuilly) روحانی

* ژ. فر. گزایوه روسو (J. Fr. Xavier Rousseau) دیپلمات

* کشیش دوتالمان (de Tallemand) روحانی

* ژاک ویوت (Jacques Villote) روحانی

در مجموع عبارت اند از: شش روحانی؛ سه نماینده سیاسی (کنسول در خاور زمین) که یکی از آنها باستان شناس نیز بود؛ چهار نویسنده وقایع نگار کمابیش غیرحرفه ای، که یکی از آنها نظامی بود؛ یک عتیقه فروش.

همچنین باید کسانی را که به ایران رفته و درباره آن کشور نوشته‌اند به چند دسته تقسیم بندی کرد:

۱. کسانی که شخصاً و مطابق میل و اراده خویش آثارشان را به رشته تحریر درآورده اند.

۲. کسانی که به صورت سفارشی به منظور اطاعت از مافوق خود و یا به خاطر خوشایند حامی خود و یا خوشایند کسی که اثر به وی تقدیم می شد دست به قلم برده اند. احتمال دارد که این افراد به صورت گزینشی خاطرات خود را ذکر کرده یا آنها را مطابق شرایط تغییر داده باشند.

۳. کسانی که وادار به نوشتن شده اند و یا اینکه اشخاص دیگری به جای آنها و به اسم آنها نوشته اند. به عنوان مثال، سفرنامه اولناریوس (Olearius) که از اتباع شلسویک - هلشتاین

(Schleswig-Hopstein) بود، توسط آ. دو ویگفور (یک هلندی فرانسه زبان) ترجمه و منتشر شد. بر روی صفحه عنوان نسخه انتشار یافته در سال ۱۶۷۹ نوشته شده: «به میزان بیش از یک سوم به حجم این سفرنامه افزوده شده است.» از آنجایی که در آن تاریخ، هشت سال از درگذشت اولناریوس می گذشت، جمله فوق تعجب برانگیز است.

به همین ترتیب نیز پدر روحانی دوسرسو در اثر خود به نام تاریخ اغتشاش اخیر ایران، به بررسی ترجمه فرانسه بشون (Bechon) از خاطرات پدر روحانی کروزنسکی (Krusinski) لهستانی (که وی نیز ژوئیت بود) پرداخته و ظاهراً آن را به طرز قابل توجهی «بازنگری و تکمیل» کرده است. «خاطرات» پدر کروزنسکی، که در اصل به زبان لاتین نوشته شده بود به ترکی ترجمه شده و ابراهیم متفرقه (Ibrahim Muteferrika)، پیش کسوت صنعت چاپ در قسطنطنیه، آن را منتشر ساخت و سپس دوباره [از زبان ترکی] به زبان لاتین ترجمه شد. اما خود پدر کروزنسکی در اصل چه نوشته بود؟ دانستن پاسخ این پرسش بسیار مشکل است. بین فرمانل و کتابفروشی های روان (Rouen) چه اتفاقی رخ داد؟ و یا اینکه لوئی موری (Louis Moreri)، که کشیش و الهیات شناس بود، به چه میزان در نگارش گزارش های جدید از خاور زمین اثر پدر گابریل دو شینن (که پوله در تبریز ملاقات کرده بود) دست داشت؟ ظاهراً یادداشت های پل لوکا از زیردست چندین ویراستار گذشت.

تشویق کسانی که به شرق سفر کرده بودند در جهت مطلع ساختن دیگران از اکتشافات خود، قابل ستایش است. اما آیا این که به دور از چشم مؤلف، اثری را منتشر سازند و در جهت منافع ناشر، آن را به یک کتاب پرفروش تبدیل کنند آیا کار پسندیده ای است؟ [از آنجایی که چنین اتفاقاتی می افتاد] می توان نتیجه گرفت که در آن دوران این روش ها طرفدار داشته و مردم دلشان می خواست که همه چیز را درباره خاور زمین بدانند.

نخستین نتیجه گیری که می توان انجام داد از این قرار است:

اگر لازمه ایجاد یک تصویر [در ذهن انسان]، در اختیار داشتن دیدگاه های خاصی باشد، برای ایجاد تصویری از خاور زمین دیدگاه های موجود عبارتند از:

۱- دیدگاه فرد اروپایی، که از تعجب حیرت و شگفت زدگی حکایت می کند.

۲- دیدگاه روحانیون که دیدگاه اصلی است: تصویری که روحانیون از مشرق زمین ارائه می کنند از یک سو تابع نوع نگرش آنها است، یعنی بسته به میزان هوشمندانه بودن آن نگرش، همراه بودن آن با آگاهی های قبلی و نیز متأثر بودن آن از اهداف مورد نظر می تواند تغییر کند و در نتیجه به شدت تحت تأثیر نظریات شخصی روحانیون است. از سوی دیگر، این تصویر تابع میزان گستردگی میدان دید روحانیون نیز هست. [میزان گستردگی میدان دید] می تواند بیانگر میزان علاقه آنها به موضوع

مؤلف: در این نوشتار

سعی خواهیم کرد

فهرستی از مشاغل»

یا موقعیت های

اجتماعی مؤلفین

سفرنامه ها

تهیه کنیم

(بدون اینکه مدعی

ارائه فهرستی جامع

باشیم)؛ سپس

با در نظر گرفتن

عناوین این آثار،

سعی خواهیم کرد

که «سبک ادبی»

آنها و همچنین

اندیشه هایی را

که این سبک

در پی دارد،

مشخص نماییم

اگر واژه های مختلفی را که مؤلفین این آثار [در عناوین] به کار برده اند، مد نظر قرار دهیم فهرستی به شرح ذیل حاصل می شود:

مؤلفینی که واژه روایت را به کار برده اند:
گزارش سفر / گزارش / سفرنامه

مؤلفینی که واژه سفر(ها) را به کار برده اند:

پدر آکساندر دو رد
هانری دو ب وو
پدر دو بورژ
فرانسوا کش (Francois Cauche)
س . دِلِن
آقای دولافورست دو بورگن
پدر گابریل دو شینن
کشیش گندرو
ماشو
مگره
کل . ب . موریزو
پدر پاسیفیک دو پرُون
آبل پینکن (Abel Pincon)
پیتون دو تورنفرود

پدر آکساندر دو رد
پدر آوریل
بودلو دو دروال
فرانسوا برنیه
دولابولی لوگوز
پدر کارمو و پدر لوکنت
کشیش کاره دو شامین
شاردن
دهی دو کورمنن
فرمانل
ه . دو فین
پل لوکا
لوئیلیه - لاگودیه
میشل
پدر موسنیه
پدر فیلیپ دولاتره سنت ترنیتیه و پدر دو سنت آندره
پوله

پوله
م. رنو

پدر رینال
* نسخه فرانسوی
* نسخه انگلیسی
* نسخه اسپانیولی
پدر سانسِن
تاورنیه
ژان تونو
ملشیسدک تونو
پدر ویوت (پدر فریزن)

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

پدر سانسِن
تاورنیه
ژان تونو
ملشیسدک تونو

مؤلفینی که واژه «وقایع نگاری» را به کار برده اند:

مؤلفینی که واژه «تاریخ» را به کار برده اند:

پدر کروزنسکی:
* ترجمه لاتینی از متن ترکی
* نسخه لاتینی متعلق به سال ۱۷۴۰
* ترجمه انگلیسی (۱۸۴۰) که از روی ترجمه لاتینی
نسخه ترکی اثر کروزنسکی صورت گرفته است.

بودوان
برنیه
پدر دوسرسو
پدر کروزنسکی:
* نسخه فرانسوی
* نسخه انگلیسی
* نسخه ترکی
* نسخه لاتینی

پدر لایا
ل. آ. دولامیندوکلراک
رینال

مؤلفینی که واژه «خاطرات» را به کار برده‌اند:

شوالیه دارویو

برنیه

کولن

پدر کروزنسکی

پدر لایا (نک به : شوالیه دارویو)

کشیش تالمان

مؤلفینی که واژه «یادگارها» را به کار برده‌اند:

پدر آنژ دوسن ژوزف

مؤلفینی که واژه «اخبار» را به کار برده‌اند:

گاردان

مؤلفینی که واژه «رساله»، «گزارش»، یا «گزارشها» را به کار برده‌اند:

بیون دوکانسری

مارکی دو بوناک (Marquis de Bonnac)

کشیش گودرو

میشل

پدر موسنیه

پدر ریکار

کنت دو سن پریست

مؤلفینی که واژه «خاطرات روزانه» را به کار برده‌اند:

شاردن

گاردان

لوفور دو فونتنی

پدر دولاماز

پدر موسنیه

پتیس دو لا کروآ

مؤلفینی که واژه «نامه‌ها» را به کار برده‌اند:

پدر باشو

پدر ه. ب

لابولی لوگوز

پدر ژروم فرانسوا دو سن ژوزف

پدر لایا

ن. ک دولانن

پدر دو لاماز

پدر موسنیه

پدر پاسیفیک دو پروون

عالیجناب پیکه

پدر روئی

پدر ریکار

«نامه‌های» میسیونرهای ژزوئیت

خاطرات شیروان «در قالب نامه»

مؤلفینی که واژه «مشاهدات» را به کار برده‌اند:

دولابولی لوگوز

دهی دو کورمنن

فرمانل

کشیش گدرو

مؤلفینی که واژه «توصیف» را به کار برده‌اند:

دولابولی لوگوز

دلیه - دلاند

پدر گابریل دوشینن

فرانسوا مارتن دو ویتره

پدر فیلیپ دولاتره سنت ترینیته

و پدر پیر دوست آندره

پوله

پدر رافائل دومان

ژ. تونو

اگر فهرست های فوق را به صورت جدول خلاصه کنیم، جدول ذیل حاصل می شود:

مجموع	نماینده سیاسی	دانشمند، نویسنده	سیاح	بازرگان	روحانی	
۲۴	۲	۳	۷	۳	۹	سفر
۲۳		۶	۳	۲	۱۲	روایت
۷		۲	۱		۴	تاریخ
۱					۱	وقایع نگاری
۱۳	۴	۱	۱	۱	۶	خاطرات + رساله + گزارش
۱					۱	یادگار
۱۴			۲		۱۲	نامه
۶	۱	۲		۱	۲	خاطرات روزانه
۱	۱					خبر
۹			۴	۱	۴	توصیف
۴	۱		۱	۱	۱	مشاهده

مورد مطالعه شان و نیز بیانگر خصوصیات قلبی آنها باشد.

اکنون سعی خواهیم کرد که به تجزیه و تحلیل اطلاعاتی که از عناوین آثار و گزارش سفرها به دست می آوریم، بپردازیم. بنابراین، مؤلفین بیشتر به منظور شرح سفر خویش این آثار را به نگارش در می آوردند و این کار را یا به میل خویش انجام می دادند و یا چنانکه از تعدد عناوین «روایت، اخبار، یادگار، خاطرات، خاطرات روزانه» برمی آید، به دلیل انجام دادن مأموریتی کم و بیش رسمی، مجبور بودند که گزارشی از سفر خود ارائه کنند. در عین حال، مؤلفین تا حدودی سعی می کردند که اثری تاریخی ارائه دهند. شاهد آن، کاربرد واژه هایی چون، «تاریخ، وقایع نگاری، روز شمار تاریخی و روایت تاریخی» است.

کسانی که از سعادت سفر به ایران برخوردار شده بودند، سخاوتمندانه به ترویج آثار خود می پرداختند و کسانی که تقدیر، چنین موهبتی را نصیبشان نکرده بود با ولع به مطالعه این آثار (که به انواع زبان ها در اروپا انتشار می یافتند) و بهره برداری از آنها پرداخته و مشتاق شناختن و یا شناساندن این کشور بودند.

از جمع بندی انجام گرفته در جدول فوق نتیجه گیری دیگری نیز حاصل می شود: اصولاً هر یک از این آثار، از هر موضوعی که برخوردار باشند - در ادامه مقاله به موضوع این آثار خواهیم پرداخت - از نظر سبک ادبی ۱- یا به سبک روایتی تعلق دارد، ۲- یا به سبک توصیفی ۳- و یا معمولاً به هر دو سبک.

الف - بدین ترتیب ما باید با بهره گیری از روش های روایت شناسی این متون را از نظر نقد ادبی ارزیابی کنیم.
ب - نویسنده ای چون مونتسکیو^۵ (Montesquieu) برای خلق اثر ادبی خویش از یک سو مشاهدات (دیگران) و تصاویری ساخته و پرداخته و کمابیش کلیشه ای را مورد استفاده قرار داده است، چرا که می توانست به میل خویش با این تصاویر بازی کند و یک سبک نگارش هوشیارانه و بدیع را به منظور مجذوب ساختن خواننده ارائه نماید و از سوی دیگر، تصاویر جدیدی را نیز به کار برده است. چرا که به هنگام توصیف کشوری که به یک میزان برای نویسنده و خواننده «عجیب» است، نویسنده به آسانی می تواند تصاویر جدیدی را از آن کشور ارائه دهد و بدین ترتیب یک پرده نمایش را در اختیار خواننده بگذارد تا وی بتواند تخیلات و خیال پردازی های خود را در آن منعکس سازد. اما بر خلاف مونتسکیو، هدف مؤلفین سفر نامه ها ارائه آثار ادبی صرف نبود.

ج - هدف اصلی تألیف این سفر نامه ها غالباً این بود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعات لازم (وبالاجبار دقیقی) در اختیار حکومت و وزراء، بازرگانان، مبلغین مذهبی و نظامیان بگذارند. مثلاً پدر رافائل دومان وضعیت ایران در سال ۱۶۶۰ را برای چه کسی نوشته بود؟

لویی چهاردهم رسماً لایولی لوگوز و دولالین را به ایران فرستاده بود تا از طریق آنها درباره امکانات تجارت در آن کشور آگاه گردد.

مأموریت جناب لوکا این بود که به دنبال کتیبه ها، دست نوشته ها و غیره بگردد. در چنین شرایطی، عینیت گرایی،

دقت و صحت بر کیفیت ادبی ارجحیت دارند. **دهی دو گورمنن** - و یا شاید هم منشی اش می نویسد: «صراحتاً به تو اعتراف می کنم که سبک نگارشی که به کار برده ام خیلی سبک پرداخته ای نیست و شاید به نظر برخی از افراد بیش از حد ساده و حقیر باشد اما پیش از اینکه این افراد سبک مرا محکوم کنند، از آنها خواهش می کنم این نکته را مد نظر داشته باشند که من یک گزارش سفر می نویسم و به نظرم، حقیقت، تنها زینتی است که این گزارش باید بدان آراسته شود»^۲.

د - تصدیق ارزش اطلاع رسانی این آثار در اصل به منزله این است که آنها را بعنوان اسناد تاریخی در نظر بگیریم و با چنین نگرشی آنها را ارزیابی نماییم.

از یک سو باید محقق کنیم که آیا مؤلف درباره موثق بودن منابع اش (منابع متعلق به مؤلفین پیشین، اسلاف بلافصل و یا مؤلفین هم عصر وی) به ما حقیقت را می گوید یا خیر. در آن زمان در فرانسه مؤلفین و تألیفات از حقوق مشخصی پیروی نمی کردند لذا مؤلفین بدون هیچ ملاحظه ای و بدون ذکر منابع از آثار دیگران رونویسی می کردند. در کتاب **لوفور دو فتنی**^۳ صفحات کاملی از گزارش پدر سانسن^۴ به چشم می خورد. همچنین می دانیم که سیاحان فرانسوی قرن هجدهم بسیاری از اطلاعات خود را از پدر رافائل دومان (که به مدت ۴۹ سال در ایران زندگی کرد و در سال ۱۶۹۶، در سن ۸۳ سالگی، در آن کشور درگذشت)^۵ وام گرفته اند به عبارتی دیگر، آیا با سرقت ادبی، جایگزینی واقعیات بوسیله تخیلات و داستان پردازی و دستکاری متون موجود، حکایات و روایات رواج یافته اند؟ یا اینکه تنها با شایعه پراکنی و ترویج پیش داوری ها پرداخته شده است؟

در عین حال، باید مسئله عینیت گرایی را نیز در نظر گرفت. این «شاهد‌های ارادی»^۶ را باید با بهره گیری از «شاهد‌های غیرارادی» چون تاریخ، اقتصاد، تاریخ ساختارهای اجتماعی و غیره مورد تردید یا تأیید قرار داد. در آن زمان، ایران (برای اروپائیان) کشوری بسیار نو به شمار می آمد و از آنجایی که ما بسیاری از شواهد و جزئیات را در اختیار نداریم، نمی توانیم میزان عینیت گرایی به کار رفته در توصیف این کشور را بسنجیم. اما در این نوشته ها تلاش شده تا از نظر مکانی و زمانی، مقطعی از تاریخ انسانی، جغرافیایی و اجتماعی یک کشور شناسانده شود و نگرشی [خاص] از آن ارائه گردد و ما این حق را داریم که آنها را به همان صورتی که هستند مجموعاً به عنوان یک واقعیت تاریخی در نظر بگیریم.

ه - از سوی دیگر نیز، هدف [مذکور] و همچنین نو بودن موضوع توصیف شده باعث می شود که این آثار رنگ گزارش ماجرا به خود بگیرند. در حقیقت خود مؤلفین نیز می خواستند که آثارشان جنبه گزارش ماجرا داشته باشد و همگی آنها در مقدمه اعلام می نمایند که: من می خواهم آنچه را که دیده ام برایتان تعریف و یا توصیف کنم و برخی از آنها، همانند پوله اضافه می کنند که: «برخلاف آنچه که تاکنون شنیده اید». لا بولی لوگوز نیز نظر خود را درباره سفرنامه های پیشینیانش ابراز کرده است.

بنابراین تمامی این نوشته ها نیاز به نقد و ارزیابی دارند. همچنین، هنگامی که اثری به عنوان گزارش سفر یا شرح مشاهدات پذیرفته شود و چنین کاربردی بدان اطلاق گردد، باید معیارهایی را که توجیه کننده این کاربرد هستند مورد استفاده قرار داد و این نکته را در نظر گرفت که مؤلف به هنگام توصیف و یا تعریف [موضوع مورد نظر] به چه میزان به واقعیت وفادار بوده است، یا به عبارتی دیگر، باید میزان فضیلت اخلاقی مؤلف را، که بیانگر صداقت فکر و راستگویی وی است، سنجید.

و - اما در عین حال هر گزارشی، تعبیری را نیز به دنبال دارد. همانطور که اشاره کردیم، این روایت ها یک پدیده تاریخی را تشکیل می دهند و از آنجایی که آگاهانه به آنها رنگ و بوی گواهی (گزارش مشاهدات) عطا شده است، باید از یک سو نحوه برداشت نویسنده [از وقایع] را مد نظر قرار داد و از سوی دیگر برداشت خواننده را، زیرا معروف است که آن چه هر خواننده ای در یک اثر می یابد، همان چیزی است که خود انتظار یافتن اش را دارد.

در اصل، مگر [نگارش این آثار] بر همین اساس صورت نگرفت؟ مگر غیر از این است که در این روایتها همان چیزهایی گنجانده شد که انتظار خواننده ای را که از کنجکاوی به هیجان آمده و مجذوب تازگی (موضوع) شده بود، برآورده می ساخت؟ مگر نه این که در آن واحد، به تصحیح موضوع مورد وصف، اثر تألیف شده و خود مؤلف پرداخته شد؟ نسخه های تغییر یافته سفرنامه های پدر گروزنسکی و پدر ریئال نمونه هایی از این قبیل هستند.

۳- موضوع آثار براساس تجزیه و تحلیل عناوین آنها:

مؤلفین در مقابل یک کانون توجه جدید قرار داشتند: «ایران» کشوری که در مسیر راه هند بدان برخورد کرده بودند و جزئی از مشرق زمین خیره کننده به شمار می آمد. آنان قصد داشتند که یک تصویر کلی از ایران ترسیم کنند. تصویری که باید هم وضعیت این کشور در آن دوران و تمامیت جغرافیایی آن را شامل می شد و هم تاریخ اش را، از آغاز تا آن زمان. برای این که موضوع ارائه شده را بهتر درک بکنیم، به بررسی واژگانی که خود مؤلفین به کار برده اند پرداخته و آن را به صورت یک جدول ارائه می نمایم: در نخستین ستون عمودی، واژه هایی را قرار می دهیم که به صورت مشترک در آثار تعدادی از مؤلفین به چشم می خورند و معمولاً در عناوین این آثار به کار برده شده اند، در دومین ستون مؤلفینی را که این واژه ها را به کار برده اند نام می بریم، در سومین ستون اشاره ای اجمالی به محتوای عنوان می کنیم و بالاخره این که آخرین ستون را به ذکر تاریخ و توضیحات اختصاص می دهیم.

ما به تجزیه و

تحلیل خود

سفرنامه ها

نخواهیم پرداخت و

تنها به تجزیه و

تحلیل عناوین آنها

اکتفا خواهیم کرد،

چرا که بررسی این

عناوین (که معمولاً

خیلی طولانی

هستند) به ما

این امکان را

می دهد که نوع

اطلاعاتی را که

این آثار در اختیار

ما می گذارند،

یعنی «موضوعی»

که این آثار به ما

می شناسانند را

بهتر تشخیص دهیم

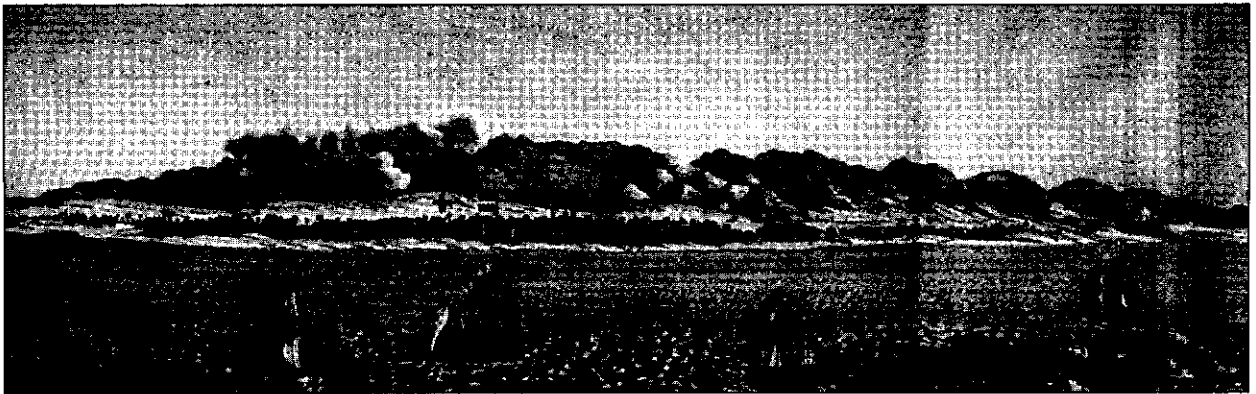
الف) نخست به واژه هایی می پردازیم که بیانگر فحوای کلام نویسنده هستند.

واژه	کسانی که این واژه را به کار برده اند:	خلاصه عنوان	تاریخ - توضیحات
امور	گُدرو	امور ایران ...	۱۶۹۶
	روئی	امور ایران...	۱۷۲۷، ۱۷۲۸ مرکور دو فرانس ۱۲
کشور (ها)	پدر آوریل	کشورهای مختلف اروپا و آسیا	۱۶۹۲
	لابولی لوگوز	کشورها... و سرزمینهای	۱۶۵۳
	تونو	کشورهای متعلق به سلطان عثمانی	۱۶۶۴
وضع	پدررافائل دومان	وضع ایران	۱۶۶۰
	پور سانسن	وضع کنونی	۱۶۹۴ و ۱۶۹۵
	ژزوئیسها	وضع کنونی	۱۷۲۳
موقعیت	لابولی	موقعیت کشورها...	۱۶۵۳
زمان	شاردن	از زمانهای بسیار قدیم	۱۶۸۶
	کروزنسکی	A tempore prime irruptionis usque	۱۷۳۱

هدف از این توصیف ها و روایتها این است که خوانندگان را از امور، حکومت، موقعیت و جو زمانه کشورهای آسیا، خاور یا مشرق زمین، که موضوع مکانی به شمار می آید مطلع سازد. نوشته هایی که با الهام گرفتن از مشرق زمین به رشته تحریر درآمدند از یک سو اطلاعاتی را درباره سرزمین های دور دست و به خصوص درباره سرزمین ایران در اختیار خوانندگان گذاشتند و از سویی دیگر باعث تشدید علاقه فرانسویان به شناخت ایران شدند. علاقه ای که باید انگیزه های مختلف آن را از یکدیگر تفکیک نمود.

ب) در مرحله بعد به عبارت هایی می پردازیم که موضوع جغرافیایی، مکانی و گستره آن را مشخص می نمایند:

آسیا	لابولی لوگوز و دیگر مکانهای اروپا، آسیا و	۱۶۵۳
	پوله توصیف آسیای صغیر	۱۶۶۸
	تونو دیگر مکانهای آسیا	۱۶۶۴
خاور زمین	بودلو	سفر ... به خاور زمین	۱۷۰۴
	دهی	سفر خاور زمین	۱۶۲۴
	گابریل دوشینین	گزارشهای جدید از خاور زمین	۱۶۷۱
مشرق زمین (یا شرقی)	ژزوئیتها	خاطرات از خاور زمین	۱۷۸۰
	لوکا	سفر به خاور زمین	۱۷۰۵
	پوله	گزارشهای جدید از خاور زمین + تجارت در خاورزمین	۱۷۰۵
	تونو	... سفر انجام شده به خاور زمین	۱۶۶۴
	آنژ دوسن ژوزف	خاطرات از ... دیگر مکانهای مشرق زمین	۱۶۶۴-۱۶۷۸
مشرق زمین (یا شرقی)	شاردن	... دیگر مکانهای مشرق زمین	۱۷۱۱
	دولا فورست	... در بخش اعظم مشرق زمین	۱۷۱۰
	گابریل دوشینین	و منازعههای مختلف با شرقیها	۱۶۷۱
	لابولی لوگوز	دولتها و ... هند شرقی	۱۶۵۳
	پتیس دولاکروا	هرآنچه که در مشرق دیده و انجام داده است	۱۶۹۴
	فیلیپ دولاتره سنت ترینته	... تعدادی از نواحی مشرق زمین ...	۱۶۴۹
پیر دو سنت آندره	سفر پدر روحانی فیلیپ دولاتره سنت ترینته به مشرق زمین	ترجمه اثر فوق ۱۶۶۸	



[دامنه] محدوده [جغرافیایی ای] که مؤلفین [سفرنامه ها] آشکار می سازند آنقدر گسترده است که کل مشرق زمین را شامل می شود، به حدی که دیگر نیازی به ذکر واژه «مشرق زمین» نیست، چرا که تمامی این اشخاص دراصل به سمت مشرق زمین و یا به بیان دقیق تر، به سمت شرق دور سفر می کردند و هدف از سفر، رسیدن به هند و یا حتی چین بود. سایر کشورهای ذکر شده را تا حدودی می توان به عنوان

توقفگاه های واقع در مسیر در نظر گرفت. همچنین، نگاه شمار بسیاری از سیاحان، بدون هیچ دغدغه خاطری [کل] اروپا، آسیا و آفریقا را در بر می گیرد. لازم به ذکر است هنگامی که سخن از آفریقا به میان می آید معمولاً کشور مصر مد نظر است.

* مارتین دو ویتره نخستین سفر به هند شرقی را در سال ۱۶۰۴ شرح داد.

* در سال ۱۶۳۰، هاتری دو فین از پاریس تا چین سفر کرد

* در سال ۱۶۳۱، پدر پاسفیک دو پروون سرزمین مقدس را به عنوان مرکز جهان به شمار می آورد.

* در سال ۱۶۴۶ رنو به هند شرقی سفر کرد.

* در سال ۱۶۵۳، پدر الکساندر دو رُد به چین و سایر سرزمین های مشرق زمین سفر کرد و از طریق ایران و ارمنستان به اروپا بازگشت.

* همچنین، در سال ۱۶۵۳ افق دید لایولی لوگوز نواحی زیر را در بر می گرفت: «ایتالیا، یونان، آناتولی، سوریه، فلسطین، قرامان، کلد، آشور، مغول بزرگ، بیجاپور، هند شرقی متعلق به پرتغالیها، عربستان، مصر، هلند، بریتانیای کبیر، ایرلند، دانمارک، لهستان و سایر مکانهای اروپا، آسیا و آفریقا».

* از سال ۱۶۶۴ تا سال ۱۶۷۸ پدر آنژ دو سن ژوزف به «ایران [تحت حکومت] صفویه و دیگر مکانهای مشرق زمین» سفر کرد.

* در حالی که تونو نیز در سال ۱۶۶۴ به سیاحت از «دریای اژه» قسطنطنیه، سرزمین مقدس، مصر، اهرام، صحرای عربستان، مکه و دیگر مکان های آسیا و آفریقا» پرداخت، [و در مسیر سیاحت وی] اروپا را نیز نباید از قلم انداخت.

* در سال ۱۶۶۸، پوله در حین تجارت، مسیر «آسیای صغیر یا آناتولی، دو ارمنستان، کردستان، دیاربکر (Diarbek)، دیگر ولایات آسیای حاشیه مدیترانه، و سرزمین ایران» را طی نمود.

* در سال ۱۶۷۱، پدر گابریل دوشین به مطالعه دین، دولت و آداب و رسوم ایرانیان، ارمنیان و گبرها (یعنی مزدا پرستان) پرداخت.

* در سال ۱۶۷۶، تاورنیه به ترکیه، ایران و هند رفت.

* در سال ۱۶۸۶، شاردن از طریق دریای سیاه و دیگر مکانهای مشرق زمین به ایران و هند شرقی سفر کرد.

* در سال ۱۶۹۲، پدر آوریل «به منظور یافتن راهی جدید به چین، کشورهای مختلف اروپا و آسیا» را زیر پا گذاشت.

* در سال ۱۷۰۵، پل لوکا در «ترکیه، آسیا، سوریه، فلسطین، مصر علیا و مصر سفلی» به جست و جوی کتیبه ها و نسخه های خطی پرداخت.

* در سال ۱۷۱۶، بیون دو کانسری، که از سال ۱۶۹۸ با ایران آشنا بود، یک طرح تجاری را در ایران، در خلیج فارس و در هند تدارک دید.

* در سال ۱۷۳۰، پدر نیکلا فریزن به ترکیه، ایران، ارمنستان، عربستان و بربرستان (Barbarie) سفر کرد.

چه تعدادی از این افراد تنها ایران را به عنوان هدف در نظر گرفته بودند؟ بدون شک، آن دوران، دوران «اومانسیم» بود و «انسان شریف» باید «از آگاهی درباره همه چیز» برخوردار می بود. اما آیا این [امر] تنها دلیل [این سفرها] بود؟ نکته قابل توجه این است که تنها با بررسی عناوین سفرنامه ها می توان دریافت که در بین بیست و هفت سیاحی که مدتی در ایران اقامت کردند، در، کنار شانزده روحانی، سه فرستاده سیاسی (که هرکدام نماینده دولت متبوع خود بوده و مأموریت مشخصی را به عهده داشتند) و دو نجیب زاده (که نماینده های رسمی لویی چهاردهم بودند. اما ظاهراً یکی از آنها - لایولی لوگوز - در حین انجام این مأموریت از موقعیت استفاده نمود تا به هند سفر کند)، تنها نام چهار تاجر به چشم می خورد و دو نفر باقی مانده آخر هم تنها به عشق سفر کردن به ایران رفته بودند، اگر چه در آنجا تجارت هم می کردند.

اکنون با کمک یک جدول تلاش می کنیم موضوع مکانی را مشخص نماییم:

چین	هند	ایران	ارمنستان	آشور	کلده	عربستان	فلسطین	سوریه	قرامان	ترکیه، آناتولی	خاور	یونان، دریای اژه	مصر	آفریقا، بربرستان	آسیا	اروپا	
	X		X	X													الکساندر دو رد
		X															انژدوسن ژوزف
							X	X		X	X		X	X	X		شوالیه دارویو
X															X	X	اوریل
		X									X						باشو بوو
	X																برنیه
	X			X	X	X	X	X	X	X		X	X	X	X	X	لابولی لوگوز
	X	X								X							بورژ
	X	X															بیون دو کانسری
	X										X						کاره
	X	X															شاردن
		X															دلیه - دلاند
	X																دلن
										X	X						دهی دو کورمن
											X					X	فرمانل
X																	فین
		X	X			X				X				X			فریزن
		X	X								X						کابریل
		X															گاردان
		X															گدرو
		X															ژرم فرانسوادوسن
		X															ژوزف
							X	X		X	X	X	X	X	X		لالن
	X									X	X	X	X	X	X		لوکا
	X																لوئیلیه
	X																دولاماز
		X															میشل
		X	X							X							موسنیه
		X					X			X							پاسیفیک
		X															پادری
		X															پتیس دولاکروا
		X															فیلیپ
		X															پیکه
		X	X							X	X				X		پیتون
		X								X	X						پوله
	X																رافائل
		X															رنو
		X															رونی
		X															رینال
											X						ریکار
		X															سانسن
	X	X								X							تاورنیه
	X	X				X	X			X	X	X	X	X	X		تونو
	X																مارتن دو ویتره
۲	۱۴	۲۶	۵	۲	۱	۳	۵	۳	۱	۱۱	۱۱	۳	۴	۵	۶	۳	مجموع

ج - جنبه های مختلف یا اجزاء مختلف این موضوع [مکانی] نخست، باید دید که اطلاعات ارائه شده در این روایت ها و توصیف ها به چه موضوعاتی تعلق دارند:

۱۷۰۵	تاریخچه جانورانی که در آنجا یافت می شوند...	لوئیلیه - لاگودیه	جانوران
۱۶۹۶-۱۶۶۳	تصاویر... جانوران ناشناخته در اروپا	م. تونو	
۱۶۴۹ [به زبان لاتین]	چندین ناحیه مشرق زمین... درختان آنها...	فیلیپ دولاسنت ترینتیه	درختان
ترجمه اثر فوق ۱۶۵۲	چندین ناحیه مشرق زمین... درختان آنها...	پیر دوست آندره	
۱۶۷۱	رساله‌هایی [درباره] ... ارمنی‌ها	گابریل دوشینن	ارمنستان - ارمنی‌ها
۱۷۰۲	متحد ساختن ارمنی‌ها با کلیسای کاتولیک	کشیش گدرو	
۱۷۲۳	وضع کنونی ارمنستان	ژرونیته‌ها	
۱۶۱۰	متحد شدن ارمنی‌ها با کلیسای رم	مگره	
۱۶۶۸	توصیف... دو ارمنستان ...	پوله	
۱۶۶۴	مشاهدات ... مربوط به ستاره شناسی و ستاره بینی	کارنو، لوکت	ستاره شناسی ستاره بینی
۱۶۶۴	مراسم مسیحیان مشرقی... [مراسم] ایرانیان به هنگام خاکسپاری...	کارنو، لوکت	مراسم
۱۶۳۱	برای ارائه به پادشاه بسیار مسیحی	پاسیفیک دو پروون	مسیحی
۱۶۴۹ [به زبان لاتین]	ساکنین [آنها]، چه مسیحی، چه کافر	فیلیپ دولاسنت ترینتیه	
ترجمه اثر فوق ۱۶۵۲	ساکنین [آنها]، چه مسیحی، چه کافر	پیر دو سنت آندره	
۱۶۳۱	سرورما عیسی مسیح، سرزمین مقدس، معجزات	پاسیفیک دو پروون	مسیح
۱۷۱۶	طرح تجارت در ایران، در ...	بیون دو کانسری	تجارت.
۱۷۱۸	تجارت انگلیسی‌ها در ایران		
۱۷۳۰	رساله درباره تجارت در ایران		
۱۶۶۴ و ۱۶۶۵	تجارت در هند شرقی	شر پانتیه	
۱۷۰۵	تجارت در هند شرقی	لوئیلیه - لاگودیه	
۱۷۳۵	توصیف ... تجارت این مردمان	پدر لایا	
۱۶۶۸	پژوهشی درباره تجارت انگلیسی‌ها	پوله	
۱۶۲۳	پنج ایرانی که [به مسیحیت] تغییر مذهب داده و غسل تعمید یافته‌اند...	پل پیر	تغییر مذهب
۱۶۷۱	رساله‌هایی درباره ... و رسوم	گابریل دوشینن	رسوم
۱۷۳۵	توصیف ... رسوم	پدر لایا	
۱۶۶۴	به رسوم ساکنین ... پرداخته شده ...	تونو	

۱۶۶۴	اختلافات بین ترکها و ایرانیان	کارنو، لوکنت	اختلافات
۱۶۱۰	پیشرفت تعالیم مسیحی در سرزمین ایرانیان	مگره	انجیل
همان	آماده سازی ایرانیان در جهت بهره برداری از (آموزه های) انجیل		
۱۷۳۵	توصیف ... جالب توجه ترین وقایع	پدر لایا	وقایع
۱۶۴۹	چندین ناحیه مشرق ... رودهای آنها	فیلیپ دولاسنت	رودها
[به زبان لاتین]		ترینیتی	
[ترجمه متن فوق]	چندین ناحیه مشرق ... رودهای آنها	پیر دو سنت آندره	
۱۶۵۲			
۱۶۴۶	آب نگاری برای درک...	م. رنو	
۱۶۵۳	حکومت های ... وصف شده اند	لابولی لوگوز	حکومت
۱۶۷۱	رساله هایی ... درباره حکومت	گابریل دوشنین	
۱۷۳۵	توصیف... حکومت های آنها	پدر لایا	
۱۶۹۵ و ۱۶۹۴	جستاری ... درباره ... حکومت	پدر سانسن	
۱۶۶۴	به حکومت های ... پرداخته شده ...	تونو	
۱۶۹۴	ساکنین آنها، چه مسیحی، چه کافر	فیلیپ دولاسنت	
[به زبان لاتین]		ترینیتی	
۱۶۵۲	ساکنین آنها، چه مسیحی، چه کافر	پیردوست آندره	
۱۶۶۴	به ساکنین این شاهنشاهی بزرگ... پرداخته شده	تونو	
۱۷۳۵	توصیف ... تاریخ طبیعی	پدر لایا	تاریخ طبیعی
۱۷۰۵	توصیف چندین جزیره	لوئیلیه - لاگودیه	جزیره
۱۶۶۴	جفای کافران بر مسیحیان	کارنو - لوکنت	کافر(ان)
۱۶۴۹	... چه مسیحی، چه کافر ...	فیلیپ دولاسنت	
[به زبان لاتین]		ترینیتی	
ترجمه اثر فوق	... چه مسیحی، چه کافر ...	پیردولاسنت آندره	
۱۶۵۲			
۱۶۸۴	... زبان فارسی	آنژ دو سن ژوزف	زبان(ها)
۱۷۰۵	بیماری های مخصوص کشورهای مشرق زمین	لوئیلیه - لاگودیه	بیماری ها
۱۶۵۳	سفرها و مسیون های مختلف کاپوسن ها	پدر آکساندر دورد	مسیون - مسیونر
۱۶۵۹ و ۱۶۵۳	... مسیون پدران [روحانی] کمپانی دوزو ...	همو	
۱۷۲۱	مسیونر کمپانی دو ژزو ۱۳	پدر باشو	
۱۶۷۱	پیشرفت مسیونرها در آنجا	پدر گابریل دوشنین	
۱۷۰۲	مأموریتی تبلیغی ای که به تازگی توسط ... صورت گرفته است	کشیش گدرو	
۱۷۲۳	... مسیون ایروان	ژزوئیت ها	

۱۷۲۳	میسون، کمپانی دو ژزو	ژزوئیت ها	
۱۶۹۷	... پدر ریکار میسیونر...	ژزوئیت ها	
۱۷۲۱	... پدر باشو میسیونر...	ژزوئیت ها	
۱۷۴۰ [به لاتین]	میسونر سوسیته دو ژزو در ایران	کروزنسکی	
۱۶۵۹	آباء کمپانی دو ژزو	ماشو	
۱۶۴۹ [به زبان لاتین]	میسون‌های روحانیون در مشرق زمین	فیلیپ دولاسنت ترینته	
ترجمه پیر دو سنت آندره از اثر فوق	[میسون‌های روحانیون مشرق زمین]... ترجمه شده به وسیله یک روحانی از همان فرقه	پیر دو سنت آندره	
۱۶۶۰	ارشد میسیون کاپوسن ها	رافائل دومان	
۱۶۹۷	گزارشهای جدید میسیون ها	ریکار	
= پدر فریزن ۱۷۳۰	سفر یک میسیونر	ویوت	
۱۷۳۵	توصیف ... آداب	پدر لوبا	آداب
۱۶۶۸	نکاتی درباره ... آداب	پوله	
۱۶۹۴ و ۱۶۹۵	جستاری ... درباره آداب این کشور	پدر سانسُن	
۱۶۶۴	به آداب ... پرداخته شده	تونو	
۱۷۱۸	مسکوکات ایران	پادری	مسکوکات
۱۶۴۹ [به زبان لاتین]	چندین ناحیه مشرق، کوههای آنها	فیلیپ دوست ترینته	کوهها
۱۶۵۲	چندین ناحیه مشرق، کوههای آنها	پیر دو سنت آندره	
۱۶۶۴	پندهایی در باب اخلاق	کارنو، لوکنت	اخلاق
۱۶۶۴	زیبائی های طبیعت	کارنو، لوکنت	طبیعت
۱۶۶۸	نکاتی درباره تعدادی از ملت‌ها	پوله	ملتها
۱۷۰۵	تاریخچه گیاهانی ... که در آنجا یافت می شود	لونیلیه - لاگودیه	گیاهان
۱۶۹۶	تصاویر گیاهان توصیف نشده	م. تونو	
۱۶۶۴	پندهایی در باب ... سیاست	کارنو، لوکنت	سیاست(ها)
۱۶۶۸	نکاتی درباره سیاست تعدادی از ملت‌ها	پوله	
۱۷۳۰	تاریخ فلسفی و سیاسی	رینال	
۱۸۰۴	روابط سیاسی فرانسه با ایران	روسو	
۱۶۶۴	به سیاستهای این امپراطوری بزرگ ... پرداخته شده	تونو	
۱۶۵۳	... در آن به توصیف ادیان ... پرداخته شده است	لابولی لوگوز	دین - ادیان
۱۷۱۰	وضعیت دین در ... مشرق زمین	لافورست دوپورگن	
۱۶۷۱	رساله هایی درباره دین	گابریل دوشینن	

۱۷۳۵	توصیف ... ادیان	پدر لایا	
۱۶۲۸	برای استقرار دین کاتولیک، [وابسته به] پاپ و [کلیسای] رم	پدر پاسیفیک دو پرون	
۱۶۶۸	نکاتی درباره ... دین	پوله	
۱۶۹۴	جستاری کنجکاوانه درباره دین و حکومت این کشور	پدر سانسن	
۱۶۶۴	به ... ادیان پرداخته شده	تونو	
۱۶۴۹	مسیون‌های روحانیون در مشرق زمین	فیلیپ دوست ترینیتی	روحانی
حدود ۱۷۲۷	مسیونر روحانی، که شاهد ...	رینال	روحانیون
۱۶۶۹	... انقلاب کشورهای دولت مغول"	برنیه	
۱۷۲۸	تاریخ اغتشاش اخیر ایران	دوسرسو	
۱۷۸۰	گزارش تاریخی انقلابهای ایران	ژزوئیت ها	
۱۷۲۸	تاریخ آخرین انقلاب ایران	کروزنسکی	انقلاب / اغتشاش
۱۷۵۰	تاریخ انقلابهای ...	لامامی دوکراک	
۱۷۲۷	گزارش تاریخی انقلابهای ایران	رینال	
حدود ۱۷۲۷	گزارش تاریخی آخرین انقلابهای ...	همو	
۱۷۰۵	توصیف چندین ... رود	لونیلیه - لاگودیه	رود
۱۶۵۳	... دیگر سرزمینهای مشرق زمین	پدر آلكساندر دو رُد	
۱۶۵۹	... مستقر در سرزمین ایران...		
۱۶۵۳	وضعیت کشورها و سرزمینها	لابولی لوگوز	
۱۶۷۲	توصیف ... در این سرزمین	ذلیه - دلاند	
۱۶۵۹	در سرزمین ایران	ماشو	سرزمینها
۱۶۱۰	در سرزمین ایرانیان	مگره	سرزمین پادشاهی
۱۶۳۱	ساختن صومعه در تمام سرزمین اش ...	پدر پاسیفیک دو پروون	
۱۶۶۸	سرزمین ایران	پوله	
۱۶۹۵	وضع کنونی سرزمین پادشاهی ایران	سانسن	
۱۶۶۴	شرارت‌هایی که جادوگران می‌کردند	کارنو، لوکنت	جادوگران
۱۶۶۴	خرافات هندی‌ها	کارنو، لوکنت	خرافات
۱۷۵۴	نآرامی‌های کنونی ایران و گرجستان	پیسنل	نآرامی‌ها
۱۶۶۵	توصیف شهرها و مکانهای ...	کارنو، لوکنت	
۱۷۰۵	توصیف تعدادی از ... شهرها	لونیلیه - لاگودیه	شهرها

می‌توان این عبارتها را براساس علوم یا حوزه‌های علمی مربوطه دسته‌بندی کرد. به همراه این عبارتها، جمله‌هایی که از متن آثار استخراج شده نیز ذکر می‌گردند. این جمله‌ها تا حدودی به صورت اتفاقی انتخاب شده‌اند و تنها جنبه توضیحی دارند.

الف - نخست، صحبت از جغرافیای کلی و تئوریک است که جنبه اطلاع رسانی داشته و چندین بخش را در برمی گیرد: جغرافیای طبیعی: خواننده را درباره موارد ذیل آگاه می سازد:

● ظاهر کشور، پستی و بلندی ها، کوهها و طبیعت [آن] به طور کلی.

● [وضعیت آن کشور از نظر] منابع آب: دریاها، جزیره ها، رودها و رودخانه های آن.

● جاندارن و گیاهان آن کشور: حیوانات، گل ها و گیاهان آن. در آن دوران چنین آثاری مفید واقع می شد.

● برخی از نویسندگان، چون لابولی لوگوز، پوله و لوکا مناسب دانسته اند که سفرنامه های خود را با تصاویر و نقشه های مختلف بیارایند. در آن دوران [این گونه تصاویر و نقشه ها] تجملات غیر ضروری به شمار نمی آمدند. مثلاً [امروزه] دنبال کردن مسیر پُل لوکا برای سفر به ترکیه و مقایسه توصیفهای وی با شواهد کنونی می تواند جالب باشد.

● لابولی لوگوز دریای خزر را وصف می کند [و می نویسد] که در وسط آن یک سوراخ قرار دارد^{۱۵}. فصل چهل و نهم کتاب دوم «توصیف و تاریخ هرمز»^{۱۶} نام دارد.

● پوله (۱۶۶۸) به «اشتباه پلین (Pliny) و تعدادی دیگر از نویسندگان باستانی در مورد سرچشمه دریاها»، (بین بوسفور در تراس و مرمره)^{۱۷} اشاره می کند. لازم به ذکر است که تقریباً تمامی سیاحان با ذهنی انباشته از نوشته های نویسندگان یونان باستان و روم باستان به سفر می رفتند و این نوشته ها در آن واحد هم به عنوان دوربین عمل می کردند و هم به عنوان چشم بند. یعنی اینکه از یک سو دید آنها را گسترش می دادند و از سویی دیگر آنها را محدود می کردند.

* پدر فیلیپ دولانت ترینیته (۱۶۴۹) فصلی را به «توصیف مسقط»^{۱۸} و «سوأت» (Suat در نزدیکی مسقط) اختصاص می دهد. وی همچنین به توصیف بین النهرین، «کلده یا آشور»، ارمنستان و پایتخت آن ایروان، می پردازد. فصل نهم کتاب دوم درباره سرزمین ایرانیان^{۱۹} نام دارد و در آن ایالت های مختلف این سرزمین به تفصیل توصیف شده اند: فارس، به مرکزیت شیراز، ماد به مرکزیت تبریز، [که همان] اکباتان کهن [است]، پارت به مرکزیت اصفهان، ولایت خراسان که شامل مرو و ایالت هرات می شود، ولایت قندهار، قسمتی از ارمنستان بزرگه ایبریا یا گرجستان، سرزمین مسیحیان، ولایت گیلان. سپس مؤلف با توصیف هر کدام از این ولایات ها به جغرافیای منطقه ای می پردازد.

فصل های ششم تا یازدهم کتاب سوم به توصیف دریای مدیترانه، خلیج فارس، دریای ارمنستان، (رودهای) فرات و دجله، گنگ و سند، رود اردن و نهرالعاصی اختصاص دارند؛ «در مصر، [رود] معروف نیل، که از جبل القمر سرچشمه می گیرد، در مسیر خود تمامی آفریقا را از جنوب تا شمال طی کرده و سپس توسط هفت مصب به دریا می ریزد»^{۲۰}، درحالی که «[رودهای] گنگ و سند هر دو از قله توروس، که بخشی از قفقاز است و امروزه Imao نامیده می شود، سرچشمه می گیرند.»^{۲۱} دربرخی از موارد، به جغرافیای [طبیعی] از جنبه زیبایی شناختی پرداخته شده و بر تماشایی بودن کشوری که برای [دیدگان] مشاهده کنندگان تازگی داشت، تأکید شده است.

جغرافیای انسانی، قوم نگاری: [بررسی] ساکنین کشور، اقوام [مختلف]، گروه های قومی (چه ایرانیان، چه ارمنیان، چه اقوام شمال قفقاز)، اعتقادات دینی، مسیحیان، «کافران»، شهرها و ساختارهای اجتماعی ایران.

لابولی لوگوز یک فصل را به گرجی ها، که کشورشان توسط هفت شاهزاده اداره می شود، اختصاص داده است.

به گفته پدر فیلیپ دولانت ترینیته، که پیشتر نیز «شهر گیلان، پایتخت پارت ها» را نیز توصیف نموده است، ساکنین مسقط عبارتند از پرتغالی ها، عرب ها، ایرانی ها و یهودیان.^{۲۲} «تعداد عمده ای از این اعراب طبق یک پیمان خاص به شیطان وابسته اند. آنها کفار نامیده می شوند و آسیب های بسیاری می رسانند... در ضمن، آسیب رساندن به آنها غیرممکن است»^{۲۳}.

و اما درباره یهودیان^{۲۴}: «یهودیان مشرق زمین بر دو گونه اند: یک گونه به صورت آشکاری زیند و گونه دیگر به صورت نهان. آنهایی که به صورت آشکار می زیند به جمعیت های ترک، عرب و ایرانی تعلق دارند و آنهایی که به صورت نهان می زیند در بین پرتغالی ها به چشم می خورند»، و این دسته از دیگران خطرناکترند. سعی مؤلفین [سفرنامه ها] بر این است که

شهرهایی را که سیاحت می کنند به ما [خوانندگان] بشناسانند: [مثلاً] همین شخص روحانی درباره ایروان می گوید: «اطمینان داده می شود که این شهر قبلاً دربار پادشاه ارمنستان بوده، و آلبانی نامیده می شده است»^{۲۵}، در حالی که نخجوان (Nachevan)، شهر مطران (سراسقف) نشین، نخستین سکونتگاه نوح پس از طوفان بوده است^{۲۶}. در فصل دهم،

وی به توصیف سرزمین ایران^{۲۷} می پردازد: شهرستانها و شهرهای اصلی آن، «چه کهن، چه جدید»، شیراز، لار، چهل منار (Cheelminar) [تخت جمشید] دو روز راه با شیراز فاصله دارد^{۲۸}. وی توصیف [این اماکن] را با روایت های تاریخی - افسانه ای نیز درمی آمیزد و بدین ترتیب تمامی این توصیف ها یک ویژگی مشترک پیدا کرده و در یک زمینه قرار می گیرند.

در فصل یازدهم به توصیف [شهرهای ذیل] پرداخته می شود: اصفهان و خیابانها، مسجد و قصرهایی که این شهر مدیون شاه عباس^{۲۹} است: قزوین (Casbin)، پایتخت سرزمین کهن اشکانیان^{۳۰}، کاشان (Cassan)، همدان (Amadan) تبریز، اکباتان سابق و وضعیت اسفبار آن علیرغم برخورداری از موقعیت خوب و پر رفت و آمد بودن آن^{۳۱}: اردبیل (Ardeville)، سلطانیه^{۳۲} (Sultaniye) و شهرهای دیگر.

پیتن دوتورنور (۱۷۰۰) [در طی سفر خود] از تفلیس عبور کرده و در مورد آن نوشته است: «تفلیس شهری نسبتاً بزرگ و پرجمعیت است، خانه هایش کم ارتفاع و کم نور هستند و معمولاً از گل و آجر ساخته می شوند، در باقی [نواحی] این ولایت،

کسانی را که ایران

رفته و درباره آن

سرزمین نوشته اند

باید به چند دسته

تقسیم کرد:

۱- کسانی که

شخصاً و مطابق

میل و اراده خویش

آثارشان را به رشته

تحریر درآورده اند.

۲- کسانی که به

صورت سفارشی به

منظور اطاعت از

ما فوق خود و یا به

خاطر خوشایند

حامی خود و

یا خوشایند کسی

که اثر به وی تقدیم

می شد دست به

قلم برده اند.

احتمال دارد که

این افراد به صورت

گزینشی خاطرات

خود را ذکر کرده

یا آنها را

مطابق شرایط

تغییر داده باشند.

۳- کسانی که

وادار به

نوشتن شده اند

و یا اینکه

اشخاص دیگری

به جای آنها و

به اسم آنها

نوشته اند

بدون شک،
این مؤلفین توجه
عموم را به سوی
مشرق زمین
جلب کرده و
حرکتی را در جهت
مطالعات شرقی
ایجاد نمودند که
گسترش آن
هنوز هم تداوم
دارد، اما
این حرکت
باعث شد که
مشرق زمین
شگفت انگیز،
طعمه اشتهای
سلطه جویانه
اروپائیان شود

وضعیت خانه ها از این هم بدتر است و دیگر به هیچ وجه با توصیفی که استرابون (Strabon) از آنها ارائه کرده بود مطابقت نمی نمایند.^{۳۳} او «به هنگام شب از کوههای وحشتناکی عبور کرد»^{۳۴} تا به اوچمیادزین و صومعه [متعلق به] سه کلیسای [آن شهر] رسید.

باید به این نکته توجه داشت که در تمامی این مشاهدات، فرض بر این است که جامعه بشری به دو گروه عمده تقسیم می شود: مسیحیان و کافران. با وجود این، [پدر] کاره به مقایسه خلق و خوی ایرانیان و ترک ها می پردازد^{۳۵}: «ایرانیان با ترک ها تفاوت دارند [از این جهت که] می شود با آنها درباره دین گفت و گو کرد و آنها با کمال میل گوش می سپارند.» وی موقعیت را مغتنم شمرده و برای آنها از نیکی های دین مسیحی، «شریعت شفقت و نیکوکاری که با مراسم خرافی و بی رحمانه ای که باعث ریختن خون انسانها می شوند، بسیار فاصله دارد...» یاد می کند. ایرانیان سخنان وی را تأیید نموده اما «بدون مقدمه موضوع را عوض کردند و من به خوبی متوجه شدم که آنها از بحثی که نزدیک بود عقایدشان را خدشه دار سازد و گرایشهایشان را محکوم نماید اجتناب ورزیدند».

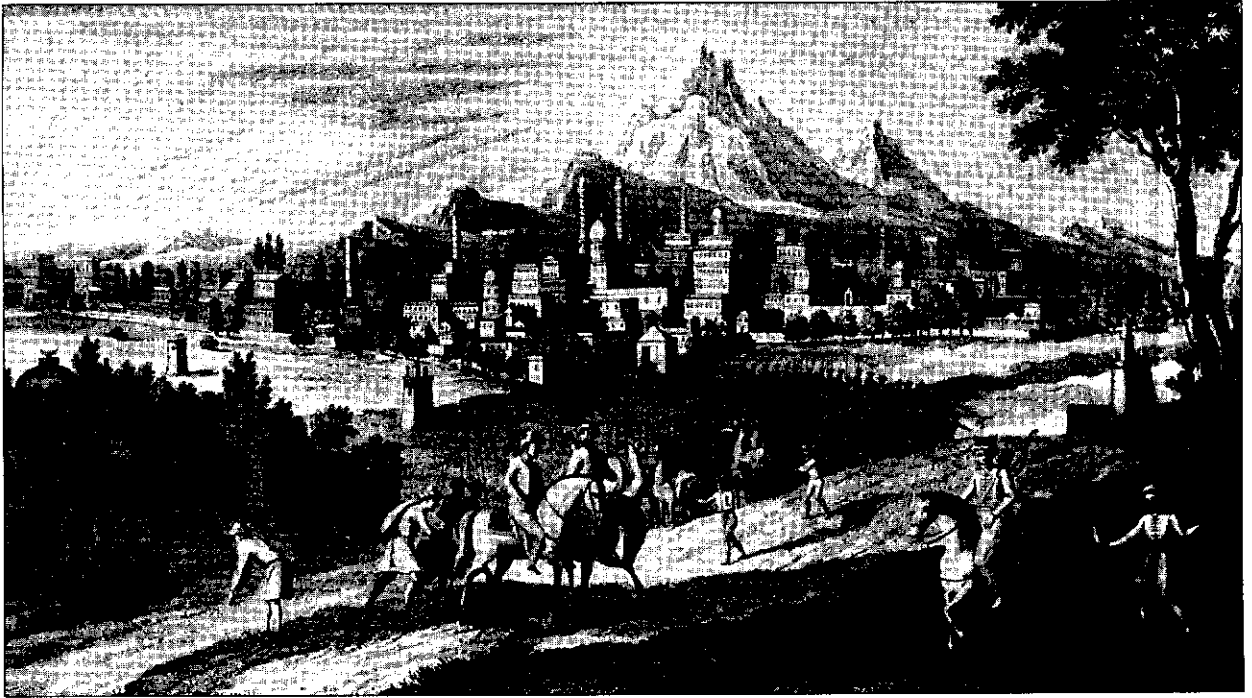
اطلاعات دیگری [که از این نوشته ها به دست می آید] به گروه های اجتماعی - اقتصادی مربوط می شود، چرا که معمولاً تقسیم بندی اجتماعی با تقسیم بندی دیگری، که از نوع اقتصادی است، ارتباط می یابد. بدون شک، کشاورزان و پیشه وران [نیز در اقتصاد ایران] جای داشتند، اما امکانات تجاری ای که ایرانیان در اختیار غربیان می گذاشتند بیشتر نظر سیاحان تاجر را جلب می کرد تا تجارت داخلی خود ایرانیان. به عنوان مثال، با این که تاورنیه ایران را به عنوان سرزمین تجارت معرفی می کند، تنها به ارمنی ها به چشم یک گروه اجتماعی حقیقی می نگرد و به توصیف آنها می پردازد، در حالی که بازرگانان ایرانی را نادیده می گیرد و فقط به ذکر نام چندین بازار اکتفا می کند. همچنین، از طریق این گزارشها، اطلاعات بیشتری درباره راه های ارتباطی در ایران به دست می آوریم.

اما مردم [این سرزمین]، زبانها، سنتها، آداب، مراسم، اخلاق و خرافات خاص خود را دارند. تلاشی که به ویژه میسیونرها در جهت یادگیری و یاد دادن زبان فارسی انجام دادند قابل توجه است. پدر فیلیپ دو سنت ترینته به تحسین آداب و زبان ایرانیان می پردازد^{۳۶}: «از نظر آداب، ایرانیان بسیار خوش برخوردند، با بیگانگان دوست هستند و آنها را مهمانان شاه می نامند. [ایرانیان] بسیار کنجکاوند... زبان شان بسیار لطیف است و از این روی با روحیات آنها بسیار سازگار است. این زبان در نزد پادشاهان هند شهرت بسیار دارد و زبان عامیانه دربار مغول ها است، اما در دربار پادشاه ایران، زبان ترکی ارجح است زیرا اصلیت خاندان پادشاهان ایران به اردبیل، [شهری] که زبان عوام در آن ترکی است، بازمی گردد [بنابراین] آنها این زبان را در دربارشان به یاد پیشینیان خود حفظ کرده اند». وی به این نکته که شاه به ترکی سخن می گفته اشاره می کند و در قسمتی دیگر می افزاید^{۳۷}: «زبان فارسی خلف بسیار لطیف و بسیار آسان زبان عربی است و از لحاظ واژگان به آن شباهت دارد اما از نظر تلفظ با آن متفاوت است [بدین گونه که] لطافت تلفظ واژگان [در زبان فارسی] بیانگر لطافت و روحیات و طبیعت [ایرانیان] است. همچنان که زمختی مفرط زبان عربی بیانگر سببیت اعراب و جدیت بیش از اندازه زبان ترکی نشان دهنده تکبر ترک ها است.»

لا بولی لوگوژ، ضمن تأیید گفته های فوق یادآور می شود که شاه به زبان ترکی ای متفاوت از ترکی عثمانیان سخن می گوید^{۳۸}. و در عین حال، در فصل چهل و هفتم کتابش ارتباط ترکی، فارسی و عربی به [مثابه ارتباط] اسیانولی، فرانسه و ایتالیایی^{۳۹} را شرح می دهد. [حال باید دید که] آیا هنگامی که سخن از رسوم ویژه ایرانیان در میان بود [سیاحان] به خود زحمت کسب اطلاعات دقیق را می دادند یا خیر؟ کاره [دوشامبن] در «سفر به هند شرقی، به همراه چندین داستان اعجاب برانگیز»^{۴۰} می گوید: [ایرانیان] هر ساله جشن معروفی که در زبان خود نوروز (در متن: Noroux) می نامند در روز دهم ماه مه (Mai) برگزار می نمایند. [مراسم نوروز] مراسم مصیبت باری است و معمولاً به خون [ین شدن] و یا حتی مرگ تعدادی از معتصبان دینی، که بیش از همه به شریعت خود وابسته اند ختم می شوند، چنین امری محال است. جشن نوروز در تاریخ ۲۱ مارس برگزار می شود و آنچه که نویسنده در اینجا شرح داده، مراسم تعزیه است که در روز عاشورا، سالروز شهادت حسن (ع)^{۴۱} و حسین (ع)، پسران علی (ع)، برگزار می شود. قابل ذکر است که از بین رسوم [و مراسم] این کشور، تنها مراسم تقدیس اسقف بابل از نظر [سیاحان] جالب توجه بود.

عناوین فصل های ۳۵، ۳۶ و ۳۷ سفرنامه لا بولی لوگوژ به ترتیب عبارت است از: شیوه ایرانیان برای بازجویی از مجرمین^{۴۲}. پیشکش ساکنین تبریز به خان^{۴۳}. به حضور پذیرفتن خان ایروان، منصور، که زندانی حکومت است، توسط خان تبریز^{۴۴} و عنوان فصل پوشاک ایرانیان^{۴۵} است. کاره دو شامبن از دزدانی که مملکت از وجودشان پرشده^{۴۶} سخن می گوید. اما پدر فیلیپ دولاسنت تربیتته خاطر نشان می سازد که وی و همراهانش از دزدان نمی هراسند چرا که شاه عباس ملوک خود را به طور کامل از چنین آفت زبان باری پاک ساخته^{۴۷} و در تمامی مسیرها «راهدار»^{۴۸} گمارده است. وی نوشته است که برخی از پیکهای شاه این حق را داشتند که اسب هایی که در طی مسیر می دیدند در اختیار خود بگیرند و این پیکها را می شد «از روی نشان ضربدر ماندی که بر جلوی شکم و بر پشت خود می آویزند بازشناخت.»^{۴۹}

اطلاعات ارائه شده درباره بناهای مختلف را نیز می توان در مقوله جغرافیای انسانی قرارداد، خواه این بناها ارزش تاریخی داشته باشند، چون کلیساها، مساجد و غیره، خواه ارزش کاربردی، چون کاروانسراها. به عنوان مثال، پدر فیلیپ دولاسنت تربیتته به توصیف سوات suat [؟] می پردازد و متذکر می شود که پرتغالی ها آن را با نینوا یکی می دانند، زیرا در آن سکه های باستانی به خط لاتین یافته اند. همچنین وی «خرابه های بابل باستان و برج بابل»^{۵۰} را توصیف می نماید. پوله چند عبارت را تعریف می کند: کاروانسرا اقامتگاه مسافران در خارج از شهر است که اطاق و مغازه ندارد. «خان» اقامتگاهی دارای مغازه و اطاق است، بنای آن بزرگ و مربع شکل است و دو ردیف راهروی سرپوشیده دارد، بسیستان besistan [؟] عمارت بسته ای است



که در آن مغازه هست اما اطلاق نیست.

جغرافیای سیاسی: ملاحظاتی درباره صورت های [مختلف] حکومت، ساختار یا ساختارهای سیاسی سرزمین ایران و همچنین ملاحظاتی درباره انقلاب ها و شورش ها [در این مقوله جای می گیرند].

لابولی لوگوژ چندین فصل [از اثر خود را] به این مقوله اختصاص می دهد.^{۴۰}

«درباره شاه، نسب وی، قوای وی و گستره ملک اش». «حکومت ایران» - در این فصل، وی درباره ارتش می نویسد:

«بیشتر قزلباشها و سپاهیان عادی، ماد یا پارتی هستند» - «منافع شاه». وی همچنین «نام وزیران اصلی و مشهور ایران»^{۴۱} را ذکر می کند.

پدر فیلیپ دولانت ترینیته می گوید: «[ایرانیان] سلطان خود را «شاه» می نامند و او با سلطنتی مطلق و مستبدانه بر آنها حکومت می کند، همچنان که دیگر شهریاران، کافران بر اتباع خود حکومت می کنند.»^{۴۲} خزانه دار گل پادشاه، که حاکم اصفهان [نیز] هست، از لقب «وزیر» برخوردار است؛ دادرش ها «داروغه» نامیده می شوند و «فقهای آنها [در متن: اسقف های آنها] مفتی نام دارند». «مأمور اجرای دستگاه دینی قاضی نامیده می شود» و افراد تحصیلکرده «ملا» نام دارند. در ایران مدارس همگانی وجود دارد، به خصوص «در شیراز، و آنجا به طور ناقص چیزهایی درباره فلسفه آموزش داده می شود روحانیون، آنها، که درویش یا قلندر نام دارند، مانند [روحانیون] ترک در جمع زندگی نمی کنند، بلکه در شهرهای مختلف در گردش اند».^{۴۳}

لازم به ذکر است که نویسندگان، جامعه مدنی و روحانی ایران را براساس معیارهای غربی توصیف نموده اند، اما آیا در آن دوران به غیر از این روش، روش دیگری ممکن بود؟ باوجود این، نویسندگان [سفرنامه ها] درباره ساختارهای این حکومت «کاملاً استبدادی» و نظام اداری آن را خیلی درست قضاوت نمی نمایند.

پدر پاسیفیک دو پرون جلساتی را که اجازه یافته بود به حضور شاه شرفیاب شود شرح می دهد و [می نویسد که] شاه را به زبان ترکی مخاطب قرار داده تا برای وی دلایل شکست [مأموریت] دهی را توضیح دهد^{۴۴}: «ای سرور، اعلیحضرت از طریق سه تن از اتباع ارمنی خود که سه سال پیش در پاریس بودند اطلاع یافتند که پادشاه فرانسه، شهریار و سرور من، یکی از نجیب زادگان دربار خود به نام مسیو دهی را فرستاده بود... تا بیاید و از طرف وی به اعلیحضرت ادای احترام کند و خدمت اعلیحضرت خاطر نشان سازد که تمایل قلبی پادشاه، ارج نهادن به اعلیحضرت و دوست داشتن ایشان است. چراکه اعلیحضرت شهرت گسترده ای دارند... و نیز در سرزمین های متبوع خود به مسیحیان آزادی بسیاری عطا می نماید. همچنین، پادشاه می خواست از شما تشکر کند، زیرا تمامی اتباع فرانسوی ای که به اینجا آمده اند متفق القول هستند که از آنها به نیکی استقبال فرموده اید. شما اظهار تمایل فرموده بودید که مهارت و تجارت فرانسویان [را به خدمت بپذیرید] و مسیو دهی دستور داشت که درباره این موضوع با شما گفت و گو کند، و چنین دستوری به من محول نشده بود. همچنین، حدود هفت یا هشت ماه پیش، دو نجیب زاده فرانسوی که برای دیدن کشور شما به اینجا آمده بودند اعلیحضرت را مطلع ساختند که نجیب زاده مذکور که پادشاه [فرانسه] فرستاده بود و از مسیر قسطنطنیه می آمد، راه را بر روی خود بسته دید و [به فرانسه] بازگشت».

نویسندگان سفرنامه ها به بررسی وقایع سیاسی روزمره می پردازند. به پدر فیلیپ دولانت ترینیته دستور داده می شود که «همزمان با ورود یک سپاه نیرومند به ایران»^{۴۵} به این کشور برود. این سپاه تا همدان پیش رفت و اگر خیانت و مرگ

مؤلفین
بیشتر به منظور
شرح سفر خویش
این آثار را
به نگارش
در می آوردند و
این کار را یا به میل
خویش انجام
می دادند و یا
چنانکه از تعداد
عناوین «روایت،
اخبار، یادگار،
خاطرات،
خاطرات روزانه»
برمی آید،
به دلیل انجام دادن
مأموریتی
کم و بیش رسمی،
مجبور بودند که
گزارشی از
سفر خود
ارائه کنند.
در عین حال،
مؤلفین تا حدودی
سعی می کردند
که اثری تاریخی
ارائه دهند.
شاهد آن،
کاربرد
واژه هایی چون،
«تاریخ،
وقایع نگاری،
روز شمار تاریخی
و روایت تاریخی»
است

فرمانده ایرانی زینال خان نبود، اصفهان را نیز تصرف کرده بود. پدر فیلیپ دولاست ترینیته به توصیف سیاست زمین سوخته می پردازد و می نویسد که لازمه آن، ساخت خانه هایی است که بتوان به راحتی بازسازی کرد. وی می افزاید:^{۲۷} «اما از آنجایی که خداوند نمی خواهد که [قوم] ترک، که دشمن مسیحیان و بسیار گستاخ و آشتی ناپذیر است، قدرت خود را بدین حد گسترش دهد، و بدین منظور پادشاه ایران را حفظ می کند تا با جنگهای مداوم ترکها را در طرف خود مشغول سازد، کاری کرد که این سپاه به اندازه کافی جسارت نیافت تا از حد خود فراتر رود.» وی درباره این دو کشور همسایه می نویسد: ترکها و ایرانیان متقابلاً یکدیگر را کافر می نامند.^{۲۸} [...] پیش از این [قسمت] وی می نویسد:^{۲۹} «رسم بازرگانان پرتغالی بر این است که حدود دوازدهم یا پانزدهم اکتبر بصره را ترک کنند» و می افزاید که خان شیراز از خان بصره خواسته بود که ناوگان پرتغالی ها را به وی تحویل دهد، چراکه ایرانیان فاقد ناوهای جنگی هستند و تنها از «قایق های بسیار کوچکی»^{۳۰} برخوردارند. پرتغالی ها از این جریان اطلاع یافتند و بنابراین ۴ اکتبر حرکت کردند. وی به هنگام تشریح «وقایعی که در ایران رخ می دهد»^{۳۱}، به ورود دو سپاه ترک به ایران اشاره می کند، که اولی در سال ۱۶۳۰ وارد خاک ایران شد و دومی در سال ۱۶۳۷ و «این سپاه، که تحت فرماندهی شخص سلطان بود» تقریباً تمام سرزمین ماد را نابود کرد و شهر معروف تبریز را تقریباً ویران نمود. فصل گرما را در همان سرزمین ماد گذرانند، چرا که این سرزمین آب و هوای معتدل تری دارد و سپس به قصد محاصره بابل به سمت آن شهر حرکت کرد، و پس از محاصره آن در پی خیانت حاکم شهر توانست آن را تصرف کند.

همچنین، در آغاز قرن هجدهم، وقایعی که ایران را دگرگون می ساختند برای اروپائیان بسیار جالب بودند: [وقایعی چون] انقلاب، و یا به طور دقیقتر انقلابهایی که منجر به انقراض [دولت] صفویان شد. تعداد مقاله هایی که روزنامه نگاران فرانسوی درباره این وقایع نوشتند آنقدر زیاد بود که سفیر فرانسه در باب عالی با اطلاع یافتن از این همه «اخباری» که درباره ایران شایع شده بود خشمگین گشت و پرسید که این روزنامه نگاران اطلاعات خود را از چه منبعی می گیرند؟ این مسئله نشان می دهد که احتمالاً واژه «ایران» باعث می شد که خیال پردازهای ما اوج بگیرند، بدون اینکه به حس انتقاد توجهی شود.

ضمناً باید توجه داشت که روابط دیپلماتیک همیشه ابهام برانگیز بودند. هنگامی که پدر فیلیپ دولاست ترینیته و همراهانش رم را [به مقصد ایران] ترک می کردند، پاپ به آنها توصیه نامه هایی داد تا به شاه ایران بدهند. بدین ترتیب، شاه این فرانسویان را به عنوان سفیران پاپ پذیرفت و مورد مرحمت قرار داد.^{۳۲} همچنین، پدر فیلیپ دولاست ترینیته، پس از محکوم نمودن بی رحمی شاه عباس می نویسد:^{۳۳} «وی به خوبی صلاح و حکمت مملکت را می دانست و با چنین دقتی ملک خود را به نیکی سامان بخشیده بود. او با پدران روحانی ما رفتاری بسیار صمیمانه داشت و با آنها درباره دین بحث می کرد، به گونه ای که با تمامی حقایق دین ما به خوبی آشنا بود. او همین پدران روحانی را به عنوان نمایندگان پاپ پذیرفته بود و به آنها امتیازات بسیاری عطا نمود و لطف هایی به آنها کرد.» در قسمتی دیگر، وی از شرلی معروف سخن می گوید:^{۳۴} «شاه عباس به یک انگلیسی کاتولیک به نام رابرت شرلی (در متن Sirlei) علاقه خاصی داشت. این شخص، که بعداً از امپراتور [آلمان] لقب کنت پالاتن را دریافت کرد، به عنوان سفیر پادشاه ایران به نزد چندتن از پادشاهان مسیحی رفت.»

جغرافیای اقتصادی: این امکان را فراهم می سازد که در یک دورنمای تاریخی «درجه وابستگی نواحی کاملی از مشرق زمین به رگ های [حیاتی ای] که از آنها عبور می کنند»^{۳۵}، یعنی محوره های بزرگ عبور کاروان ها، تعیین گردد. یا استفاده از جغرافیای اقتصادی می توان از امکانات تجاری ای که ایران در اختیار غربی ها می گذارد مطلع شد. چه کالاهایی صادر و چه کالاهایی وارد می شوند؟ چه نوع مقیاس ها و وجوه رایجی وجود دارد و چگونه تبدیل می شوند؟ شیوه های تجارت به چه گونه اند؟ پوله اثر خود را با «تاریخ تجارت هلندی ها و انگلیسی ها در خاور»^{۳۶} به پایان می رساند. پدر فیلیپ دولاست ترینیته شرح می دهد که اغلب کاروان باشی ها ارمنی هستند و تاورنیه توضیح می دهد که: «تجارت در ایران، همانند تجارت در سایر کشورها، عبارت است از تجارت در داخل کشور و تجارت خارجی، با این تفاوت که (در ایران) این دو گونه تجارت آنقدر از یکدیگر تفکیک یافته اند که تجارت داخل کشور توسط ایرانیان و یهودیان انجام می شود و تجارت خارجی به طور کامل در دست ارمنیان است، که مانند پیکهای شاه و بزرگان هستند...»^{۳۷}

مقوله [جغرافیای اقتصادی] گاهی حتی جنبه جغرافیای عملی به خود می گیرد و هدف از آن، ارائه اطلاعات مفید است (مثلاً مانند اطلاعاتی که در نوشته های تاورنیه به چشم می خورد): بازرگانان امکان استفاده از چه مسیرهایی را دارند و کدام مسیرها [از دیگران] بهتر هستند؟ وضعیت جاده ها چگونه است؟ پست های گمرک در کجا قرار دارند، چه عوارضی را اعمال می نمایند، و این حقوق گمرکی معروف که این همه یادداشت و معاهده درباره شان نوشته شده [کدامند]؟ هدف از ارائه این اطلاعات این است که اگر کسی بخواهد به بازرگانی بپردازد بتواند بهترین راه ها را برای تجارت خویش برگزیند.

۲- تاریخ: پدرو تکسیرا (pedro Teixeira) ی پرتغالی تاریخ پادشاهان ایران را از زمان [حضرت] نوح به بعد نوشته بود. پدر فیلیپ دولاست ترینیته (۱۶۴۹) تواضع بیشتری نشان می دهد و با قاطعیت اعلام می نماید:^{۳۸} «محمد [ص] در قرن هفتم پس از میلاد عیسی مسیح آغازگر امپراطوری ترک ها بود...» کمی بعد^{۳۹} وی به ذکر پادشاهان ایران در دوران صفویه می پردازد: «اسماعیل صوفی، پسر شیخ حیدر... (Yeque Aidas)، «شاه عباس، شاه صفی». وی کتاب چهارم خویش را به «برشمردن فرمانروایان و پادشاهان و شاهزادگانی که به مشرق زمین حکومت کرده اند» اختصاص می دهد آنها را به «چهار حکومت سلطنتی دنیا» به طور کلی تقسیم می نماید: حکوت آشوریان یا کلدانیان، که کمی پس از طوفان [نوح] توسط نمود یا بلوس آغاز شد؛ حکومت پارس یا مادها که توسط داریوش، پادشاه مادها و کوروش، پادشاه پارس ها، بنیانگذاری شد؛ حکومت یونانیان، که توسط اسکندر بنیانگذاری شد و تنها حدود دو قرن دوام یافت، سپس جای خود را به حکومت رومیان داد و پدر فیلیپ دولاست ترینیته آن را از آغاز جهان تاریخ گذاری می کند (به عنوان مثال، مرگ سارداناپال (Sardanapale)^{۴۰}

تنها با بررسی
عناوین سفرنامه‌ها
می‌توان دریافت که
در بین
بسیست و هفت
سیاحی که مدتی
اقامت کردند، در
کنار شانزده
روحانی،
سه فرستاده
سیاسی و دو
نجیب زاده، و
دو نفر آخر هم
تنها به عشق
سفر کردن
به ایران رفته بودند،
اگر چه در آنجا
تجارت هم
می‌کردند

در سال ۳۱۴۹ به روایتی و سال ۳۱۰۸ به روایتی دیگر) این پدر روحانی کارملی از چه منابعی استفاده می‌کرد؟ خود وی به تاریخ پیامبران، اثر پدر فرانسوا دو سنت ماری^{۳۳} [نوشته‌های ژوزف^{۳۴} و پتولمه. و «کتاب عهد قدیم ژوزف» اشاره می‌کند و در بسیاری از قسمت‌ها به صورت تحت اللفظی به انجیل ارجاع داده است.

در بخش مربوط به ارمنی‌ها^{۳۵}، وی می‌نویسد: «سلطان [عثمانی] و پادشاه ایران ارمنستان را بین خود تقسیم کرده اند، اما خود ارمنی‌ها یک پادشاه پنهانی دارند که از خاندان کهن پادشاهان ارمنستان است و خود سراسقف به پدران [روحانی] ما گفته است که در خفا وی را [بدین مقام] منسوب می‌نماید و اشخاص بسیار اندکی از این موضوع مطلع هستند.»

همچنین، این اطلاعات تاریخی، معمولاً به افسانه‌ها و روایت‌هایی که [نویسندگان] از آگاهان محلی شنیده‌اند محدود می‌گردد. مانند داستان یک شاهدخت ایرانی که کاره دو شامین از راهنمای خود شنیده و به همان صورت نقل کرده است.^{۳۶} این شاهدخت با بسوس، که حاکم بلخ بود و داریوش [سوم] را کشته نسبت داشت. به روایت کنت-کورس^{۳۷} (کتاب هفتم «زندگی اسکندر کبیر»)، اسکندر انتقام قتل داریوش را از بسوس گرفت. هنگامی که فرمانروایان کهن و قانونی ایران به حکومت بازگشتند، تصمیم به نابودی خاندان بسوس گرفته شد، اما این شاهدخت در پیکار با اسلحه مهارت داشت و پیش از اینکه خود را بکشد، قهرمانانه مقاومت کرد. احتمالاً فمینیست‌های امروزی با چنین اظهار نظری مخالفت نمی‌کنند: «این داستان می‌تواند به درک گفته‌های افلاطون کمک کند، [زیرا وی گفته است] که نه در گونه بشر و نه در سایر گونه‌های جانداران، جنسیت آنقدر هم که تصور می‌شود باعث پدیدآمدن تفاوت نمی‌شود، بلکه تفاوت (بین دو جنس) بیشتر از تربیت ناشی می‌شود تا از طبیعت.» این نویسنده همچنین از قول یک تاجر ثروتمند ایرانی که مهمان وی بود، داستانی را درباره دو دختر گرجی نقل می‌کند که مورد علاقه شاهزاده سلیم بودند و به خاندانی بسیار کهن تعلق داشتند.

۳- علوم و فنون

ایرانیان به ستاره‌شناسی، ستاره بینی و تاریخ طبیعی علاقه داشتند، اما طب در نزد آنان (بر سایر علوم) اولویت داشت: پل لوکا، که به دنبال دست‌نوشته، کتیبه و مسکوکات بود، جادوگر پنداشته شد و صلاح را در این دید که خود را به عنوان پزشک معرفی کند: «بنابراین دیلماج را وادار کردم که در این باره سخن دیگری بگوید و به او دستور دادم که من را به عنوان پزشکی که در دنیا سفر می‌کند معرفی کند... دیلماج وی اینگونه پاسخ داد که: «بدین ترتیب می‌توانیم در تمامی این سرزمین سفر کنیم بدون اینکه هیچ اتفاق بدی برایمان بیفتد»^{۳۸}

پوله به همراه دو جراح فرانسوی به نام‌های بورگار (Beurgard) و آلماندی (Allemandi) و یک هلندی^{۳۹} به ایران وارد شد.

پدر فیلیپ دولاسنت ترینیته، عبور خود از ارمنستان را اینگونه شرح می‌دهد: «در شهر «آن»^{۴۰} به کاروان دیگری از بازرگانان برخوردیم که از بابل به حلب می‌رفت و در آن دو مسیحی اروپایی حضور داشتند. یکی از آنها یک جراح فرانسوی به نام آقای دُرماز (Dormage) بود که به شیوه اعراب لباس پوشیده بود. وی از حلب به دربار پادشاه اعراب فراخوانده شده بود تا بیماری پادشاه را مداوا کند. معالجات وی موثر افتاده بود و داشت به حلب بازمی‌گشت.»^{۴۱} نویسنده به هنگام گذر از شیروان [نیز با یک فرانسوی آشنا می‌شود]: «در این شهر با یک جراح فرانسوی به نام فابر (Fabre) ملاقات کردم که به عنوان پزشکی برجسته مورد احترام بود.»^{۴۲}

اما ساعت‌سازی نیز تحسین ایرانیان را برانگیخت. پوله یک فصل [از اثر خود را] به این فن و فصلی دیگر را به طب اختصاص می‌دهد^{۴۳}، یعنی به دو موقعیتی که در خاور [به خوبی] پذیرفته می‌شوند.

۴- دین:

در عناوین آثار در نظر گرفته شده، عبارت‌های مربوط به دین (عبارت‌هایی چون: مسیحی، مسیح، تغییر مذهب، انجیل، کافران، میسیونر، دین، روحانی) آنقدر فراوانند که مباحثی چون جغرافیای انسانی و یا جامعه‌شناسی در برابر آنها رنگ می‌بازند. در حقیقت این عبارت‌ها را بیشتر روحانیون در عناوین [آثار خود] به کار برده‌اند. اگر در متن آثار تعمق کنیم، جایگاه قابل توجهی به دین اختصاص داده شده است.

فرمانل (۱۶۳۰) که پیشتر درباره «خدوند و صفات وی»^{۴۴}، «درباره آفرینش جهان، آسمان‌ها، فرشتگان و تولد بشر» و «پیامبران» سخن گفته است، بیش از دویست صفحه را به «شریعت اسلام»، «قرآن» و شعائر دین اسلام^{۴۵} اختصاص می‌دهد.

فیلیپ دولاسنت ترینیته (۱۶۵۲) به هنگام گذر از ترکیه می‌نویسد «که علیرغم چند همسره بودن مردان، این ایالات و نیز سایر ایالت‌های سرزمین ترکیه بسیار کم جمعیت‌اند و دلیل این مسئله این است که یکی از قوی‌ترین شیوه‌هایی که خوانند به کار می‌برد... طاعون است.»^{۴۶} وی سپس به توضیح مبانی دین اسلام می‌پردازد و همانطور که پیشتر ملاحظه شد، آن را با مبنای امپراطوری ترکیه خلط می‌کند. [...]

کتاب پنجم وی به «آداب مسیحیان شرقی»^{۴۷} اختصاص دارد و در آن به ترتیب به بررسی ارمنی‌ها و اشتباهات آنها می‌پردازد. اما از آنجایی که «تعصب [ارمنیان] مغلوب کارملی‌های پلرهنه» شد «امید این می‌رود که بتوان آنها را به طور کامل به کلیسای

سیاحان فرانسوی قرن هجدهم بسیاری از اطلاعات خود را از پدر رافائل دومان (که به مدت ۴۹ سال در ایران زندگی کرد و در سال ۱۶۹۶، در سن ۸۳ سالگی، در آن کشور درگذشت) وام گرفته اند

راستین بازگردانید.» سپس به یونانیها، نسطوری ها (که بدعت شان را در سال ۴۲۸ آغاز کردند)، یعقوبیان، که اصل شان به ژاک زانزال (Jacques Zanzale)، که ملیت سوری های داشت، بازمی گردد، مارونی های لبنان و سوریه، «ایبریایی ها که عموماً در ایران گرجی نامیده می شوند»، «قبطی ها»، «حبشی ها یا اتیوپیایی ها» در بصره، پرداخته می شود.

- لابلولی لوگوز (۱۶۶۵) چندین بخش را به دین اسلام^{۳۰}، باورها و شاعران آن اختصاص داده و به بررسی چگونگی تألیف قرآن پرداخته است. [...] در فصل مربوط به تبار (Joachim)، می گوید که زکریا به مدت سه روز لال شد و در فصل «حقیقت» می گوید که خداوند فرشتگان را از آتش ساخت و این مسئله مطابق کتاب آدم صائبین است. باقی کتاب را از عهد عتیق و عهد جدید [کتابهای] کافران زمان خودش برگرفته است.

پوله (۱۶۶۸) نیز درباره شریعت اسلام سخن می گوید:

«محمد[ص] چهار فرمان را به ده فرمان [موسی] اضافه کرده است که عبارتند از: غذا نخوردن در ایام روزه، نماز خواندن در ساعات معین، بخشیدن قسمتی از دارایی به فقرا، رفتن به مکه یکبار در زندگی^{۳۱} با وجود این، تفاوت‌هایی نیز به چشم می خورد: - هانری دوپرو متذکر می شود که: «فرانک به مسیحیانی گفته می شود که پاپ را به رسمیت می شناسند.»^{۳۲}

- لابلولی لوگوز به طور مفصل «دین یا باور عثمانیان»^{۳۳} را شرح می دهد و سپس به مسیر خود ادامه داده و فصل ۳۲ را به «دین ارمنی ها»^{۳۴} اختصاص می دهد فصل ۴۳ «دین ایرانیان» نام دارد و در این فصل وی می نویسد که قزلباش ها «هیچگونه خصومتی با مسیحیان ندارند.» در جای دیگر^{۳۵} به دین «صائبین و کتاب آدم» می پردازد.

پوله که قبلاً درباره «تفرقه جویان»^{۳۶}، کاتولیک ها و مسلمانان سخن گفته و به دلایلی که باعث پدیدآمدن این همه مرتد می شوند^{۳۷} و تأثیرات خطرناک تعصب غیر محتاطانه برخی از مسیحیان^{۳۸} اشاره کرده است، [وی همچنین] بخش های بسیاری به ادیان مختلف اختصاص می دهد و درباره «باوری که ترک ها از دین ما دارند و باوری که ما باید از دین آنها داشته باشیم»^{۳۹} سخن گفته و سپس به «گریز نویسنده از مطلب برای پرداختن به راستین بودن باورما و نادرست بودن باور ترک ها»^{۴۰} پرداخته است.

اگرچه در بین تمامی این عبارات های دینی، (به عنوان مثال) به زردشتیان ایرانی و مندائیان نیز اشاره شده است [اما باید این نکته را در نظر داشت] که فراتر از این توصیف ها نگاه مؤلفین عمدتاً متوجه دین کاتولیکی و رمی بود. به گفته پدر فیلیپ دولاست ترینیته، حاصل عمل میسیون ها «جلوگیری از مسلمان شدن بازرگانان مسیحی و کاهش تعداد تفرقه جویان، خصوصاً ارمنیان است»^{۴۱}. این که غربیان، به خصوص میسیونرها به مسیحیان خاور زمین توجه نشان داده باشند امری بسیار طبیعی است. اما از نظر آنها سایر ساکنین سرزمین ایران را «کافران» تشکیل می دادند. در مقابل باید اذعان داشت که فرنگی ها نیز (از دید ایرانیان) «بی ایمان» و کافر بودند!

فراوانی آثار [سفرنامه] که میسیونرها، به عنوان مبلغین مذهبی و یا در جهت مطلع ساختن خوانندگان از وضعیت و پیشرفت میسیون های مذهبی نوشته اند قابل توجه است.

۴. انگیزه های [مؤلفین] و پیامدهای این انگیزه ها:

با بررسی فهرست مؤلفین، هویت آنان و موضوعاتی که مطالعه و توصیف نموده اند، می تواند دریافت شناختی که سیاحان و مترجمین آنها از ایران کسب کرده و منتقل نموده اند، برپایه مشاهدات ایشان از شرایط اجتماعی، نظام حکومت ها، کتابها، آثار هنری و نیز زندگی روزمره [مردم] شکل گرفته بود، و عمدتاً از این حد فراتر نمی رفت [اگرچه] شناخت [سیاحان] از ایران در حد دیپلماسی بین المللی نبود، اما استثنائات نیکویی چون پدر رافائل دومان نیز وجود داشت که علیرغم برخوردار نبودن از وظایف و اختیارات دیپلماتیک، در این زمینه آگاهی داشت. البته انگیزه ها و اهداف پدر روحانی مذکور و امثال وی باعث می شود که آنان با انگیزه و نگرش خاصی با ایران مواجه شوند و شناختشان از این کشور نمی توانست در حد یک سفیر آگاه از دیپلماسی بین المللی و یا حداقل، آگاه از دیپلماسی مشرق زمین باشد، در صورتی که در قسطنطنیه [نمایندگان اروپایی] از این آگاهی برخوردار بودند و چنین امری تفاوت های قابل توجهی را در پی داشت.

با بررسی عبارت های ذکر شده در جدول های ۴ و ۵ می توان عوامل و انگیزه هایی را که باعث انتخاب موضوعی [چون ایران] شد حدس زد.

نخست به ذکر واژه هایی می پردازیم که بر نوعی قضاوت شخصی (که کمابیش با صراحت و ذهنیت گرای بیان گردیده است) دلالت می کنند.

نباید فراموش کرد دورانی که نویسندگان بدان تعلق دارند، عامل تعیین کننده ای در نوشته هایشان است. همچنین، از فهرست [عبارتها] چنین برمی آید که توصیف ارائه شده از مشرق زمین برحسب موقعیت اجتماعی و یا طبقه اجتماعی مؤلف متغیر است و نیز، موضوع بررسی شده، بسته به هدف مؤلف [از سفر به ایران] تغییر می کند: ایرانی که بازرگانی چون تاورنیه توصیف نموده است با ایرانی که روحانی ای چون پدر پاسیفیک دو پرون بررسی کرده تفاوت دارد، به عبارتی دیگر، از دو زاویه متفاوت به این کشور نگریسته شده است. دلیله - دلاند و تونوتحت تأثیر زیبایی ها و یا چیزهای به یاد ماندنی، خصوصیات منحصر به فرد، و ویژگی های مشهود در کشورهای مشرق زمین قرار می گرفتند در صورتی که پدر گابریل دوشین و پدر گدرو به پیشرفت استقرار میسیون های مذهبی و مسیحی کردن دیگران توجه داشتند.

آموزنده: اگر این صفت را نیز به مجموعه واژه های متعدد دینی ای که تاکنون گردآوری کرده ایم اضافه کنیم، باید اذعان بداریم که انگیزه دعوت به دین مسیحی، جایگاه نخست را در بین عوامل تعیین کننده این سفرها و سفرنامه ها به خود اختصاص

۱۶۳۱	شرح حال توجیه آمیز	بودوان	توجیه آمیز
۱۶۶۴	مشاهداتی ... درباره زیبایی های طبیعت	کارنو، لوکنت	زیبائی ها
۱۶۷۲	زیبائی های ایران	ذلیه - دلاند	
۱۶۶۴	قابل توجه ترین شهرها و مکانها	کارنو، لوکنت	قابل توجه
۱۶۱۰	ایمان آوردن غیر مسیحیان [به دین مسیحی]	مگره	تغییر مذهب
۱۶۷۱	استقرار میسیونرها [در مشرق زمین] و پیشرفتهای آنها در آنجا	گابریل دوشینن	استقرار
۱۶۶۴ و ۱۶۶۱	ورود شکوهمند... شکوه پادشاه ایران	کارنو، لوکنت	شکوهمند شکوه
۱۶۶۴	وقایع به یاد ماندنی ای که به هنگام اقامت در بغداد رخ داد	تونو	به یاد ماندنی
۱۶۲۹	چندین چیز مهم که...	دهی دو کورمنن	مهم
۱۶۶۱	چیزهایی... که تاکنون مشاهده نشده بودند	کارنو، لوکنت	مشاهده
۱۶۶۴	مشاهدات ... بسیار اعجاب برانگیز		مشاهدات
۱۶۹۶	چندین ویژگی مربوط به وضع کنونی...	گدرو	ویژگی، ویژه
۱۷۲۷، ۱۷۲۹	ویژگیهای امور ایران	رونی	
۱۶۷۱	توصیف ویژه استقرار...	گابریل دوشینن	
۱۶۳۱	نظرات ویژه ای درباره سرزمین مقدس و...	پاسیفیک دو پرون	
۱۶۶۴	ویژگی های منحصر به فرد	تونو	
۱۶۷۱	... پیشرفتهایی که میسیونرها در آنجا انجام می دهند	گابریل دوشینن	پیشرفت(ها)
۱۶۱۰	پیشرفت تعالیم مسیحی در سرزمین ایرانیان	مگره	
۱۶۶۱	قابل ملاحظه ترین... چیزها	کارنو، لوکنت	ملاحظه شده، مورد توجه قرار گرفته قابل ملاحظه
۱۶۶۸	چیزهای عجیبی که ... ملاحظه شد	پوله	
۱۶۶۴	... که به تازگی مورد توجه قرار گرفته اما تاکنون توصیف نشده اند	تونو	
۱۷۱۵	ماجرای منحصر به فرد سفیر ایران	لوفور دو فونتنی	منحصر به فرد
ایضاً	ویژگی های منحصر به فرد دریای اژه، قسطنطنیه...	تونو	
۱۶۵۱	سفرنامه های راستین و اعجاب برانگیز	ش.ب. موریزو	راستین

داده است.^{۳۲}

عجیب، اعجاب برانگیز، کنجکاوانه: مشاهده زندگی [به سبک] شرقی که با تمدن غربی در تمایز است، تصورات جدیدی را در ذهن سیاحان ایجاد کرده و کنجکاوی آنان را برمی انگیزد. پدرو فیلیپ دولاسنت ترینیتته می نویسد:^{۳۳} «به محض ورود به سرزمین های مسلمانان، بسیار متعجب و بسیار متحیر گشتیم. [با مشاهده] رسوم نامأنوس لباس های عجیب و غریب و زبان ناخوشایند آنان، اندک زمانی هوش و حواس خود را از دست دادیم.» چنین برداشتی [برای آن دوران] طبیعی است. اما کنجکاوی سیاحان تنها به کنجکاوی روشنفکرانه محدود نمی شود، بلکه آنان به دنبال هیجان نیز بودند، هیجان هایی که با مشاهده پدیده های نو، خطرات و یاحتی فجایعی که انقلاب های مصیبت بار ایران مداوماً به بار می آورد، ایجاد می شد. کسانی

واژه های ذیل نیز که [نسبت به واژه های جدول پیشین] «ذهن گزایانه تر» هستند، بیانگر انگیزه های [مؤلفین] می باشند:

نک به : ژرژوئیت‌ها	نام‌های اعجاب انگیز	پدر باشو	
۱۶۵۱	سفرنامه های راستین و اعجاب برانگیز...	آ. کوربه	عجیب، اعجاب برانگیز کنجکاوانه
۱۶۷۲	عجیب ترین چیزهایی که در این سرزمین وجود دارد	دلپه - دلاند	
۱۶۶۴	سفرنامه های عجیبی ... که انتشار نیافته‌اند	تونو	
۱۶۶۱-۱۶۶۵	عجیب ترین چیزها ... توصیف کنجکاوانه	کارنو، لوکنت	
۱۶۹۴	جستاری کنجکاوانه درباره آداب و ...	پدر سانسن	
۱۶۹۹	به همراه چندین داستان اعجاب برانگیز	کشیش کاره	
۱۶۶۸	مشاهدات کنجکاوانه	فرمانل	
۱۷۸۰	نام‌های آموزنده و اعجاب برانگیز	ژرژوئیت‌ها	
۱۶۶۸	یادداشتهای بسیار کنجکاوانه... چیزهای عجیبی که ملاحظه شد	پوله	
۱۶۶۴	به صورت کنجکاوانه به (شرح) کشورهای متعلق به سلطان عثمانی...	تونو (ژان)	
۱۷۸۰	نام‌های آموزنده و اعجاب برانگیز	ژرژوئیت‌ها	آموزنده
۱۶۶۱	سفر مشهور...	پدر کارن و پدر لوکنت	مشهور
۱۶۲۹	سفر مشهور...	دهی دو کورمنن	

که حس ماجراجویی داشتند و با خطرات غیر معمول مواجه می شدند.^{۲۰} این هیجان‌ها را با شدت بیشتری احساس می کردند. این مسائل باعث شد که مطالب فراوانی درباره «انقلاب های ایران» نوشته شود. از طرف دیگر نیز، برای روزنامه نگاران آن دوران، این وقایع، موقعیت های خوبی برای ارائه «خبرهای داغ» - اگر بتوانیم چنین اصطلاحی را به کار ببریم - به شمار می آمدند. عجیب بودن مشرق زمین، باعث می شد که سیاحان آن را با اروپائی که می شناختند مقایسه کنند و مقایسه آنها همیشه حاکی از احساس برتری بود. مسائلی چون دین، تجارت و سیاست، که ملامتاً با یکدیگر تداخل داشتند، باعث تشدید این احساس می شدند.

۱- اروپا - محوری:

اگرچه در آثار این مؤلفین برحسب این که مؤلف [یک شخص] روحانی، بازرگان و یا سیاح معمولی بوده باشد، موضوع بررسی شده متغیر است، اما در [مضمون] تمامی آنها، مسئله ای به نام «اروپا محوری» مشهود است. بدون شک این مؤلفین توجه عموم را به سوی مشرق زمین جلب کرده و حرکتی را در جهت مطالعات شرقی ایجاد نمودند که گسترش آن هنوز هم تلاوم دارد، اما این حرکت باعث شده که مشرق زمین شگفت انگیز، طعمه اشتهاهای سلطه جویانه اروپائیان شود.

از قرن چهاردهم میلادی [به بعد]، مردم شهرهای ایتالیایی [چون] رم، ونیز، ژنوا و بولونیا و از قرن پانزدهم میلادی [به بعد]، مردم اسپانیا و پرتغال، نمایندگان را به ایران می فرستادند، این نمایندگان غالباً یا نماینده سیاسی بودند و یا افراد روحانی (روحانیون اولین ارتباطات را بین ایران و دنیای غرب برقرار نمودند) اما تعدادی بازرگان نیز در بین آنها به چشم می خورد: در زمان انقراض [دولت] مغولها، یعنی در سال ۱۳۳۵، چند بازرگان ژنوایی و ونیزی، جرات نسبتاً زیادی از خود نشان داده و به آذربایجان سفر کردند. در قرن چهاردهم،

تعدادی از اتباع انگلیس و هلند که غالباً بازرگان بودند به نوبه خود به ایران سفر کردند و در اوایل قرن شانزدهم [بازرگانان این دو کشور] نمایندگی های تجاری ای را در بندرعباس و سپس در شیراز و اصفهان تأسیس نمودند. اما دیری نپائید که بین کمپانی های انگلیسی و هلندی هند شرقی، که بر این اساس شکل گرفته بودند، اختلاف پیش آمد و در عین حال حکومت های کشورهای متبوع این کمپانی ها با دست گذاشتن بر روی تجارت در مشرق زمین، رقابت موجود بین مدیران تجاری یک کشور واحد را شدت می بخشید. هلندی ها در میدان [تجارت در مشرق زمین] با انگلیسی ها به رقابت می پرداختند و از طرفی دیگر نیز، بر سر مسیر [دریایی] هند، که از دماغه امیدنیک می گذشت با پرتغالی ها درگیر بودند. [لازم به ذکر است] با این که انگلیس و کمپانی [هند شرقی] اش دست پرتغال را از خلیج فارس کوتاه کرده بودند، پرتغالی ها همچنان [در صحنه بین المللی] حضور داشتند.

بدین ترتیب [این سؤال مطرح می شود که] در قرن هفدهم، با وجود این درگیری های سیاسی و تجاری، فرانسویان از چه طریقی می توانستند به ایران راه یابند؟ کوتاه ترین مسیر ممکن [برای رسیدن به این کشور] عبور از دریای مدیترانه و ترکیه بود. اما این مسیر، به دلیل روابط سیاسی [غیر دوستانه] ایران و ترکیه مخاطره آمیزترین مسیر نیز به شمار می آمد. مسئله دیگری که بر مخاطره آمیز بودن این مسیر می افزود، درگیری هایی بود که بین بازرگانان فرانسوی شهرهای مarseille (Marseille) یا اشل (Echeltes) از یک سو، و کمپانی [فرانسوی] هند شرقی (که در سال ۱۶۶۴ توسط کلبر تأسیس شد) و بازرگانان شهرهای سن مالو (Saint Malo) یا لوریان (Lorient) از سوی دیگر وجود داشت. دلیل این درگیری ها این بود که در آن دوران، به منظور دستیابی به تفوق تجاری، بین [شهرهای مجاور دریای] مدیترانه و [شهرهای مجاور] اقیانوس [اطلس] رقابت وجود داشت. ژ.ف.گزر. روسو (J.F.X. Rousseau) می نویسد: «تنها از مسیر دریای هند و خلیج فارس می توان مستقیماً به سواحل ایران رسید. برای طی این مسیر باید یک سفر دریایی طولانی مدت و پرخرج در پیش گرفت که مشکلات متعددی را نیز در بر دارد.»^{۱۰} علیرغم همه این مسائل، کشوری که در این نبرد تجاری، جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده بود، کشور هند بود که در مرکز توجه قرار داشت و ثروت های موجود در آن به نظر پایان ناپذیر می رسیدند. نادرشاه (۱۷۴۷-۱۷۳۶) چنین می اندیشید، همچنان که پیش از وی نیز خیلی ها چنین اندیشیده بودند.

بدین ترتیب تمایل به شناخت ایران از همان آغاز با فتوحات در زمینه مادی همراه شد و این فتوحات مادی در نهایت به سلطه اروپائیان بر کشورهای خاورمیانه منجر شدند.

ساکنین ایران چه کسانی بودند؟ مثلاً با مطالعه سفرنامه تاورنیه، این پرسش مطرح می شود که از چه زمانی خود ایرانیان در ایران زندگی می کنند؟ چرا که براساس نوشته های تاورنیه، ساکنین ایران در آن دوران عبارت بودند از: مأموران گمرک که جمعیتی فعال و سازمان یافته بودند.

تعدادی «کاروان باشی» که مسیرها را به گونه ای انتخاب می کردند که مبلغ کمتری بابت مالیات پرداخته شود و از این روی می توانستند مفید باشند

تعداد بسیاری ارمنی، که قسمت عمده تجارت داخلی و بین المللی را در اختیار داشتند و از این جهت [برای اروپائیان] بسیار جالب بودند؛

تعدادی ماهیگیر، که در دهکده ای ساحلی سکونت داشتند. البته تاورنیه تنها به توصیف کلیه هایی که شیها سرپناه «آنها» بودند اکتفا کرده است. همچنین، روستاهای ایران به نظر خالی از سکنه می رسیدند و شهرها (که کاروان ها برای نپرداختن مالیات گمرک اضافی، از وارد شدن به آنها اجتناب می ورزیدند) نیز وضعیت بهتری نداشتند؛ اما خوشبختانه حضور مسیحیان در این روستاها و شهرها اندکی به آنها روح می بخشید؛ بسیاری از سفرنامه نویسان، از جمله میسیونری مانند پدر پاسیفیک دو پرون و یا بازرگانی چون تاورنیه، به حضور [داشتن یا نداشتن] مسیحیان در روستاها، شهرها و جاهای مختلفی که می دیدند توجه خاصی داشتند و هیچگاه این مسئله را از قلم نمی انداختند. همچنین، آنها با نظری مساعد به توصیف کلیساها و مکانهای مقدس مسیحیان، که [غالباً] به ارمنیان تعلق داشتند می پرداختند. چنین نکاتی نشان می دهد که اندیشه غالب در این سفرنامه ها، قوم - محوری یا اروپا - محوری بوده است.

تجارت:

«رساله»های متعددی درباره تجارت های ممکن در ایران، یا به صورت دست نوشته در آرشیوهای مربوط به ایران و یا به صورت انتشار یافته، [از آن دوران] به جای مانده است. از نویسندگان این آثار انتظار نمی رفت که [منافع خود را کنار بگذارند] و صرفاً به صورت غیر مغرضانه آثار خود را تألیف نمایند. هدف آنان، این بود که قوانین لازم برای بهترین تجارت ممکن در خاور زمین را بشناسانند و یا اینکه، بدون این که خود را به دانش نظری مقید سازند، به صورت فایده گرایانه به توصیف کالاها [قابل ارائه] و جزئیات چنین تجارتی بپردازند.

اما چنین نگرشی دو پیامد منطقی داشت:

یکی این که انسان ها و اشیاء تنها براساس معیار فایده گرایی سنجیده شده و مورد تأیید قرار می گرفتند. یک کشور، در صورتی که کالای خاصی را تولید می کرد و یا این که مثلاً می شد در آن شراب خرید یا هدیه گرفت، کشور خوبی به شمار می آمد. به عبارت دیگر، ایران کشور ثروتمندی بود و می توانست مورد بهره برداری قرار بگیرد، ضمن این که به استناد مسیرهای ذکر شده [در این آثار] این کشور منزلگاهی در مسیر هند به شمار می آمد، چرا که از طریق بنادر خلیج فارس می شد به هند رسید.

دیگر این که بازرگانان فرانسوی به خود مغرور می شدند: هر بازرگان فرانسوی می توانست بدون این که سؤالی برایش پیش بیاید کالاها را مورد نظر خود را با بهترین سود ممکن به دست بیاورد. در نتیجه، چنین شخصی می توانست احساس برتری کند و به کسانی که به اندازه وی موفق نبودند یا با هدف های وی همسو نبودند و یا با وی در رقابت بودند به دیده تحقیر بنگرد. لازمه تجارت، مبادله است و لازمه مبادله نیز رابطه متقابل است. اما هنگامی که در یک معاهده تجاری - مانند معاهده هایی که در سالهای ۱۷۰۸

تقریباً
تمامی سیاحان
با ذهنی انباشته از
نوشته های
نویسندگان
یونان باستان و
روم باستان
به سفر می رفتند و
این نوشته ها
در آن واحد
هم به عنوان
دروبین عمل
می کردند و هم
به عنوان چشم بند

یکی از جنبه‌های کاربردی این سفرنامه‌ها، اطلاعات جغرافیای طبیعی آنها است که خواننده را با ظاهر کشور، حدود و ثغور، پستی و بلندی‌ها، کوهها، طبیعت، منابع آب، دریاها، جزیره‌ها، رودها، رودخانه‌ها، جانوران و گیاهان آشنا می‌سازد

۱۷۱۵، ۱۷۲۰ به تصویب رسیدند. معیار اصلی «در جهت منافع فرانسویان بودن» و «درآمد داشتن برای فرانسویان» باشد چگونه می‌توان سخنی از مبادله به میان آورد؟

همچنین، از آنجایی که ایران کشوری مورد توجه استعمارگران بود دولتهای مختلف استعماری بر سر آن با یکدیگر رقابت داشتند. اگر از دید میسیونرها، مسلمانان دشمن به شمار می‌آمدند از نظر شخصی مانند لوکا (در سال ۱۷۰۲) انگلیسی‌ها و هلندی‌ها دشمن محسوب می‌شدند.^{۱۶}

زبان:

بی‌شک بهترین سفرنامه‌ها را کسانی نوشته‌اند که به زبان کشوری که به آن سفر می‌کردند به خوبی آشنایی داشتند. می‌دانیم که تاورنیه علیرغم ادعاهای خودپسندانه اش، «در طی ۳۶ سال سیر و سفر در مشرق زمین، نتوانست هیچکدام از زبانهای رایج در آنجا را فرا بگیرد»^{۱۷} و این نکته نقصان‌های مشهود در نوشته‌های وی را توجیه می‌نماید. آشنا نبودن به زبان، امکان برقراری ارتباط با ساکنین کشورهای [مشرق زمین] را به طرز قابل توجهی محدود می‌کرد. نگرش [غریبان] به زبان‌های [مشرق زمین] بیانگر رفتار برتری جویانه و خودپسندانه است که گاهی نیز جنبه تحقیرآمیز بودن به خود می‌گیرد.

در زمینه زبان، عملکرد میسیونرها مثبت بود.^{۱۸} پدر سانس، که در سال ۱۶۸۳ به عنوان میسیونر کاتولیک به ایران فرستاده شد، می‌نویسد «قبل از هرکاری، من به فراگیری زبان‌های ارمنی، ترکی و فارسی پرداخته، زیرا اطمینان داشتم که بدون آشنایی با این زبان‌ها، خیلی مفید نخواهم بود.»^{۱۹} بسیاری از میسیونرها باید هم به فارسی، هم به ترکی و هم به ارمنی موعظه می‌کردند و در نتیجه به شناخت کافی از این زبان‌ها دست یافته بودند. همچنین، اقامت طولانی مدت این افراد در ایران باعث می‌شد که به خوبی با این کشور آشنا شوند و بدین ترتیب در آنجا پذیرای هموطنان خود باشند و اطلاعات متعدد و ارزشمندی را در اختیار آنان بگذارند. اما شناخت زبان در حکم سلاح دوله بود، زیرا برخی از میسیونرها از هوش زیاد یا ذهن گسترده‌ای برخوردار نبودند و در نتیجه سخنان آنان می‌توانست حالت «وراچی» به خود بگیرد و عکس‌العمل آنان در برابر وقایع مختلف می‌توانست [در نزد ایرانیان] تصویر بسیار بی‌ارزشی از کشوری که آنها معرف‌اش بودند ایجاد نماید.

اما آیا تسلط بر مکالمه و یا تسلط بر نوشتن زبان فارسی به تنهایی کافی بود؟^{۲۰} [دانستن] زبان همیشه به گونه‌ای به انسان قدرت می‌بخشد. غریبان می‌توانستند زبان فارسی را به منظور درک بهتر ایرانیان و فرهنگ آنان فرا بگیرند و از طرف دیگر نیز می‌توانستند این زبان را به منظور تحمیل فرهنگ و یا دین خود به ایرانیان، بیاموزند و در اصل «ملموریت» روحانیون فرانسوی نیز همین بود.^{۲۱}

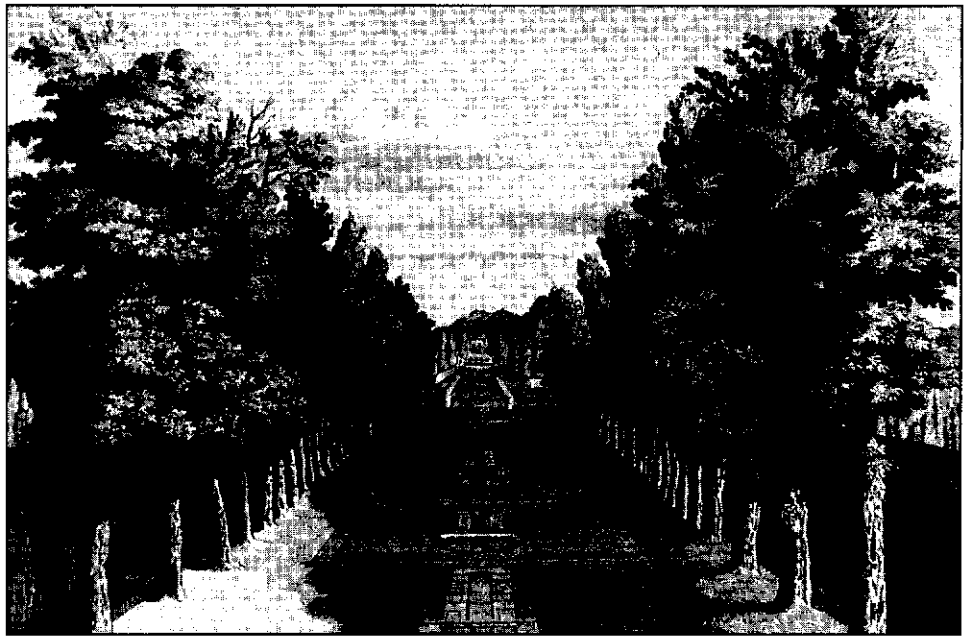
آداب و رسوم:

مؤلفین براساس دانسته‌های خود آداب و رسوم ایرانیان را می‌سنجیدند. شاید خرده گرفتن بر آنان صحیح نباشد، اما باید اذعان داشت که قضاوت آنان مشکلاتی را نیز ایجاد می‌کرد. کاره دوشامین جشن نوروز را به اشتباه «نوروخ» (Noroux) می‌نامد و می‌نویسد که این جشن «به جشنی که در زمان‌های قدیم در آن به افتخار آذونیس برگزار می‌شد شباهت دارد.» وی تنها از نظر فرهنگ عامه به این جشن می‌نگرد، جشنی که در طی آن «نوازندگان سازها تا حد توان، سازهای خود را با صدای مالاها (که روحانیون این کشور هستند) هماهنگ می‌کنند و هم‌نواپی محزونی حاصل می‌شود... آنها یک شهر [کامل] را از سکنه خالی می‌کنند و این کار بسیار ساده‌ای است چرا که خرافات مردم را فاسد کرده و برای آنان دردسرهای زیادی ایجاد کرده است.» وی می‌افزاید: «یکی از مالاها به افتخار آنها سخنرانی کرد، همچنانکه در یونان باستان به افتخار قهرمانان سخنرانی می‌کردند.» [براساس چنین اطلاعاتی]، تصاویری کلیشه‌ای (قالبی) از شرقیان در ذهن غریبان شکل گرفته تصاویری چون: تبلی، بی‌بند و باری و استبداد، که بی‌رحمی‌های خودسرانه و بی‌اساس را نیز به همراه داشت. «حکومت ایران، حکومتی کاملاً استبدادی است و شاه این حق را دارد که بدون هیچگونه مشورتی و بدون به کار بردن هیچکدام از آیین‌های دادرسی [مانند آیین‌هایی] که در اروپای ما رواج دارد، در باره مرگ و زندگی ملت خویش تصمیم بگیرد.»^{۲۲}

نکته مهمی که از این نوشته برمی‌آید این است که [از نظر اروپائیان] منطق حکم می‌کرد که هر آنچه که با معیارهای غربی مطابقت ننماید، بد یا مستخره محسوب شود: «باغ‌های اصفهان با باغ‌های ورسای تفاوت دارند، خیابانها به صورت خط مستقیم ترسیم نشده‌اند به غیر از گل‌سرخ، گل‌دیگری وجود ندارد، بنتر از همه این که رسوم اجتماعی و دینی چیزی جز «خرافات مسخره» نیستند.» حتی مؤلفی چون پدر رافائل دومان که به خوبی با زبان و رسوم ایرانیان آشنایی داشت، چنین اصطلاحاتی را به کار برده است. باید گفت که تصور برتری غرب بر شرق براساس همین توصیفها شکل گرفته است.

تصاویر کلیشه‌ای [ترسیم شده از مشرق زمین] تصاویری پایدار بودند، اگر چه گاهی نیز [در این نوشته‌ها] نکاتی به چشم می‌خورد که با این تصاویر در تضاد هستند و از این روی از اهمیت بسیاری برخوردارند. پدر پاسیفیک دو پرون درباره نامه‌ای که شاه عباس به وی سپرده تا به لویی سیزدهم برساند، می‌نویسد: «این نامه مملو از نکات ظریف و احساس دوستی عمیق است و خواهید دید که ایرانیان از ذهن زمختی برخوردار نیستند.» اگر کسی مانند جناب لایولی لوگوز (که ظاهراً هیچ‌گونه شناختی از قرآن نداشته)، از تعجب ایرانیان به هنگام دیدن فرانسویان سخن گفته است، قصدش براین بوده که به ستایش فرانسویان بپردازد و به ناگاهی ایرانیان اشاره کند. «فرانک‌ها هیچ شباهتی به گاو ندارند! بلکه بسیار زیبایی‌اند]. چگونه ممکن است که مردمان به این زیبایی هیچ شناختی از خداوند نداشته باشند و پدران شان، از ترس این که مباداً آنها مسلمان شوند، فراگیری نوشته‌های [مقدس] را بر آنان ممنوع کرده باشند.»^{۲۳}

گاهی [در میان این نوشته‌ها] اظهارنظرهای واقع‌بینانه تری نیز به چشم می‌خورد: «م. ف. ** (M.**) نویسنده مقدمه اثر



اصفهان - هزار جریب - عکس از سفرنامه شاردن

پل لوکا، لازم دانسته است که باور عموم را اصلاح نماید و این مسئله نشان می دهد که چنین باوری [به چه اندازه در ذهن مردم] جاافتاده بود: «مسیحیان به مسلمانان به چشم مردمانی کور یا نادان و یا مردمانی که قادر به اندیشیدن نیستند می نگزند. آنها اعتقاد دارند که مسلمانان عقل خود را از دست داده اند و از منطق و فلسفه اولی هیچ بویی نبرده اند... آنها اشتباه می کنند و به سادگی می توان ثابت کرد که چنین اندیشه هایی نه تنها بی ادبانه، بلکه غیرمنصفانه و بسیار غیرعقلانه نیز هستند. این تصور که سرزمینهایی که سابقاً زادگاه هزاران دانشمند بودند، ناگهان سترون شده و در بطن خود تنها نادانی و یا دیوانگی را پرورش می دهند، تصویری غیرعقلانه است.»^{۱۳}

چنین اظهار نظرهایی بسیار مهم بودند، چراکه این آثار تأثیر قابل توجهی به روی خوانندگان می گذاشتند. بسیاری از این آثار در آن زمان در چندین نوبت تجدید چاپ شده بودند. حتی آن آثاری که تجدید چاپ نشده بودند نیز شهرت داشته و دست به دست می گشتند. همه این آثار تصویری را از مشرق زمین و ایرانیان ارائه کردند که پایدار ماند و تلاوم یافت. خاطرات پدر کروزنسکی که شاهد وقایع منجر به انقراض دولت صفویه بود نمونه ای از این آثار است. ترجمه فرانسوی این اثر توسط پدر دو سروس بازننگری شده بود و از سال ۱۷۳۱، به غیر از ترجمه فرانسوی، ترجمه هایی به زبانهای ترکی، لاتینی، انگلیسی و احتمالاً به زبان فارسی نیز از آن وجود داشت. در میان این آثار، کتابی را نیز می توان در بین پرانتز گنجانید. این کتاب، که اندکی رنگ و بوی مسخرگی دارد، خاطرات سری در جهت خدمت به تاریخ ایران^{۱۴} نام دارد، اندکی هجو آمیز است و در آن به توصیف شخصیتهای مختلف دربار و خانواده هایشان پرداخته شده و در مورد آنها با اظهار نظرهای اخلاقی ارائه شده همراه است. اما نکته در اینجاست که دربار مذکور، دربار ایران نیست، بلکه دربار فرانسه است. شخصیت های ذکر شده در این کتاب، شخصیتهای حقیقی هستند که با نامی غیر از نام واقعی خود معرفی شده اند. احتمالاً نویسنده این کتاب مادام دو ویومزون (Mme de Vieux Maisons) است که ظاهراً «یکی از بدجنس ترین زنان زمانه خود» به شمار می آمده است. با این حال عنوان این کتاب نشان دهنده توجه و مجذوبیتی است که ایران [در غربیان] بیدار می کرده است.

۲- پیوستگی دین، تجارت و سیاست با یکدیگر:

در قرن چهاردهم میلادی، نخستین کسانی که بین دنیای غرب و ایران رابطه برقرار کردند روحانیون کاتولیک بودند. این روحانیون، به دلیل وظایف خود با افراد سطوح مختلف جامعه در ارتباط بودند و از حقایق زندگی روزمره آنها اطلاع داشتند. نوشته های آنان به زبان فرانسه (یا لاتین) منعکس کننده تصویری است که آنها در آن زمان از ایران، فرهنگ این کشور و بلورهای رایج در آن، داشتند. همچنین، این آثار بیانگر چگونگی برخورد روحانیون با ایرانیان و چگونگی دعوت آنان به دین مسیحی است. «مسیسون ها» که وظایفشان، تاحسودی ایهام آمیز و پنهان کارانه بود، این مزیت را داشتند که ارتباط های جدیدی را بین ایران و دنیای غرب برقرار کردند. اگرچه عدم شناخت متقابل این ارتباط ها را مشکل می کرد اما همین ارتباط ها راه را برای سیاحان قرون بعدی آماده ساخت. درعین حال، عیب این مسیسیون ها در این بود که تصویر غیرواقعی ای را که [از ایران ارائه شده بود] تشدید می کردند، اگرچه گنر از چنین مرحله ای برای از بین بردن سد ناآگاهی لازم بود. مسیسیونها وظایف متعددی را برعهده داشتند: دعوت نمودن دیگران [درمتن: کافران] به مسیحیت؛ برقرار ساختن رابطه سیاسی (این پرسش مطرح می شود که این وظیفه به چه میزان از وظیفه نخست مستقل بود؟)؛ انجام دادن وظایف علمی مختلف؛ از جمله: مطالعه زبان ها، گردآوری نسخه های خطی، انتقال منابع طب اروپایی به ایران. بدین ترتیب روحانیون می توانستند هیأت های علمی و غیره ... را نیز راهنمایی کنند و اطلاعاتی را در اختیار آنان بگذارند؛ اما این اهداف علمی به چه میزان مستلزم «حضور دین» بودند؟ قلم مؤلفین [آن دوران] سه صحنه سیاست، تجارت و دین را به گردش

نباید فراموش کرد
دورانی که
نویسندگان بدان
تعلق دارند، عامل
تعیین کننده ای در
[نوشته هایشان]
است. همچنین
توصیف ارائه شده از
مشرق زمین
برحسب موقعیت
اجتماعی و یا طبقه
اجتماعی مؤلف
متغیر است و نیز،
موضوع بررسی
شده، بسته به هدف
مؤلف [از سفر به
ایران] تغییر می
کند: ایرانی که
بازرگانی چون
تاورنیه توصیف
نموده است با ایرانی
که روحانی ای چون
پدر پاسیفیک دو
پرون بررسی کرده
تفاوت دارد، به
عبارتی دیگر، از دو
زاویه متفاوت به این
کشور نگریده شده
است

جغرافیای سیاسی یکی دیگر از جنبه‌هایی است که از لابلای سفرنامه‌ها قابل استخراج است و اطلاعاتی درباره صورت‌های مختلف حکومت، ساختار یا ساختارهای سیاسی سرزمین ایران و همچنین ملاحظات درباره انقلاب‌ها و شورش‌ها را در برمی‌گیرد

درمی‌آورد، صحنه‌هایی که در واقعیت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و نیز در ذهن کسانی که این واقعیت را حس می‌کردند، نقش داشتند.

در حالی که از زمان فرانسوای اول (Francois Ier)، فرانسه سفرای خود را با مأموریت‌های تقریباً دائمی به ترکیه می‌فرستاد، کمبود یک نماینده سیاسی رسمی فرانسه در ایران به شدت حس می‌شد.^{۱۶}

نماینده اعلیحضرت [پادشاه فرانسه] در قسطنطنیه باید از دستورات مشخصی پیروی می‌کرد: «کسی که مسئولیت سفارت فرانسه در باب عالی را بر عهده داشته باشد، وظیفه دارد که به غیر از پرداختن به امور سیاست با هوشیاری مراقب تجارت و سفرهای دریایی اتباع پادشاه در خاور زمین باشد و حتی الامکان در حدی که اعتبار خود را به مخاطره نیندازد، از میسیونرها حمایت کند.»^{۱۷} در این سطور، به هر سه مقوله سیاست، تجارت و دین اشاره شده است. اما [انتهای] ریسمانهای هدایت‌کننده این سه مقوله با این که در برخی از نقاط گره خورده بودند، همگی در یک دست واحد قرار داشتند.

اهمیت نمایندگی سیاسی دائمی در این بود که تنها چنین نمایندگی‌ای می‌توانست ارتباط بین نیروهای تجارت، سیاست و دین را به صورت یک تعادل «مثلثی شکل» در بیاورد و مانع از این شود که این نیروها به صورت دو قطب در مقابل یکدیگر قرار بگیرند و قطب قویتر قطب دیگر را از بین ببرد؛ مثلاً یک کمپانی بزرگ تجاری می‌توانست بسیار قدرتمند شود و هر گونه تلاش در جهت برقراری رابطه سیاسی را از بین ببرد، یا این که یک فرقه دینی می‌توانست ادعای برتری کند و تعادل روابط سیاسی را برهم بزند. باید به دقت بیشتری به بررسی تقابل نیروهای رقیب (که بر روابط بین فرانسه و ایران تأثیر می‌گذاشتند) پرداخته نیروهای رقیبی چون: روحانیون و بازرگانان، بازرگانان ماری و بازرگانان سایر نقاط [فرانسه]، کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها^{۱۸}، فرقه‌های مختلف مذهبی که با یکدیگر در رقابت بودند، کمپانی دو سن سکرمان (Compagnie du Saint Sacrement)^{۱۹} و کمپانی هند و غیره... این نمونه‌های ذکر شده، بخش کوچکی از یک مجموعه گسترده را تشکیل می‌دهند.

ژان - فرانسوا - گزویوه روسو (Jean-Francois Xavier Reusseau) پسر ژاک روسو (ساعت‌سازی که در سال ۱۷۰۴ ژان باتیست فابری (Jean-Baptiste Fabre) را به [ایران] همراهی کرد و با ژان ژاک روسو معروف نسبت داشت) در رساله‌ای که در سال ۱۸۰۴ نوشته، به توصیف نخستین تلاش‌های فرانسویان در جهت حضور یافتن در ایران پرداخته است:

«در سال ۱۶۲۶، در زمان پادشاهی لوئی سیزدهم، دولت فرانسه برای نخستین بار تصمیم گرفت که یک مأمور رسمی را به ایران بفرستد.^{۲۰} این مأموریت به پیشکار پادشاه جناب دهی دو کورمنن سپرده شد. هدف مورد نظر این بود که به بهانه استقرار مجدد میسیونرها در ایران و [حلب] حمایت ایران از مذهب کاتولیکه مناسبات تجاری با ایران برقرار شود.

مطابق دستوراتی که به جناب دهی داده شده بود (دستوراتی که مورخ ۱۸ فوریه ۱۶۲۶ بودند) وی باید نخست به قسطنطنیه می‌رفت. در آنجا، سفیر فرانسه، مسیو دو سزی (Monsieur de Cesy) باید به اطلاع دربار عثمانی می‌رساند که پادشاه نماینده‌ای را به ایران می‌فرستد، و هدف [از این اطلاع‌رسانی] این بود که تفاهم خوبی که داشت بین سلطان عثمانی و پادشاه اسپانیا برقرار می‌شده برهم بخورد.»

از یک سو، پادشاه اسپانیا فیلیپ چهارم تلاش می‌کرد که با سلطان مراد چهارم (که با ریشلیو Richelieu هم عصر بود) آتش بسی را امضاء کند و فرانسویان باید مانع از این کار می‌شدند. از سوی دیگر، سلطان عثمانی درگیر جنگ با ایران بود و فرانسویان قصد داشتند که این جنگ را متوقف کنند. بنابراین مأموریت ویژه جناب دهی این بود که به دربار عثمانی پیشنهاد دهد که پادشاه فرانسه بین این دربار و دربار اصفهان میانجیگری کند.^{۲۱} در عین حال برای سفر جناب دهی اجازه صدر اعظم عثمانی لازم بود و فرانسویان باید می‌کوشیدند که بدون این که خشم ترک‌ها را برانگیزند این اجازه را کسب کنند. بنابراین اگر هم هدف اولیه [از سفر به ایران و برقراری روابط با این کشور] هدفی سیاسی بود اهداف تجاری و دینی به سرعت از آن پیشی گرفتند زیرا غریبان با استفاده از تجارت و دین می‌توانستند جای پای خود را در مشرق زمین مستحکم سازند. دو واژه تجارت و دین مکرراً در نامه‌ها و خاطرات میسیونرها به چشم می‌خورند و نمی‌توان تشخیص داد که کدامیک هدف و کدامیک وسیله به شمار می‌آید. یقیناً آنچه که برای یکی هدف محسوب می‌شده، از نظر دیگری وسیله بود، و برعکس احتمالاً گاهی نیز اتفاق می‌افتاد که یک نفر این دو مسئله را از یکدیگر تمیز ندهد.

صدراعظم عثمانی از سفر دهی به ایران ممانعت به عمل آورد و دهی مجبور شد به فرانسه باز گردد. انجام مأموریت وی به پدر پاسیفیک دو پرون سپرده شد. این روحانی که در طی سفر، به کنسول و نیز خدمت کرده بود، در ماه سپتامبر سال ۱۶۲۸ به قزوین رسید، در حالی که برتره‌هایی از پادشاه [فرانسه]، ملکه و ملکه مادر را [برای شاه عباس] به همراه آورده بود. شاه عباس او را به حضور پذیرفت. در طی این ملاقاته پدر پاسیفیک دو پرون دلایل شکست مأموریت دهی را به زبان ترکی برای شاه توضیح داد. شاه به پاشای روملی که تعجب کرده بود گفت: چطور ممکن است شما ندانید پادشاه فرانسه چه کسی است، در حالیکه همیشه تابع امپراطور قسطنطنیه بوده‌اید و این پادشاه توسط سفرای خود با وی رابطه مستمر دارد؟ می‌خواهم بدانید که این پادشاهی که می‌بینید بزرگترین پادشاهی است که در دنیا وجود دارد.^{۲۲}

از آن هنگام، به کاپوسن‌ها به چشم نماینده پادشاه فرانسه نگریسته شد و یک بار دیگر، برقراری روابط بین فرانسه و ایران به کمک دین، و یا به عبارتی دیگر، به کمک مردان دین شکل گرفت. پدر پاسیفیک دو پرون نیز در نوشته‌های خود به پیوستگی انگیزه‌های [سیاسی، تجاری و دینی] با یکدیگر اشاره می‌کند:^{۲۳} معلوم است که ایرانیان به دوستی با فرانسویان و تجارت با آنان تمایل زیادی دارند. انگلیسی‌ها و هلندی‌ها، از این مسئله بیم دارند و می‌ترسند که ما در این امر موفق شویم. بنابراین، به خصوص پس از مرگ پادشاه مرحوم، شاه عباس، تلاش می‌کنند که صاحب منصبان دربار را گمراه سازند تا آنها ما را مجبور به ترک ایران کنند و [به این ترتیب] از سلطه اعلیحضرت بسیار مسیحی [پادشاه فرانسه] کاسته شود.

در حقیقت، قلم برخی از نویسندگان، خصوصاً در زمان شاه عباس، ایرانیان را مانند شبه - مسیحیانی جلوه می‌داد که حاضر بودند

از این سفرنامه ها
اطلاعاتی در زمینه
جغرافیای انسانی و
قوم نگاری
به دست می آید.
اطلاعاتی مانند:
ساکنین کشور،
گروه های قومی
ایرانی، ارمنی،
شمال قفقاز،
اعتقادات دینی،
مسیحیان،
شهرها وساختارهای
اجتماعی ایران.
و گروه های مردمی،
سنت ها، آداب و
اخلاق و رسوم

در یک جنگ صلیبی بر ضد ترکها، شرکت کنند، چراکه در آن زمان ترک ها تجلی اسلام به شمار می آمدند.^{۳۵} اگرچه ایرانیان و ترکها از نظر دینی نیز دشمن یکدیگر محسوب می شدند اما دشمنی اصلی آنها، دشمنی سیاسی بود. براین اساس، استدلال هایی آشفته و مبهم شکل گرفتند: ایرانیان دشمن ترکها بودند، بنابراین دشمن مسلمانان به شمار می آمدند، در نتیجه دوست مسیحیان، دوست ملت‌های اروپایی و دوست «مسیحیت» محسوب می شدند سپس (از نظر مؤلفینی که در این مقاله به آنها اشاره شده است) فرانسویان باید آنها را در زمره دوستان خود به شمار می آوردند و حتی اگر لازم بود، در جهت مبارزه با دشمنان مسیحیت [یعنی دشمنان دینی خود]، به دشمنان سیاسی خود امتیازاتی را می دادند. چنین طرز تفکری را می توان از نوشته های پدر پاسیفیک دو پرون برداشت کرد. در اثری به نام سفر بزرگ به اورشلیم نیز، که در اوایل قرن شانزدهم توسط نیکول لوهوان (Nicole Lehuen)^{۳۶} نوشته شده است چنین اندیشه ای به چشم می خورد. در بخشی از این اثر به نام «تاریخ معاصر شاه اسماعیل، معروف به صفی اردبیلی، پادشاه پارس و ماد و تعدادی دیگر از سرزمینها و ولایات» آمده است:^{۳۷}

«شاه اسماعیل، برای اثبات تمایل زیادی که به ... براندازی بنیاد این دین دارد، چندین بار از پادشاهان مسیحی درخواست کرده است که از جانب اروپا جنگ را با ترکها آغاز کنند و از جانب آسیا، لازم نباشد که وی ... خلاصه این که شاه صفی به دنبال این است که شریعت ... از بین برده شود و [چنین امری نشانگر] ستایش دین مقدس کاتولیکی است.»^{۳۸}

چنین عبارتی هایی از یک سو نشان می دهند که در آن دوران، اروپائیان درباره مذهب شیعه و ارتباط آن با مذهب سنی هیچ گونه آگاهی ای نداشته اند، و از سوی دیگر بیانگر اندیشه ای است که در طول قرون وسطی در اذهان عموم شکل گرفته بود، اندیشه ای که براساس آن جهان مسیحیت یعنی [کشورهای] اروپایی که تحت لوای مسیحیت یا به عبارتی دیگر تحت لوای [کلیسای] رم با یکدیگر متحد بودند، باید تمام مساعی خود را در جهت مبارزه با اسلام، به کار می گرفت.

ابهام آمیز بودن این طرز تفکر باعث شد که [در مشرق زمین] مثلاً در باب عالی، سوئفاهم هایی پیش بیاید. کاستانیر دوشانونوف (Castagneres de Chateauneuf)، سفیر فرانسه [در امپراطوری عثمانی]، در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۶۹۰ در نامه های خطاب به شاه می نویسد: «هنگامی که او [= وزیر جدید] از من پرسید که آیا پاپ قصد دارد که پادشاهان مسیحی را گرد هم آورند [یا خیر] من لازم دانستم که نخست جایگاه پاپ در عالم مسیحیت را برای او روشن سازم. ... وی در این ماجرا باید تنها به عنوان یک شخص ذینفع در نظر گرفته شود و به دلایل مختلفه به هیچ وجه نمی تواند به عنوان میانجی عمل کند»

مثالی دیگر: در حدود سال ۱۶۶۰، پدر ژوزف ماری دو بورژ (Joseph Marie de Bourges) از فرقه کاپوسن ها، با درهم بافتن سودای کمپانی هند و سودای میسیونرها، کسب مال و جذب روان مردم، خدمت به شاه و خدمت به خانواده، نامه ای به کلیر نوشت: «عالیجناب ... به [ما] کاپوسن های بیچاره علاقه دارند، چراکه در جهت رسیدگی به امور مربوط به کمپانی هند از [خدمات] ما استفاده می کنند و ما در این کمپانی هیچ سودایی به غیر از جذب روان ها به سوی خانواده و جذب مردم به خدمت پادشاه خود نخواهیم داشت. ...»

[واژه های] تجارت، سیاست، دین، منافع شخصی و منافع عمومی همانند ترجیح بند در سفرنامه های سیاحان و میسیونرها و بازرگانان تکرار می شوند. [مشکل] ابهام آمیز بودن [اهداف] دینی، تجاری و سیاسی تا مدتها تناوم یافت چرا که خود پادشاهان فرانسه نیز (چه لوتی سیزدهم، چه لوتی چهاردهم) نمی توانستند آنها را از یکدیگر تمییز بدهند.

آیا اندیشه قدیمی [حاکم بر] جنگ های صلیبی از بین رفته بود؟ فرانسه کشوری بود که این جنگ ها را باعث شده و آنها را رهبری کرده بود. این کشور برای ایجاد پایگاه در ایران، نخست تشکیلات گسترده ای را جهت تبلیغ مسیحیت در آنجا سازماندهی کرد و البته [از نظر فرانسویان] دین مسیحی و تمدن اروپایی بهترین ارمغان برای مردم مشرق زمین به شمار می آمد. به عنوان مثال، پدر پاسیفیک دو پرون^{۳۹} به «سه مکان قابل توجهی که در قسطنطنیه وجود دارد» اشاره می کند: ۱- ستونی که عیسی مسیح را به آن بستند، ۲- کلیسای سن فرانسوا (Saint Francois)، که «بر روی موزائیکی که در انتهای آن قرار دارد تصویری از پدر ما سن فرانسوا موجود است و بر روی موزائیکی که در بالای آن است، تصویری از یک کاپوسن به چشم می خورد...»، ۳- «در نزدیکی قصر سلطان ... مکانی است که در آنجا یک کشیش اهل آمیان (Amiens)، رئیس سن ژان بانیست را گرفت...»

نتیجه گیری:

در این مقاله سعی شد با تجزیه و تحلیل عناوین سفرنامه ها، به ارائه تصویرهای واضح تر و قابل درک تر از تمدن ها و فرهنگ های دور کمک شود. این سفرنامه ها یا گزارش ها قرن ها بر تصویری که اروپائیان از مشرق زمین و شرقیان در ذهن داشتند تأثیر گذاشتند و از این روی، تلاش در جهت روشن نمودن آنها واجب است. تصویرپردازی [آنجا] شده در این آثار از دو جهت قابل توجه است: نخست اینکه این تصویرپردازی، ذهن خواننده را مجنون می کرد و به قوه تخیل وی بال و پر می بخشید. بدین ترتیب «شیفته مشرق زمین بودن» مطرح می شد.

دوم اینکه در عین حال، این تصویرپردازی ذهن غربیان را گرفتار می کرد و آنان نمی توانستند نگاه خود را از تصویری که خودشان ایجاد کرده بودند برهانند. احتمالاً نگاه شرقیان نیز گرفتار چنین مشکلی شود و همانطور که یراسیموس (Yerasimos)^{۴۰} احتمال می دهد آنها به نوعی درگیر تصاویری شدند که سیاحان غربی از سرزمینشان ترسیم کرده بودند: «غالباً محققین امروزی که به جوامع بشری تعلق دارند، گرفتار تصویری می شوند. که دنیای غرب از گذشته آنان منعکس می کند و سرانجام این گذشته به عنوان گذشته ای غیر قابل تغییر در ذهن آنها نقش می بندد و از پذیرفتن هر گونه نظری که مخالف آن باشد سرباز می زنند.»

شناختی که سیاحان و مترجمین آنها از ایران کسب کرده و منتقل نموده اند، برپایه مشاهدات ایشان از شرایط اجتماعی، نظام حکومت ها کتابها، آثار هنری و نیز زندگی روزمره مردم شکل گرفته بود، و عمدتاً از این حد فراتر نمی رفت

توضیح مترجم

در این بخش از مقاله، فهرست «عناوین»، «مؤلفان» و «مشخصات» کتابها، گزارش ها و سفرنامه ها، آستاد، نامها و کلیه منابع مورد استفاده نویسنده، در دو قسمت آمده است. قسمت اول شامل «تاریخ است» که برپایه کانی آنها گنجانده است. تعداد این دسته منابع، ۱۰ عنوان است و در بخش «الف» گنجانده شده اند. در قسمت دوم «ب» فهرست منابع و آثار مورد بررسی نویسنده به ترتیب الفبای لاتین اسامی مؤلفان تنظیم شده است. در این قسمت مشخصات آثار هشتاد سیاح، مأمور سیاسی، مفسرین، تاجر، ماجر، جو، نویسنده و سایر یانداوران و نگاران فرانسوی معرفی شده است. به منظور سهولت استفاده خوانندگان، در پایان این بخش، ترجمه فارسی «عناوین» آثار و «اسامی» اشخاص (بدیند و زندگان) و برخی توضیحات متن اصلی ارائه شده است. در بزرگترین فارسی این بخش، مشخصات چاپی آثار (شامل ناشر، محل نشر، تاریخ نشر و...) ترجمه شده است. لازم به ذکر است شماره ردیف عناوین بخش ترجمه فارسی با شماره ردیف عناوین متن فرانسوی یکسان است و خوانندگان می توانند بزرگترین فارسی هر عنوان فرانسوی را از طریق شماره ردیف، در قسمت ترجمه فارسی به راحتی پیدا کنند.



VI - AUTEURS ET TITRES.

A) - Anonymes.

- 1)- *L'entrée solennelle faite à Rome aux ambassadeurs du roy de Perse, le cinquième avril 1601. Envoyez à N. S. Père le Pape pour contracter ligue contre le Turc et moyenner la réduction de son royaume à la religion catholique, apostolique et romaine. Traduit de l'italien imprimé à Rome.*
Paris, 1601.
Jouxte la copie imprimée à Lyon.
- 2) - *Lettre écrite d'Ispahan à Alep le 26 Mars sur la Bataille de Gulnabat.*
"Gazette de Hollande", 18 Août 1722.
- 3) - *Lettre sur l'investissement de cette première ville (Ispahan) et sur la taxe imposée à Julfa.*
"Gazette de France", 22 Août 1722.
- 4) - *Mémoire sur la Dernière Révolution de Perse jusqu'à la fin de l'année 1724.*
Aff. Étr., CP.Perse, vol.VI, fol. 341-370.
Mémoire, basé sur un autre de Joseph Apisalaïmian, joint à la lettre du Vicomte d'Andrezel, Constantinople, 8 août 1725.
- 5)- *Extrait d'une Lettre de Constantinople à M..., le 28 Janvier 1727.*
"Mercure de France", Mars 1727.
- 6) - *Suite des Révolutions de Perse. Nouvelles de Perse écrites de Zulpha le 28 Août 1727.*
Paris, 1727.
- 7) - *Suite des Révolutions de Perse, extrait d'une Lettre d'Ispahan, du 1er Mai 1729.*
Paris, 1729.
- 8) - *Relation de la Suite des Révolutions de Perse et le Rétablissement du Prince Thamas, 9 Avril 1730.*
Paris, 1730.
- 10)- *Relation de la Victoire remportée par l'Armée de Perse sur les Turcs par le Sophi de Perse.*
"Débats", Paris, non daté, mais vers 1730.

از این سفرنامه ها اطلاعاتی در زمینه جغرافیای انسانی و قوم نگاری به دست می آید. اطلاعاتی مانند: ساکنین کشور، گروه های قومی ایرانی، ارمنی، شمال قفقاز، اعتقادات دینی، مسیحیان، شهرها و ساختارهای اجتماعی ایران و گروه های مردمی، سنت ها، آداب و اخلاق و رسوم

مؤلفین بیشتر به منظور شرح سفر خویش این آثار را به نگارش در می آوردند و این کار را یا به میل خویش انجام می دادند و یا چنانکه از تعداد عناوین («روایت، اخبار، یادگار، خاطرات، خاطرات روزانه») برمی آید، به دلیل انجام دادن مأموریتی کم و بیش رسمی، مجبور بودند که گزارشی از سفر خود ارائه کنند. در عین حال، مؤلفین تا حدودی سعی می کردند که اثری تاریخی ارائه دهند. شاهد آن، کاربرد واژه هایی چون، «تاریخ، وقایع نگاری، روز شمار تاریخی و روایت تاریخی» است

B) Ouvrages d'auteurs identifiés.

1) ALEXANDRE DE RHODES, Père.

1 - *Divers voyages et missions du P. Alexandre de Rhodes en la Chine et autres royaumes de l'orient avec le retour de l'auteur en Europe, par la Perse et l'Arménie.*

Paris, 1653.

2 - *Sommaire des divers voyages et... depuis 1618 jusques à l'année 1653.*

Paris 1653.

3 - *Relation de la mission des Pères de la C^{ie} de Jésus établie dans le royaume de Perse par le R. P. A. de Rhodes dressée et mise à jour par un Père de la mesme compagnie.*

Paris, 1659.

cf. Machault.

Paris, 1666, réédition de l'ouvrage de 1653.

4 - *Voyages en la Chine et autres royaumes de l'Orient avec retour par la Perse et l'Arménie.*

Paris, 1666.

Paris, 1668, réédition de l'ouvrage de 1666.

5- *Divers voyages en Chine et autres royaumes de l'orient avec le retour de l'auteur en Europe, par la Perse et l'Arménie.*

Paris, 1681.

2) ANGE DE SAINT-JOSEPH, Père, (Joseph LABROSSE).

1 - *Souvenirs de la Perse Safavide et autres lieux de l'Orient (1664-1678.)*

en version persane et européenne, traduite et annotée par M. Bastiaensen, Brussels :

Ed. de l'Université de Bruxelles, 1985 (Fac. de Philosophie et Lettres XCIII), 222 p.

2 - *Lughah-yi Frank wa Pârs / Gazophylacium linguae Persarum.*

Amsterdam, 1684.

3) ARVIEUX, le chevalier Laurent d'.

Mémoires (Turquie et Levant).

Paris, 1735.

cf. Labat.

4) AVRIL, R. P. Philippe.

Voyages en divers états d'Europe et d'Asie entrepris pour découvrir un nouveau chemin à la Chine.

Paris, 1692.

Traduit en anglais et en hollandais.

5) BACHOUD, Père Louis, S.J.

Lettre du Père Bachoud, Missionnaire de la Compagnie de Jésus en Perse, écrite de Chamakié le 25 Septembre 1721.

in Nouvelle publication des *Lettres édifiantes et curieuses* du P. Saignes, 1780, (vol. IV, p.113-124, 231-277).

cf. Jésuites a)

6) BAUDELLOT DE DERVAL, Charles César.

Voyage du Sieur P. Lucas au Levant.

Paris, 1704, vol. II, (ouvrage basé sur les notes de Paul Lucas sur ses voyages en Levant).

La Hague 1705.

cf. Paul Lucas.

اگرچه در آثار این مؤلفین برحسب این که مؤلف [یک شخص] روحانی، بازرگان و یا سیاح معمولی بوده باشد، موضوع بررسی شده متغییر است، اما در [مضمون] تمامی آنها، مسئله ای به نام «اروپا محوری» مشهود است

- 7) BAUDOIN, Jean.
Histoire apologetique d'Abbas, roy de Perse, trad. de l'Italien de messire Pierre de la Valée.
Paris, 1631.
- 8) BEAUVAU, Henri, baron de.
Relation journalière du voyage du Levant faict et décrit par Messire Henry de Beauvau baron dudit lieu et de Manonville, seigneur de Fleurville.
T. I, 1608.
2^{ème} édition, Lyon, 1609.
3^{ème} édition, Paris, 1610.
4^{ème} édition, Nancy, 1615.
5^{ème} édition, Nancy, 1619.
- 9) BERNIER, François.
Histoire de la dernière révolution des Etats du Grand Mogol.
Amsterdam, 1669.
Suite des Mémoires du sieur Bernier sur l'empire du Grand Mogol.
Amsterdam, 1670.
- 10) BONNAC, Jean-Louis D'USSON, Marquis de.
Mémoire historique sur l'Ambassade de France à Constantinople, par le Marquis de Bonnac, avec un précis de ses négociations à la Porte Ottomane.
ed. Ch.Schefer, Paris, 1894.
- 11) BOULLAYE LE GOUZ, FRANÇOIS DE LA.
Les voyages et observations du sieur de La Boullaye Le Gouz, gentilhomme angevin, où sont décrites les Religions, Gouvernements & situations des Estats & royaumes d'Italie, Grèce, Natolie, Syrie, Palestine, Karamanie, Kaldée, Assyrie, Grand Mogol, Bijapour, Indes orientales des Portugais, Arabie, Egypte, Hollande, Grande Bretagne, Irlande, Dannemark, Pologne, Isles et autres lieux d'Europe, Asie & Affrique, où il a séjourné ; le tout enrichi de figures et dédié à l'éminentissime cardinal Capponi.
Paris, Clousier, 1653.
2^{de} ed., 1657, "augmentée de quantité de bons avis pour ceux qui veulent voyager".
- 12) BOURGES, R. P. Jacques de.
Relation du voyage de Monseigneur l'Eveque de Béryste par la Turquie, la Perse, les Indes jusqu'au royaume de Siam.
Paris, 1666.
Paris, 1668, réédition de l'ouvrage de 1666.
- 13) CANSERILLES, Jean BILLON de.
a - *Mémoire à Monseigneur le Marquis de Torcy, daté du 20 Mars 1715.*
Aff. Étr., CP. Perse, vol. IV, fol.30 b-32 a.
Ce mémoire, qui traite du commerce français avec la Perse, a été inclus, avec une orthographe moderne in : "Une Ambassade Persane sous Louis XIV", de M. Herbette, p.260-261.
b- *Projet de Commerce pour les Français en Perse dans le Sein persique et aux Indes.*
Aff. Étr., CP Perse, vol. I, fol. 33 b-39 a.
sans nom d'auteur ni date, mais probablement écrit par Jean Billon de Canserilles, vers 1716.

شناختی که سیاحان و مترجمین آنها از ایران کسب کرده و منتقل نموده اند، برپایه مشاهدات ایشان از شرایط اجتماعی، نظام حکومت ها کتابها، آثار هنری و نیز زندگی روزمره مردم شکل گرفته بود، و عمدتاً از این حد فراتر نمی رفت

c- *Commerce des Anglois en Perse, daté du 15 Juillet 1718.*

Aff. Etr., CP. Perse, vol.V, fol. 184b-191a.

Ce mémoire décrit le commerce de la "English East India Company" avec la Perse, celui de la Dutch East India Company et celui des Arméniens. Il donne de plus quelques détails sur le commerce de transit à travers la Russie. Bien que non signé, il est sans nul doute l'œuvre de Billon de Canserilles.

d- *Mémoire sur le Commerce de Perse.*

Ch. Schefer a inclus ce mémoire (appendice XLIX) dans son édition de : *Père Raphaël du Mans, Estat de la Perse en 1660*, p. 364-372. Il n'est pas signé, mais la similitude de vocabulaire avec a) et b) ne laisse aucun doute sur son auteur. Il n'est pas non plus daté, mais d'après son contenu, il a de toute évidence été écrit vers 1730.

14) CARNEAU, Etienne et LE COMTE François, Pères.

Les fameux voyage de Pietro della Valle, gentilhomme romain, surnommé l'illustre voyageur, avec un dénombrement très-exact des choses les plus curieuses, & les plus remarquables qu'il a veuës dans la Turquie, l'Egypte, la Palestine, la Perse, et les Indes orientales, & que les Autheurs qui en ont cy-devant escrit, n'ont jamais observées. et autres lieux.

Paris, Gervais Clouzier, 1661.

Suite des fameux voyage de Pietro della Valle, gentilhomme romain, surnommé l'illustre voyageur, avec une description très-curieuse de tous les lieux par où il a passé, de l'estime qu'il s'est acquise en la Cour de Perse, & du succes de ses negociations en faveur des Chrétiens du Païs, & des parents de M. Maani son espouse. Ensemble l'entrée magnifique des Ambassadeurs d'Espagne, de Moscovie, de Turquie, de l'Inde & du Grand Mogol dans Cazuin & Ardebil. ☪

Paris, Gervais Clouzier, 1664.

Troisiesme partie des fameux voyage de Pietro della Valle, gentilhomme romain, surnommé l'illustre voyageur, contenant la magnificence du Roy de Perse par son Entrée, & par la Reception des Ambassadeurs dans sa ville Capitale, & par les riches presens qu'il y receut ; la source des differends qui est entre les Turcs & les Perses, plusieurs Ceremonies des Chrestiens Orientaux, diverses observations fort curieuses touchant l'Astronomie et l'Astrologie, les veritables verront quelle a esté l'ancienne Persepolis, Superbe & Magnifique.

Ensemble les observations que l'Autheur fait des beautez de la Nature, des Maximes de la Morale, & de la Politique ; les disgraces de la Reyne des Georgiens, les Ceremonies que les Perses observent à la sepulture de leurs Parens, les superstitions des Indiens pour le culte de leurs Idoles, la Malignité des Sorciers & Sorcieres, par la vertu de leurs Charmes, les Avantures d'un Gentil-homme Escossois, & la Perfidie des Infideles envers les Chrestiens.

Paris, Gervais Clouzier, 1664.

Quatresme et derniere partie des fameux voyages de Pietro della Valle, gentilhomme romain, surnommé l'illustre voyageur, contenant la description des villes et des lieux les plus considerables des Indes, & de l'Intrigue de la Cour de leurs Princes, qu'il a parcourus, avec beaucoup de succès, & sous de certaines circonstances qui ne sont pas communes.

Et son heureux retour en sa ville de Rome, par l'Arabie Deserte, & les Isles de Cypre, de Sicile, de Corse, & de Malthe, dont il décrit à fond les curiosites.

Avec les Ceremonies observées aux Funerailles de Sitti Maani son Espouse, qu'il fit enterrer au Capitole.

Paris, Gervais Clouzier, 1665.

با استفاده از
اطلاعات مربوط به
جغرافیای اقتصادی،
سفرنامه‌ها
می‌توان از
امکانات تجاری‌ای
که ایران در اختیار
غربی‌ها می‌گذارد
مطلع شد.

چه کالاهایی صادر و
وارد می‌شدند؟
چه مقیاس‌ها و
جوهری رایج بود و
چگونه تبدیل
می‌شدند؟ شیوه
های تجارت
چگونه بود؟ و ...

- 15) CARRE DE CHAMBON, abbé Barthélémy.
Voyage des Indes Orientales. Mêlé de plusieurs Histoires curieuses.
 Paris, 1699.
The travels of the Abbé Carré in India and the Near East, 1672 to 1674.
 ed. Sir Charles Fawcett, III. London, 1948 (Hakluyt Society).
- 16) CERCEAU, Père J.A.
cf. Krusinski, a).
- 17) CHARDIN, Jean (puis Sir John).
Journal du Chevalier Chardin en Perse et aux Indes Orientales par la Mer Noire.
 1 - London, 1686.
 2 - Amsterdam, 1686, autre édition du même ouvrage.
 3 - London, traduction anglaise de l'ouvrage de 1686.
 4 - Lyon, 1687, édition française.
 5 - Amsterdam, 1687, traduction flamande.
 6 - Leipzig, traduction allemande.
Voyages de M. le Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient.
 7 - Amsterdam, 1711 (3 vol. in-4°, édit. complète).
 8 - Amsterdam, 1711, autre édition du même ouvrage en 10 vol. in-12.
 9 - 1718, réédition de l'ouvrage de 1711.
 10 - Paris, 1723, rééd. de l'ouvrage de 1711 en 10 vol.
 11 - Rouen, 1723, rééd. de l'ouvrage de 1711 en 10 vol.
 12 - Amsterdam, 1735, réédition en 4 vol. in-4°, (la meilleure édition).
Voyages du Chevalier Chardin en Perse, et autres Lieux de l'Orient.... Nouvelle Edition, soigneusement conférée sur les trois éditions originales, augmentée d'une Notice de la Perse, depuis les temps les plus reculés jusqu'à ce jour, de Notes, etc. par L. Langlès, 10 vol.
 Nouvelle éd. L. Langlès, 10 vol., Paris, 1811
- 18) CHARPENTIER, François (doyen de l'Académie Française)
 a) *Discours d'un fidèle sujet du roi touchant l'établissement d'une Compagnie françoise pour le commerce des Indes Orientales adressé à tous les François.*
 Paris, 1664.
 b) *Relation de l'établissement de la Compagnie françoise pour le commerce des Indes Orientales, dédiée au Roi avec le recueil de toutes les pièces concernant le même établissement.*
 Paris, 1665.
 2^{de} éd., 1666.
- 19) CHESNEAU, Jean.
Le voyage de Monsieur d'Aramon en Levant, escript par Nobel Homme Jean Chesneau, l'un des secrétaires dudit Seigneur Ambassadeur.
 ed. Ch. Schfer, Paris, 1887 (Recueil de voyages et documents pour servir à l'histoire de la géographie depuis le XIII^e siècle, jusqu'à la fin du XVI^e siècle, n° 8).
Voyage de Paris à Constantinople, celui de Perse, avec le camp du Grand Seigneur etc...
 Paris, 1759.
- 20) CLAIRAC, Louis-André DE LA MAMIE DE .
Histoire des révolutions de Perse depuis le Commencement de ce siècle.
 3 vol., Paris, 1750.

جغرافیای سیاسی
 یکی دیگر از
 جنبه‌هایی است
 که از لابلاهی
 سفرنامه‌ها
 قابل استخراج
 است و اطلاعاتی
 درباره صورت‌های
 مختلف حکومت،
 ساختار یا
 ساختارهای
 سیاسی سرزمین
 ایران و همچنین
 ملاحظاتی درباره
 انقلاب‌ها و
 شورش‌ها را
 در برمی‌گیرد

- انگیزه ها و اهداف
پدر رافائل دومان و
امثال وی باعث
می شود که آنان با
انگیزه و نگرش
خاصی با ایران
مواجه شوند و
شناختشان از این
کشور نمی توانست
در حد یک سفیر آگاه
از دیپلماسی
بین المللی و یا
حداقل، آگاه از
دیپلماسی مشرق
زمین باشد، در
صورتی که
در قسطنطنیه
[نمایندگان اروپایی]
از این آگاهی
برخوردار بودند و
چنین امری
تفاوت های
قابل توجهی را
در پی داشت
- 21) COULON, Louis
Mémoires.
Clouzier, Paris, 1648.
- 22) DAULIER-DESLANDES, André.
Les Beautez de la Perse ou Description de ce qu'il y a de plus curieux dans ce Royaume.
Paris, 1672.
- 23) DELLON, Gabriel.
Relation d'un voyage des Indes orientales...
Paris, 1685 (3 parties en 1 vol. in-12.)
Nouvelle relation du voyage fait aux Indes Orientales.
Amsterdam, 1699.
- 24) DESHA YES DE COURMENIN.
Voyage de Levant fait par le commandement du Roy en l'année 1621.
Relation du voyage de Des Hayes, écrite par son secrétaire, Paris, 1624.
2e éd., 1629, où l'auteur a ajouté
"plusieurs choses notables observées en un troisième voyage fait à Constantinople, il y a deux ans".
3e éd., 1643.
Les fameux voyages de Monsieur Deshayes.
4e éd., Paris, 1664.
- 25) DUMONT, Jean.
Corps universel diplomatique du Droit des Gens : contenant un Recueil des Traitez d'Alliance, de Paix, de Trêves, de Neutralité, de Commerce, d'Echange, etc.
vol. VIII, IIe part.
Amsterdam et La Hague, 1731.
- 26) FERMANEL.
a) *Le voyage d'Italie et du Levant.*
Rouen, 1664.
réimprimé en 1670.
b) *Observations curieuses sur le voyage du Levant fait en 1630 par Messieurs Fermanel, conseiller au Parlement de Normandie, Fauvel Maistre des Comptes, Baudouin, Sieur de Launay & Stochove, Sieur de Sainte Catherine, Gentilhomme flamand.*
Rouen, 1668.
- 27) FERRIOL, Charles, Comte de, Baron d' ARGENTAL.
Correspondance du Marquis de Ferriol Ambassadeur de Louis XIV à Constantinople, avec une introduction par M. Emile Varenbergh.
Anvers, 1870.
- 28) FEYNES, Henri de.
Voyage fait par terre depuis Paris jusques à la Chine par le Sieur de Feynes ; avec son retour par mer.
Paris, 1630.
- 29) FOREST MOUËT DE BOURGON, Jacques de la.
Relation de Perse, où l'on voit l'état de la Religion dans la plus grande partie de l'Orient.
Angers, 1710.

از قرن چهاردهم میلادی به بعد، مردم شهرهای ایتالیایی مانند: رم، ونیز، ژنوا و بولونیا و از اواخر قرن پانزدهم میلادی به بعد، مردم اسپانیا و پرتغال، نمایندگانی را به ایران می فرستادند، این نمایندگان غالباً یا نماینده سیاسی بودند و یا افراد روحانی اما تعدادی بازرگان نیز در بین آنها به چشم می خورد. در قرن چهاردهم، تعدادی از اتباع انگلیس و هلند، که غالباً بازرگان بودند، به نوبه خود به ایران سفر کردند و در اوایل قرن شانزدهم بازرگانان این دو کشور نمایندگی هایی تجاری که در بندر عباس و سپس در شیراز و اصفهان تأسیس نمودند

30) FRIZON, Père Nicolas, S. J.
cf. Villote.

31) GABRIEL DE CHINON, Père.

Relations nouvelles du Levant ou traités de la religion, du gouvernement et des coutumes des Perses, des Arméniens et des Gaures. Avec une description particulière de l'établissement et des progrès que y font les missionnaires et diverses disputes qu'ils ont eu avec les Orientaux. Composés par le P.G.D.C.C. (Père Gabriel de Chinon Capucin) et donnés au public par le sieur L.M.P.D.E.T. (Louis Moreri prêtre, Docteur en théologie).

Lyon, 1671.

32) GARDANE, Ange de, Chevalier de Sainte-Croix.

1) *Nouvelles de Perse.*

Lettres qu'Ange de Gardane envoya à Paris de 1718 à 1722.

MS, Aff. Étr., Paris, CP Perse, vol. V et VI.

2)- *Relation de la bataille des Perses avec les Arzévans.*

Aff. Étr., CP Perse, vol. VI, fol. 148b-153b.

Relation envoyée par Ange de Gardane, qui en est l'auteur probable.

3) *Journal, qu'Ange de Gardane, sans doute avec l'aide de Joseph Apisalaïmian, écrivit par intervalles de Mars à Juillet 1722, pendant le siège d'Ispahan.*

MS, Aff.Étr., Paris, CP Perse, vol. VI, fol. 175-180.

33) GAUDEREAU, Abbé Martin.

a) *Relation de la Mort de Schah Soliman Roy de Perse et du Couronnement de Sultan Ussain son fils, avec plusieurs particularitez touchant l'état présent des affaires de la Perse et le détail des Cérémonies observées à la Consécration de l'Evesque de Babylone à Zulpha les Hispahan.*

Paris, 1696.

b) *Relation d'une Mission faite nouvellement par Monseigneur l'Archevesque d'Ancyre à Ispahan en Perse pour la Réunion des Arméniens à l'Eglise Catholique.*

Paris, 1702.

Une version quelque peu condensée de la première partie de cette relation forme l'appendice L de l'édition par Schefer de : *Père Raphaël du Mans, Etat de la Perse en 1660*, p.373-376. Elle est intitulée :

Relation du voyage de l'Archevesque d'Ancyre, envoyé légat du Pape et ambassadeur extraordinaire de Sa Majesté Impériale, vers le Grand Sophy de Perse : où l'on verra de quelle manière ce légat du Saint-Siège a été reçu dans le Royaume de Perse, et son entrée dans Hispahan, ville capitale de Perse.

c) *Relation de Perse, écrite par un Missionnaire à un de ses Amis en France.*

Sans lieu ni date de publication, mais l'ouvrage fut probablement publié à Paris entre 1700 et 1702.

d) *Mémoire, écrit à Amboise le 25 Janvier 1715, sur l'alliance proposée entre la France et la Perse contre les Arabes de Muscat*

MS, Aff. Étr., CP Perse, vol. III, fol. 386b-388a.

34) GUIGNARD, François Emmanuel de, Comte de SAINT-PRIEST.

Mémoires sur l'Ambassade de France en Turquie et sur le Commerce des Français dans le Levant, par M. le Comte de Saint-Priest.

Paris, 1877, 1ère partie.

35) IBRAHIM MUTAFARRIQA.

Târîh-i-Sayyâh dar bayân-i-zuhûr-i-Aghvâniyân u sabab-i-Inhidâm-i-Daulat-i-Shâhân-i-Safaviyân.

باید اذعان بداریم
که انگیزه دعوت
به دین مسیحی،
جایگاه نخست را
در بین عوامل
تعیین کننده
این سفرها و
سفرنامه‌ها
به خود اختصاص
داده است

نباید فراموش کرد
دورانی که
نویسندگان
بدان تعلق دارند،
عامل تعیین کننده ای
در [نوشته هایشان]
است.
همچنین توصیف
ارائه شده از
مشرق زمین
برحسب
موقعیت اجتماعی
و یا طبقه اجتماعی
مؤلف متغییر است و
نیز، موضوع
بررسی شده،
بسته به هدف مؤلف
[از سفر به ایران]
تغییر می کند:
ایرانی که بازرگانی
چون تاورنیه
توصیف نموده است
با ایرانی که
روحانی ای چون
پدر پاسیفیک دوپرون
بررسی کرده
تفاوت دارد،
به عبارتی دیگر،
از دو زاویه متفاوت
به این کشور
نگریسته شده است

Traduction turque de la recension faite par le père du Cerceau des
mémoires du Père Kruzinski.

cf. Kruzinski.

- 36) JERÔME FRANÇOIS DE SAINT JOSEPH, Père
*Extrait d'une lettre écrite d'Amadan le 30 août 1725 par un Religieux Carme
Déchaussé, qui étoit dans Ispaham pendant le siège de cette dernière Ville.*
in "Mercure de France", Septembre 1726.

37) JESUITES.

a)-Nouveaux Mémoires des Missions de la Compagnie de Jésus.
Paris, 1723, renfermant :

- 1 - Lettre du Père Monier, de la Compagnie de Jésus, au Père Fleuriau, de la même
Compagnie p.1.
Cette lettre annonce le mémoire qui suit :
2 - Etat présent de l'Arménie p.7.
3 - Mémoire de la mission d'Erivan. p. 421-449.
4 - Lettre du Père Ricard, Missionnaire de la Compagnie de Jésus, du 7 Août
1697 p. 438-450.

b) Lettres Edifiantes et Curieuses écrites des Missions étrangères.
Nouvelle éd. Mémoires du Levant, T.IV, Paris, 1780.

- 1 - Journal du voyage du Père Monier d'Erzeron à
Trébizonde p.1-13
2 - Mémoire de la Province du Sirvan, en forme de lettre adressée au Père
Fleuriau p.13-53.
3 - Journal du voyage du Père de la Maze de Chamakié à Ispahan, par la province
du Guilan. 1698 p.53-113.
4 - Lettre du Père Bachoud, Missionnaire de la Compagnie de Jésus en Perse :
écrite de Chamakié, le 25 Septembre 1721, au Père Fleuriau p.113.
5 - Lettre du R.P. H.B***, Missionnaire en Perse, à M. le Comte
de M** p.125-168.
6 - Relation historique des révolutions de Perse, sous Thamas Koulikan, jusqu'à son
expédition dans les Indes ; tirée de différentes lettres écrites de Perse par des
Missionnaires Jésuites p.169-229.

38) KRUSINSKI, P.Judasz Tadeusz.

a)-Histoire de la dernière Révolution de Perse.

2 vol. La Hague, 1728 (recension par le Père J. A. du Cerceau, S.J.
de la traduction française par Bechon des mémoires de Krusinski).
Trad. anonyme en Anglais sous le titre :

*The history of the Late Revolution of Persia, taken from the memoirs of Father
Krusinski, Procurator of the Jesuits at Ispahan.*

Londres, 1728, et Dublin, 1729.

2nd ed. London, 1740, repr. New-York, 1973.

b)-Tâ'rikh-i-Sayyâh.....

cf. Ibrâhîm Mutafarriqa.

c)-Tâ'rikh-i-Sayyâh : Hoc est Chronicon Peregrinantis seu Historia ultimi Belli
Persarum cum Aghwanis gesti, a tempore primae eorum in Regnum Persicum ir-
ruptionis ejusque occupationis, usque ad Eschrefum typographica recenti
Comstantinopolitana impresso, versa ac notis quibusdam illustrata, cum Tabula
Imperatorum Familiae Othmanicae, ex Codice Manuscripto Turcico, in fine ad-
jecta studio et opera Joh. Christ. Clodii, Prof. Publ. Lingua Arabicae in Academia
Lipsiensi.

در قرن چهاردهم میلادی، نخستین کسانی که بین دنیای غرب و ایران رابطه برقرار کردند روحانیون کاتولیک بودند. این روحانیون، به دلیل وظایف خود، با افراد سطوح مختلف جامعه در ارتباط بودند و از حقایق زندگی روزمره آنها اطلاع داشتند. نوشته های آنان به زبان فرانسه (یا لاتین) منعکس کننده تصویری است که آنها در آن زمان از ایران، فرهنگ این کشور و باورهای رایج در آن داشتند. همچنین، این آثار بیانگر چگونگی برخورد روحانیون با ایرانیان هستند

Traduction latine par J.C. Clodius du texte Turc de Târikh-i-sayyâh, Leipzig, 1731.

d)-*Basîrat-nâma dar gudhârish u istîlâ-yi-Afghân bar Isfahân dar zamân-i-Daulat-i-Shâh Sultân Husain.*

Trad.persane sous forme abrégée du texte turc de Tâ'rikh-i-Sayyâh, par 'Abd al-Razzâq ibn Najaf Qulî, BM. MS. Suppl. Rieu n° 63.

e)-*Tragica vertentis Belli Persici Historia per repetitas clades, ab anno 1711 ad annum 1728 Auctores typis Auctior Authore Patre Thaddaeo Krusinski Societatis Jesu Missionario Persico, accessit ad eandem Historiam Prodromus iteratis typis subjectis.*

Leopoli, 1740.

f)-*The Chronicles of a Traveller :or a History of the Afghan wars with Persia in the beginning of the last Century, from their Commencement to the Accession of Sultan Ashruf.*

Trad.Anglaise par George Newnham Mitford de la traduction latine par J. C. Clodius du texte turc de Tâ'rikh-i-sayyâh, Londres, 1840.

39) LABAT, père Jean-Baptiste.

Mémoires du Chevalier d'Arvieux, envoyé extraordinaire du Roy à la Porte, Consul d'Alep, d'Alger, de Tripoli, & autres Echelles du Levant. Contenant ses voyages à Constantinople, dans l'Asie, la Syrie, la Palestine, l'Egypte, & la Barbarie, la description de ces Païs, les Religions, les mœurs, les coûtumes, le Négoce de ces peuples, & leurs Gouvernemens, l'Histoire naturelle & les événemens les plus considerables, recûeillis de ses Memoires originaux, & mis en ordre avec des réflexions. Par le R. P. Jean-Baptiste Labat de l'Ordre des Freres Prêcheurs.

Paris, 1735, 6 vol. in-12.

T. 6, p. 81 ;

Histoire abrégée de Monsieur François Picquet Evêque de Césarople, Vicaire Apostolique de Babilone, & Visiteur General de la part de Sa Sainteté en Orient.

p. 91-105 et 123-133 ;

Lettres écrites par François Picquet à d'Arvieux, alors Consul de France à Alep.

p. 138-178 ;

Lettre de M. l'Evêque de Césarople Ambassadeur du Roi auprès du Roi de Perse, contenant la Relation de son arrivée en Perse, & celle du Roi des Yusbeks à Ispaham.

40) LABROSSE, Joseph.

cf. Ange de Saint-Joseph.

41) LALAIN, Nicolas Claude de.

Lettres de de Lalain et de de La Boullaye Le Gouz au Roi et à M. de Lionne.

Arch. du Min. des Aff. Étr.

Publiées par Ch. Schefer dans l'appendice de son édition de P.Raphaël du Mans, p.290-320.

42) LEFEVRE DE FONTENAY.

Journal Historique du Voyage et des Aventures singulières de l'Ambassadeur de Perse en France, augmenté et corrigé sur de nouveaux mémoires.

Mercure Galant, n° spécial adjoint au n° de février 1715.

Paris, mars 1715, D. Jollet et J. Lamesle.

43) LETTRES

a - à Louis de l'Estoile, Paris, le 29^e Octobre 1664.

Arch. Min. Aff. Étr., Paris.

اگرچه در آثار

این مؤلفین

برحسب این که

مؤلف [یک شخص]

روحانی، بازرگان و

یا سیاح معمولی

بوده باشد،

موضوع بررسی

شده متغییر است،

اما در [مضمون]

تمامی آنها،

مسئله ای به نام

«اروپا محوری»

مشهود است

انگیزه ها و اهداف
 پدر رافائل دومان و
 امثال وی باعث می
 شود که آنان با انگیزه
 و نگرش خاصی با
 ایران مواجه شوند و
 شناختشان از این
 کشور نمی توانست
 در حد یک سفیر آگاه
 از دیپلماسی بین
 المللی و یا حداقل،
 آگاه از دیپلماسی
 مشرق زمین باشد،
 در صورتی که در
 قسطنطنیه
 [نمایندگان اروپایی]
 از این آگاهی
 برخوردار بودند و
 چنین امری تفاوت
 های قابل توجهی را
 در پی داشت

b - *du Roy de Perse au Roy, le 5^e Novembre 1685, interprétée du persien, par Pétis de la Croix, le fils.*

(Réponse de Sâh Soleymân à la lettre de Louis XIV).

Arch. Min. Aff. Étr., Paris.

c - *par laquelle F. Picquet rend compte de son audience.*

Arch. Min. Aff. Étr., Paris.

Publiées par Ch. Schefer, en appendice à son édition de *P. Raphaël du Mans, Estat de la Perse en 1660*, p.289-290, 340-342, 339-340.

44) LUCAS, Paul.

Voyage du Sieur P. Lucas au Levant.

2 vol. in-12, avec carte et figures, Paris, 1704, (le vol. II contient la description de la Perse.)

Voyage du Sieur P. Lucas au Levant.

ed.C.C. Baudelot de Dairval,

La Hague 1705.

cf. Baudelot de Derval.

Voyage en Grèce, Asie Mineure, Macédoine et Afrique.

2 vol. in-12, avec carte et figures, Paris, 1708.

Paris, 1714, réédition de l'ouvrage de 1704.

Voyage dans la Turquie, l'Asie, la Sourie, Palestine, Haute et basse Egypte.

3 vol. in-12, avec carte et figures, Paris, 1719.

Voyage du Sieur Paul Lucas au Levant.

Paris, 1731 (le vol. II sur la Perse).

Un autre voyage, non publié.

45) LULLIER-LAGAUDIERS.

Nouveau voyage du Sieur Luillier aux Grandes Indes, avec une instruction pour le commerce des Indes orientales, et la description de plusieurs isles villes et rivières, l'histoire des plantes et des animaux qu'on y trouve..

Paris, 1705, in-12.

Autre édition où la table des matières de l'édition française est remplacée par l'opuscule :

Traité des maladies particulières aux pays orientaux et dans la route, et de leurs remèdes, par M. C. D. (Claude Dellon) E. M. (docteur en médecine)

Rotterdam, 1726,

Nouveau voyage etc...

Autre édition sans nom d'auteur, Rotterdam, 1742.

46) MACHAULT, Père Jacques de.

a rédigé la relation de voyage du Père Alexandre de Rhodes, sous le titre :

Relation de la mission des Pères de la Compagnie de Jésus établis dans le royaume de Perse par le R.P. Alexandre de Rhodes dressée et mise au jour par un Père de la mesme Compagnie.

Paris, 1659.

47) MAIGRET, George (Dr. théologien et Prieur de St. Augustin lez Liège).

Briefves relations des progrès de l'évangile au royaume des Perses en la conversion des Mores, préparation des Perses à la moisson évangélique et en la reunion des Arméniens avec l'Eglise de Rome, par les frères hermites de St. Augustin. Item les grandes conquêtes du Grand Roy de Perse sur nos communs ennemis les Turcs.

Liège, 1610.

- احتمال دارد که پیش از سلطنت لویی سیزدهم نیز
فرستادگانی فرانسوی به ایران رفته باشند ولی در بایگانیها
هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهنده مأموریتی متقدم تر از
مأموریت «دمی دو کورمنن» باشد. اسنادی که در آنجا وجود دارد و
به منافع فرانسه در ایران مربوط می شوند همگی به دوران
بعد از مأموریت دمی تعلق دارند

- 48) MARTIN DE VITRÉ, François.
Description du premier voyage fait aux Indes orientales par un Français, en l'an 1603 par Martin de Vitré.
Paris, 1604.
2ème édition, Paris, 1609.
- 49) MAZÉ, Père Jean Baptiste de la, S. J.
a) *Journal du Voyage du Père de la Maze de Chamaké à Hispaham (1698-1699).*
in *Nouveaux Mémoires III*, p. 393-482 ;
abrégé in :
b) *Lettres Edifiantes et Curieuses, écrites des missions étrangères.*
Journal du Voyage du Père de la Maze de Chamaké à Ispahan par la Province de Guilan.
Paris, (vol. IV, p. 53-112), 1780.
cf. Jésuites.
- 50) MICHEL, Pierre Victor.
Mémoire du Sr. Michel sur le voyage qu'il a fait en Perse en qualité d'Envoyé extraordinaire de Sa Majesté dans les Années 1706, 1707, 1708 et 1709.
MS Bibliothèque Nationale, Paris, Fonds français, n° 7200.
- 51) MORISOT, CLAUDE BARTHÉLÉMY.
Relation d'un voyage de Perse fait es années 1598 et 1599 par un gentil-homme de la suite du Seigneur Scierley Ambassadeur du Roy d'Angleterre.
cf. Abel Pincon.
dans un recueil contenant plusieurs relations qu'il a rédigées d'après les notes de divers voyageurs, intitulé :
Relations véritables et curieuses de l'isle de Madagascar et du Brésil, avec l'histoire de la dernière guerre faite au Brésil, entre les Portugais & les Hollandais, trois relations d'Egypte et une du Royaume de Perse.
Imprimé par Auguste Courbé, Paris, 1651.
- 52) MOSNIER, Père Léonard, S. J.
a) *Journal du Voyage du Père Monier d'Erzeron à Trébizonde.*
in *Nouveaux Mémoires de la Société de Jésus dans le Levant*, III, p.314-332.
b) *Lettre au Père Fleuriau.*
ibid, p.1-126.
cf. Jésuites.
- 53) PACIFIQUE DE PROVINS, Père.
a) - *Lettre du père Pacifique de Provins, prédicateur capucin, estant de présent à Constantinople, envoyée au R. P. Joseph le Clerc, prédicateur du mesme ordre et deffiniteur de leur procure de Tours. Sur l'estrangere mort du Grand Turc, empereur de Constantinople.*
Paris, 1622.
b) - *Lettre écrite au Père Gardien des Capucins de Messine par le Père Pacifique de l'Escalle, président de la mission des Capucins envoyez de leur Père Général pour establir la Religion Catholique, Apostolique et Romaine au Royaume du Turc et autres Royaumes. Envoyée en France par le Grand Maistre de Malte, et traduit d'italien en François.*
Paris, 1628.
c) - *Relation du Voyage de Perse fait par le R.P. Pacifique de Provins, prédicateur capucin, où vous verrez les remarques particulières de la Terre Sainte et des lieux où se sont operez plusieurs miracles depuis la création du monde jusques à la*

«رساله» های
متعددی درباره
تجارت های ممکن
در ایران،
یا به صورت
دست نوشته در
آرشیوهای مربوط
به ایران و یا
به صورت
انتشار یافته،
[از آن دوران]
به جای
مانده است.
هدف آنان،
این بود که
قوانین لازم برای
بهترین تجارت
ممکن در
خاور زمین را
بشناسانند و یا
اینکه، بدون این که
خود را به
دانش نظری
مقید سازند،
به صورت
عمل گرایانه
به توصیف کالاهای
قابل ارائه و
جزئیات
چنین تجارتی
پردازند

با استفاده از
اطلاعات مربوط به
جغرافیای اقتصادی،
سفرنامه‌ها می‌توان
از امکانات تجاری
ای که ایران در
اختیار غربی‌ها
می‌گذارد مطلع شد.
چه کالاهایی صادر و
وارد می‌شدند؟
چه مقیاس‌ها و
وجوهی رایج بود و
چگونه تبدیل می
شدند؟ شیوه‌های
تجارت
چگونه بود؟ و ...

mort et passion de Nostre Seigneur Jésus-Christ. Aussi le commandement du Grand Seigneur Sultan Murat pour establir des couvens de Capucins par tous les lieux de son Empire. Ensemble le bon traitement que le Roy de Perse fit au R.P. Pacifique, luy donnant un sien palais pour sa demeure avec permission aussi de bastir des monastères par tout son royaume et finalement la lettre et présent qu'il luy donna pour apporter au Roy Très-Chrézien de France et de Navarre Louis XIII, avec le testament de Mahomet que les Turcs appellent sa main et signature qu'il fit avant de mourir.

1 - Paris, 1631.

2 - L'année suivante, parut à Lille, une nouvelle édition, dédiée à Albert-Henri, prince de Ligne.

3 - Paris, 1645, réédition de l'ouvrage de 1631.

54) PADERY, Etienne.

a) *Mémoire sur les Monoyes de Perse.*

MS. Aff. Étr., CP Perse, vol.V, fol. 219b, sans date, mais vers 1718.

b) *Compte au Roi.*

Aff. Étr., CP Perse, vol.VI, fol. 406 a-440 a, sans date, mais vers 1725.

c) *Nombreuses dépêches et rapports de Šamâxi, Isfahân, Šîrâz, etc.*

Aff. Étr., CP Perse, vol.V et VI.

d) *Les "Papiers de Padéry".*

Arch. Nat., Paris, A.F. IV, 1686, 4^e dossier.

55) PAUL, Pierre.

a - *Relation de cinq Persans convertis et batisés par les Carmes Déchaussés en la mission de Perse à Ispahan.*

Paris, 1623.

b - *Relation du voyage de Perse faict par un prédicateur capucin.*

Lille, 1632.

c - *Relation des voyages des pères de la Compagnie de Jésus dans les Indes orientales et la Perse.*

Paris, 1656.

56) PETIS DE LA CROIX.

Extrait du journal du sieur Pétis, fils, professeur en arabe, et secrétaire interprète entretenu en la marine, renfermant tout ce qu'il a vu et fait en Orient, durant dix années qu'il y a demeuré par l'ordre de Sa Majesté, présenté à Monseigneur Phélippeaux, secrétaire d'Etat, en 1694.

publié en 1810 par M. Langlès, à la suite de la Relation de Dourry Efendy.

57) PEYSSONNEL, C.C. de.

Essai sur les Troubles actuels de Perse et de Géorgie.

Paris, 1754.

58) PHILIPPE de la TRES SAINTE TRINITÉ, Père.

Itinerarium orientale, in quo varii itineris successus, plures Orientis regiones, earum montes, maria et flumina, series principum qui in eis dominati sunt, incolae tam christiani quam infideles, populi, animalia, arbores, plantae et fructus, religiosorum in Oriente missiones ac varii celebres eventus describuntur.

Lyon, 1649.

Traduit en français par le P. Pierre de Saint- André, sous le titre :

در سال ۱۶۲۶، در زمان پادشاهی لوئی سیزدهم، دولت فرانسه برای نخستین بار تصمیم گرفت که یک مأمور رسمی را به ایران بفرستد. این مأموریت به پیشکار پادشاه، جناب دمی دوکورمنن سپرده شد. هدف مورد نظر این بود که به بهانه استقرار مجدد مبعوضان در ایران و جلب حمایت ایران از مذهب کاتولیک، مناسبات تجاری با ایران برقرار شود

Voyage d'Orient du R.P. Philippe de la Très Sainte Trinité, carme déchaussé, où il décrit les divers succez de son voyage, plusieurs régions d'Orient, leurs montagnes, leurs mers et leurs fleuves, la chronologie des Princes qui y ont dominé, leurs habitans tant chrétiens qu'infidèles, les peuples, les animaux, les arbres, les plantes et les fruits, les missions des religieux en Orient et divers événements célèbres, composé, revue et augmenté par luy-mesme et traduit du Latin par un Religieux du mesme Ordre.

Lyon, 1652 et 1669.

Traduit en italien et publié à Rome, 1666, et à Venise, 1667.

3 éd. allemandes, Francfort, 1671, 1673, 1696.

cf. Pierre de St André.

59) PICQUET, Mgr. François.

Lettre au Roy par laquelle F. Picquet rend compte de son audience a Spahan, ce 20 Janvier 1683.

Publiée par Ch. Schefer dans son éd. de P. Raphaël du Mans, *Estat de la Perse en 1660*, p. 339-340.

60) PIERRE DE SAINT-ANDRE, Père.

Traduction en français de :

Voyage d'Orient du R.P. Philippe de la Très Sainte Trinité.

dédiée à Paul-Albert de Fourbin, grand Prieur de Saint-Gilles.

Lyon, 1652 et 1669.

cf. Philippe de la Sainte Trinité.

61) PINCON, Abel.

Relation d'un voyage en Perse fait ès années 1598 et 1599 par un gentilhomme de la suite du Seigneur Scierley, ambassadeur du roy d'Angleterre, rédigée par Cl. Barth. Morisot.

Paris, Auguste Courbé, 1651.

cf. Claude Barthélémy Morisot.

62) PITTON DE TOURNEFORT, Joseph .

Relation d'un voyage du Levant.

Paris, 1717.

Seconde édition à Lyon, 1717.

Lyon, 1727, réédition de l'ouvrage de 1717.

63) POSTEL, Guillaume.

Entrée solennelle faite à Rome aux ambassadeurs du roi de Perse, le 5 avril 1601.

Rouen, 1601.

64) POULLET.

a) - *Nouvelles relations du Levant qui contiennent diverses remarques fort curieuses touchant la religion, les moeurs et la politique de plusieurs peuples avec une exacte description de l'empire du Turc en Europe et plusieurs choses curieuses remarquées pendant huit ans de séjour, avec une dissertation sur le commerce des Anglais et des Hollandais dans le Levant. Première partie des voyages du sieur Poullet, enrichie de cartes et de figures.*

b) - Second volume dédié au premier Président de Lamoignon :

Exacte description de l'Asie Mineure ou Natolie, des deux Arménies, du Courdistan, du Diarbek et autres provinces méditerranéennes de l'Asie, du royaume de Perse.

Les 2 vol., Paris, 1668.

از قرن چهاردهم

میلادی به بعد،

مردم

شهرهای ایتالیایی

مانند: رم، ونیز، ژنوا

و بولونیا و

از اواخر

قرن پانزدهم

میلادی به بعد،

مردم اسپانیا و

پرتغال، نمایندگان

را به ایران

می فرستادند،

این نمایندگان غالباً

یا نماینده سیاسی

بودند و یا افراد

روحانی اما تعدادی

بازرگان نیز در بین

آنها به چشم

می خورد.

در قرن چهاردهم،

تعدادی از اتباع

انگلیس و هلند،

که غالباً بازرگان

بودند، به نوبه خود

به ایران سفر

کردند و در اوایل

قرن شانزدهم

بازرگانان

این دو کشور

نمایندگی های

تجاری

در بندرعباس و

سپس در شیراز و

اصفهان تأسیس

نمودند



منظره‌ای از شهر بندرعباس (عکس از سفرنامه یان اشترویس، ۱۶۷۱ م / ۱۰۸۲ هـ، سیاح و نقاش ماجراجوی هلندی)

- در قرن چهاردهم
میلاادی،
نخستین کسانی که
بین دنیای غرب و
ایران رابطه برقرار
کردند روحانیون
کاتولیک بودند.
این روحانیون،
به دلیل وظایف خود،
با افراد سطوح
مختلف جامعه در
ارتباط بودند و
از حقایق زندگی
روزمره آنها
اطلاع داشتند.
نوشته‌های آنان
به زبان فرانسه
(یا لاتین)
منعکس کننده
تصوری است که
آنها در آن زمان
از ایران،
فرهنگ این کشور و
باورهای رایج
در آن داشتند.
همچنین،
این آثار
بیانگر چگونگی
برخورد روحانیون
با ایرانیان هستند.
- 65) RAPHAËL DU MANS, Père.
1) *Estat de la Perse en 1660, par le Père Raphaël du Mans Supérieur de la Mission des Capucins d'Ispahan.*
publié avec notes et appendice par Ch. Schefer.
ed. Ch.Schefer, Paris, 1890.
2) *Raphaël du Mans missionnaire en Perse au XVIIe s.*
ed. F. Richard, *Moyen Orient & Océan Indien, ed. de l'Harmattan, Paris, 1996.*
- 66) RAYNAL, Abbé Guillaume Thomas François.
Histoire philosophique et politique des établissements des Européens dans les deux Indes.
Amsterdam, 1770, sans nom d'auteur. Puis 4 ou 5 éditions anonymes.
Genève, 1780, 10 vol. in-8° ou 4 vol. in-4° avec un atlas, le nom et le portrait de l'auteur.
Neuchâtel, 1785, 10 vol. in-8°.
A Philosophical and Political History of the Settlements and Trade of the Europeans in the East and West Indies. Translated from the French by J. Justamond.
vol.I, London, 1776.
- 67) REINAUD, M.
Relation des voyages faits aux Indes orientales, par un gentilhomme François... avec une hydrographie pour l'intelligence du dit voyage.
Paris, 1646.
- 68) REUILLY, Père J. de.
Lettre du R. P. Joseph de Reuilly, écrite au R. P. Eusèbe, supérieur des Capucins à Tripoli, datée d'Alep le 11 Juin 1726 contenant quelques particularités sur les affaires de Perse, &...
Mercure de France, Janvier 1727.
deux autres du 15 janvier 1728 et du 28 août 1728.
- 69) REYNAL, Père.
a) *Relation historique du Détrônement du Roy de Perse et des Révolutions arrivées pendant les Années 1722, 1723, 1724 et 1725.*
Paris, 1727.
La même année, une traduction Anglaise fut publiée à Londres, sous le titre :
An Historical Account of the Revolution in Persia in the Years 1722, 1723, 1724 and 1725.
A peu près à la même époque, une version Espagnole, semblable à la précédente, mais non identique, parut à Madrid, sous le titre :
Relacion historica de las Ultimas Revoluciones succedidas en Persia, desde el Ano de 1722 hasta el de 1725. Recopila da de cartas escritas por un Religioso Misionero, que fue testigo de vista de los principales acaecimientos, que se refieren en ella.
Ce texte Espagnol renferme quelques additions relatant des événements postérieurs à 1725, y compris la victoire d'Aśraf sur Ahmed Pâšâ.
b) *Suite de la Relation du Détrônement du Roy de Perse, avec la liste de ceux qui y ont péri.*
Paris, 1727.
- 70) RICARD, Père.
Lettre du 7 Août 1697.



نمایی از قم (عکس از سفرنامه شاردن)

in Nouveaux Mémoires de la Société de Jésus, dans le Levant, III, p. 253-271.
et Nouveaux Mémoires des Missions, vol.II.

cf. Jésuites.

- 71) ROUSSEAU, Jean-François-Xavier.
Sur les rapports politiques de la France avec la Perse et sur les traités conclus entre ces deux puissances en 1708 et 1715.
Arch. Aff. Étr., Mémoires et documents, Perse vol. 1, fol. 114-137, 1804.
- 72) SAINT-PRIEST, Comte de.
cf. Guignard, François Emmanuel de.
- 73) SANSON, Père N.,
Voyage ou Relation de l'Etat présent du Royaume de Perse, avec une dissertation curieuse sur les mœurs, religion et gouvernement de cet Etat, par M. Sanson. Enrichi de figures.
Paris, 1694.
Voyage ou Relation de l'Etat présent du Royaume de Perse
Paris, 1695.
- 74) TALLEMAND, abbé de (attribué à).
Memoires de Shâh Tahmas II, Empereur de Perse, écrits par lui-même et adressés à son Fils.
2 vol. Paris, 1758.
- 75) TAVERNIER, Jean-Baptiste.
Les six voyages de J. B. Tavernier, écuyer, baron d'Aubonne, qu'il a fait en Turquie, en Perse et aux Indes, pendant l'espace de quarante ans.
1 - Paris, 1676.
Relation d'un voyage fait aux Indes Orientales.
2 - Paris, 1677.
Les six voyages de Jean-Baptiste Tavernier.
3 - 3 vols., Paris, 1679, réédition de l'ouvrage de 1676.
4 - 1681, réédition suivant la copie imprimée à Paris, sans lieu.
5 - 1682, réédition de l'ouvrage de 1676, sans lieu.
6 - 1692, autre édition suivant la copie de Paris, sans lieu.
7 - Paris, 1713, réédition de l'ouvrage de 1676, (3 vol.)
8 - Rouen, 1713, réédition de l'ouvrage de 1676.
9 - Rouen, 1724, réédition en 6 vol.
10 - Nouvelle édition, avec introduction et notes de Stéphane Yierasimos, Paris, F.Maspero, 1981 (La Découverte, 32 et 33) ; 2 vol., 6 cartes.

- 76) THEVENOT, Jean de.
1ère partie de ses Voyages, intitulée :
Relation d'un voyage fait au Levant dans laquelle il est curieusement traité des Estats du Grand Seigneur, des moeurs, religions, forces, gouvernements, politiques, langues et coustumes des habitans de ce grand empire et des singularitez particulières de l'Archipel, Constantinople, Terre Sainte, Egypte, Pyramides, Mumies, désert d'Arabie, la Meque et plusieurs autres lieux de l'Asie et de l'Afrique, remarquées depuis peu, et non encore décrites jusques à présent outre les choses mémorables arrivées au dernier siège de Bagdad, les ceremonies faites aux réceptions des ambassadeurs du Mogol et l'entretien de l'auteur avec celui du Pretejan où il est parlé des sources du Nil.

در سال ۱۶۲۶،
در زمان پادشاهی
لوئی سیزدهم،
دولت فرانسه
برای نخستین بار
تصمیم گرفت که
یک مأمور رسمی را
به ایران بفرستد.
این مأموریت به
پیشکار پادشاه،
جناب دهی دوکورمنن
سپرده شد.
هدف مورد نظر این
بود که به بهانه
استقرار مجدد
میسوینرها در ایران
و جلب حمایت ایران
از مذهب کاتولیک،
مناسبات تجاری
با ایران
برقرار شود

تصویرپردازی
 انجام شده در
 این آثار از دو جهت
 قابل توجه است:
 نخست اینکه
 این تصویرپردازی،
 ذهن خواننده را
 مجذوب می کرد و
 به قوه تخیل وی
 بال و پر می بخشید.
 در عین حال،
 این تصویرپردازی
 ذهن غربیان را
 گرفتار می کرد و
 آنان نمی توانستند
 نگاه خود را از
 تصویری که
 خودشان ایجاد
 کرده بودند برهانند.
 احتمالاً نگاه
 شرقیان نیز
 گرفتار چنین
 مشکلی شد و
 همانطور که
 یراسموس
 احتمال می دهد
 آنها به نوعی
 درگیر تصاویری
 شدند که سیاحان
 غربی از
 سرزمینشان
 ترسیم کرده بودند

Paris, 1664.
 Rouen, 1665, autre édition du même.

2ème partie :

Suite du voyage du Levant... (qui inclut la Perse).

Paris, 1674.

Troisième partie des voyages de M. Thévenot..

(qui contient la description de l'Indoustan).

Paris, 1684.

The travels of M. Thévenot into the Levant (trad. anglaise).

London, 1687, 3 parts.

Edition complète des Voyages de Thévenot, par Luisandre et Pétis de la Croix, le père.

1 - Paris, 1689.

2 - Amsterdam, 1705, réédition de l'ouvrage publié en 1689.

3 - Amsterdam, 1723, réédition de l'ouvrage publié en 1689.

4 - Paris, 1725, réédition de l'ouvrage publié en 1689.

Voyages en Europe, Asie et Afrique.

5 - Amsterdam, 1727, deux rééditions de l'ouvrage publié en 1689.

6 - Paris, 1729, réédition de l'ouvrage publié en 1689.

Voyage du Levant.

7 - Réédition du premier volume des voyages de Thévenot, introduction et notes de Stéphane Yerasimos, Paris, F. Maspero, 1980 (La Découverte, 26), 354 p., 2 cartes.

77) THEVENOT, Melchisedech.

Relations de divers voyages curieux qui n'ont point été publiées et qui ont été traduites d'Hacluyt, de Purchas, et d'autres voyageurs anglais, hollandais etc... ou tirées des originaux.

Paris, 1663-1696, 4 parties, en 2 vol.

Relation de divers voyages curieux qui n'ont point été publiés et qu'on a traduits ou tirés des originaux des voyageurs français, espagnols, allemands, portugais, anglais, hollandais, persans, arabes et autes Orientaux, le tout enrichi de figures de plantes non décrites, d'animaux inconnus à l'Europe et de cartes géographiques.

Paris, 1696.

T.I, le partie, p.17-45 : trad. française abrégée des

Relations de Jenkinson.

Traduction qui a été insérée dans le T. IV du

Recueil des Voyages au Nord contenant divers mémoires tres-utiles au commerce et à la navigation.

Amsterdam, 1732, p.470-516.

78) VAN DER AA, Pierre

Recueil de divers voyages faits en Tartarie, en Perse et ailleurs

2 vol., Leyden, 1729.

79) VILLOTTE, Père Jacques, S. J. (attribué à).

Voyages d'un Missionnaire de la Compagnie de Jésus en Turquie, en Perse, en Arménie, en Arabie et en Barbarie.

Paris, 1730.

cf. Frizon.

80) WICQUEFORT, Abraham de.

a) *L'ambassade de Don Garcia de Silva Figueroa en Perse, traduit de l'espagnol par M. de Wicquefort.*

Paris, 1667.

Paris, 1669, réédition de l'ouvrage de 1667.

b) *Relation du voyage de Perse et des Indes orientales, traduite de l'anglais de Thomas Herbert avec les révolutions arrivées au royaume de Siam l'an mil six cents quarante sept, traduites du flamand de Jérémie van Vliet.*

Trad. Wicquefort, Paris, 1663.

c) *Traduction française des Voyages d'Olearius par Abraham de Wicquefort, sous le titre : Voyages très curieux faits en Moscovie, Tartarie et Perse, trad. en François par Abraham de Wicquefort.*

Amsterdam, 1727.

در بین
بیست و شش
سیاحی که
مدتی را
در ایران گذراندند،
تنها با توجه به
عناوین
سفرنامه هایشان،
در کنار
شانزده روحانی،
سه فرستاده
سیاسی و
دو نجیب زاده
و دو نفر آخر هم
تنها به عشق
سفر کردن
به ایران
رفته بودند،
اگر چه در آنجا
تجارت هم
می کردند

ترجمه بخش ۶ :

(۱) پدر آلكساندر دو رُد

۶- مؤلفان و عناوین آثار:
الف. آثار مؤلفان گمنام:

۱- سفرها و مأموریت‌های پدر آلكساندر دو رُد به چین و دیگر سرزمین‌های مشرق زمین با شرح بازگشت مؤلف به اروپا از طریق ایران و ارمنستان پاریس، ۱۶۵۳.

(۱) استقبال رسمی که در تاریخ پنجم آوریل ۱۶۰۱ در رم از سفیران شاه ایران به عمل آمد، سفیرانی که به منظور تشکیل جبهه‌ای برضد ترکها و تسلیم نمودن آنها به دین کاتولیکی، پاپی و رمی، به نزد پدر مقدس ما، پاپ، فرستاده شده بودند. ترجمه نسخه ایتالیایی انتشار یافته در رم، پاریس، ۱۶۰۱.

به نسخه انتشار یافته در لیون نزدیک است

۲- خلاصه سفرهای مختلف و ... از سال ۱۶۱۸ تا سال ۱۶۵۳، پاریس ۱۶۵۳.

(۲) نامه‌ای که در تاریخ ۲۶ مارس از اصفهان به حلب درباره نبرد گل نبات نوشته شد

۳- گزارش میسیون پدران کمپانی دو ژزو مستقر در سرزمین ایران، نوشته پدر روحانی آ. دو رُد. این اثر توسط یکی دیگر از پدران کمپانی دو ژزو تنظیم و روزآمد شده است، پاریس ۱۶۵۹.

(۳) نامه‌های درباره محاصره این شهر تخت (اصفهان) و مالیات تحمیل شده به جلفا

۴- سفر به چین و دیگر سرزمین‌های مشرق زمین با شرح بازگشت از طریق ایران و ارمنستان، پاریس، ۱۶۶۶.

(۴) پژوهشی درباره آخرین انقلاب ایران تا پایان سال ۱۷۲۴

۵- سفرهای مختلف به چین و دیگر سرزمین‌های مشرق زمین (با شرح) بازگشت مؤلف به اروپا از طریق ایران و ارمنستان، پاریس، ۱۶۸۱.

پژوهشی بر مبنای پژوهش ژوزف آپیسلیمیان، همراه با نامه ویکنت آندرزول، قسطنطنیه، ۸ اوت ۱۷۲۵

(۲) پدر آنژ دو سن ژوزف (ژوزف لابرز)

۱- یادگارهایی از ایران (در دوران) صفویه و دیگر مکان‌های مشرق زمین (۱۶۶۴-۱۶۷۸)

(۵) گزیده نامه‌ای از قسطنطنیه به م ...، به تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۷۲۷

۲- لغت فرنگ و پارس، آمستردام، ۱۶۸۴.

(۶) دنباله انقلاب‌های ایران، اخباری از ایران، که در تاریخ ۲۸ اوت ۱۷۲۷ در جلفا نوشته شده‌اند، پاریس، ۱۷۲۷.

(۳) سوالیه لوران دارویو

(۷) دنباله انقلاب‌های ایران، گزیده نامه ای از اصفهان، مورخ اول مه ۱۷۲۹ پاریس، ۱۷۲۹.

خاطرات (از ترکیه و خاورزمین)، پاریس ۱۷۳۵.

(۴) پدر روحانی فیلیپ آوریل

(۸) گزارش ادامه انقلاب‌های ایران و دوباره به تخت نشستن شاه تهماسب ۹ آوریل ۱۷۳۰

سفر به کشورهای مختلف اروپا و آسیا به منظور کشف راه جدیدی به سوی چین، پاریس، ۱۶۹۲
ترجمه شده به زبان‌های انگلیسی و هلندی

[۹] [؟]

(۵) پدر لویی باشو (از سوسیته دو ژزو)

(۱۰) گزارش پیروزی سپاه ایران، متعلق به صوفی ایران، بر ترکها

نامه‌های که پدر باشو، از میسیون‌های کمپانی دو ژزو در ایران، به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۷۳۱ در شماخی نوشت

(۶) شارل سزار بودلو دو دروال [سفر جناب پ. لوکا به خاورزمین]

ب) آثار متعلق به مؤلفان شناسایی شده

ژان شاردن سیاح معروف فرانسوی
۱۶۴۳-۱۷۱۳ م / ۱۵۳-۱۱۲۵ ه. ق



فارس و هند»

نام نویسنده و تاریخ نگارش این طرح ذکر نشده، اما احتمالاً ژان بیون دوکانسری در حدود سال ۱۷۱۶ آن را نوشته است

(c) «تجارت انگلیسیها در ایران، مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۷۱۸»
در این گزارش به توصیف تجارت «کمپانی انگلیسی هند شرقی» در ایران، تجارت «کمپانی هلندی هند شرقی» و نیز تجارت ارمنیان در این کشور پرداخته میشود. همچنین در آن جزئیاتی درباره تجارت ترانزیتی از طریق روسیه ارائه شده است. با این که این گزارش امضاء نشده است، اما بدون هیچ شکلی اثر بیون دو کانسری است.

بدون شک

در میان سیاحان

صاحب اثر،

روحانیون

(کشیشان)

رتبه اول را

به خود اختصاص

می دهند

چرا که معمولاً

مجبور به

اقامت

طولانی مدت

در ایران بودند و

بنابراین

به مطالعه

جنبه های مختلف

این کشور

می پرداختند

(۷) ژان، بُدن شرح حال توجیه آمیز عباس، شاه ایران، ترجمه اثر ایتالیایی عالیجناب پیر دولا واله، پاریس، ۱۶۳۱

(۸) بارن هانری دو بوو گزارش روزانه سفر عالیجناب هانری دو بوو، بارن بوو و مانونویل، ارباب فلورویل، به خاور زمین

(۹) فرانسوا برنیه تاریخ آخرین انقلاب کشورهای [متعلق به] دولت مغول، آمستردام، ۱۶۶۹

دنباله خاطرات جناب برنیه از امپراطوری مغول، آمستردام، ۱۶۷۰

(۱۰) ژان لویی دوشن، مارکی دوبناک گزارش تاریخی از [مسئولیت] سفارت فرانسه در قسطنطنیه نوشته مارکی دو بناک، به همراه شرح مذاکراتش با دربار عثمانی

(۱۱) فرانسوا دو لایولی لوگوز سفرها و مشاهدات جناب دولا بولی لوگوز، نجیب زاده اهل آنژو، که در آن ادیان، حکومتها و موقعیت کشورها و سرزمینهای ایتالیا، یونان، آناتولی، سوریه، فلسطین، قرمان، کلد، آشور، بجاپور، مغول کبیر (گورکانیان)، هندشرقی متعلق به پرتغالیها، عربستان، مصر، هلند، بریتانیای کبیر، ایرلند، دانمارک، لهستان [Isles] و مکانهای دیگری در اروپا، آسیا و آفریقا که وی در آنها اقامت نموده توصیف شده اند. این اثر مزین به تصاویر مختلف است و به جناب مستطاب کاردینال کاپونی تقدیم شده است

(۱۲) پدرو روحانی ژاک دو بورژ سفرنامه عالیجناب اسقف بیروت از مسیر ترکیه، ایران و هند تا کشور پادشاهی سیام، پاریس، ۱۶۶۶.

(۱۳) ژان بیون دوکانسری «گزارش به عالیجناب مارکی دو ترسی، مورخ ۲۰ مارس ۱۷۱۵»

این گزارش، که به تجارت فرانسه با ایران می پردازد، با املائی امروزی به «یک سفارت ایرانی در زمان لویی چهاردهم»، نوشته م. هربت، صفحات ۲۶۰-۲۶۱، ضمیمه شده است

(۱۴) «طرح تجاری برای فرانسویان در ایران در خلیج

(d) «گزارشی درباره تجارت در ایران»

ش. سفر این گزارش را در نسخه «وضع ایران در سال ۱۶۶۰» نوشته پدروافائل دومان، صفحات ۳۶۴-۳۷۲ (ضمیمه ۴۹) گنجانده است. این گزارش امضاء نشده است اما شباهت واژگان آن با واژگان آثار ذکر شده در a و b شکی در مورد نویسنده اش باقی نمیگذارد، تاریخ آن نیز مشخص نشده اما با توجه به محتویات آن به وضوح در حدود سال ۱۷۳۰ نوشته شده است.

مترجم: پدروافائل دومان

(۱۴) پلر اتین کارنو و پلر فرانسوا لوکتن.

سفرهای مشهور پیترو دلا واله، نجیب زاده رمی، ملقب به سیاح شهیر، با برشماری بسیار دقیق عجیب ترین و قابل ملاحظه ترین چیزهایی که در ترکیه، مصر، فلسطین، ایران، هند شرقی و مکانهای دیگر دیده است، چیزهایی که مؤلفین این اثر هیچگاه مشاهده نموده اند. پاریس، ۱۶۶۱.

دنباله سفرهای مشهور پیترو دلا واله، نجیب زاده رمی، ملقب به سیاح شهیر، به همراه توصیفی بسیار کنجکاوانه از تمامی جاهایی که از آنها گذر کرده، احترامی که در دربار ایران به دست آورده، موفقیتی که در مذاکراتش به نفع مسیحیان آن کشور کسب کرده است (و توصیف) والدین همسرش، مادام معانی، و ورود باشکوه سفیران اسپانیا، مسکو، ترکیه، هند و مغول بزرگ به قزوین و اردبیل، پاریس، ۱۶۰۴.

سومین قسمت سفرهای مشهور پیترو دلا واله، نجیب زاده رمی، ملقب به سیاح شهیر، شامل (توصیف) شکوه پادشاه ایران و پذیرایی وی از سفیران در پایتخت خود، هدایای باارزشی که در آنجا دریافت کرده منشاء اختلافهای موجود بین ترکها و ایرانیان؛ تعدادی از مراسم مسیحیان شرقی؛ مشاهدات متعدد بسیار اعجاب انگیز درباره ستاره شناسی و

تصویرپردازی
انجام شده در این
آثار از دو جهت
قابل توجه است:
نخست اینکه
این تصویرپردازی،
ذهن خواننده را
مجنوب می کرد و
به قوه تخیل وی
بال و پر می
بخشید.
در عین حال،
این تصویرپردازی
ذهن غریبان را
گرفتار می کرد و
آنان نمی توانستند
نگاه خود را از
تصویری که
خودشان
ایجاد کرده بودند
برهانند.
احتمالاً نگاه
شرقیان نیز گرفتار
چنین مشکلی شد و
همانطور که
یراسموس احتمال
می دهد آنها به
نوعی درگیر
تصاویری شدند که
سیاحان غربی
از سرزمینشان
ترسیم کرده بودند

ستاره بینی؛ جویندگان حقیقت به شکوه و جلال پرسپولیس به آسانی پی خواهند برد.

مجموعه مشاهدات مؤلف از زیباییهای طبیعت، پندهایی در باب اخلاق و سیاست، بدبختیهای ملکه گرجیه، مراسم ایرانیان به هنگام تدفین خویشاوندانشان، خرافات هندوها در مورد پرستش بتها، شرارتهایی که جادوگران با استفاده از افسونهایشان انجام میدهند، ماجراهای یک نجیب زاده اسکاتلندی، وجفای کافران به مسیحیان، پاریس، ۱۶۶۴.

چهارمین و آخرین قسمت سفرهای مشهور پیترو دلاواله، نجیب زاده رمی، ملقب به سیاح شهیر، شامل توصیف قابل توجه ترین شهرها و مکانهایی که وی با موفقیت بسیار و در شرایطی خاص در هند دیده است و توصیف توطئه‌های موجود در دربار شاهزادگان هند.

(شرح) بازگشت خوش وی به شهر خود، رم، از طریق کویر عربستان و جزایر قبرس، سیسیل، کرس و مالت با توصیف دقیق عجایب این مکانها (توصیف) مراسم خاکسپاری همسرش سیتی معانی، که در کاپیتول به خاک سپرده شد، پاریس، ۱۶۶۵.

۱۵ «کشیش یار تلمی کاره دوشامین»
 «سفر به هند شرقی، به همراه چندین داستان اعجاب برانگیز، پاریس، ۱۶۹۹»

«سفرهای کشیش کاره به هند و خاور نزدیک، ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۴»

۱۶ پدر ژ. آ. سرسو

۱۷ ژان شاردن (نام وی از ژان به سرجان تغییر یافت)
 «سفرنامه شوالیه شاردن (به هنگام سفر) به ایران و هند شرقی از طریق دریای سیاه»

«سفر جناب شوالیه شاردن به ایران و دیگر مکانهای مشرق زمین»

«سفرهای شوالیه شاردن به ایران و دیگر مکانهای مشرق زمین .. نسخه جدید، که با دقت براساس سه نسخه اصلی انتشار یافته و خلاصه‌ای درباره تاریخ ایران، از قدیمترین زمانها تا به امروز، و یادداشتهای مختلف و غیره توسط ل. لانگله به آن افزوده شده است. این نسخه ده جلدی

است.»

۱۸ فرانسوا شارپانیتته (رئیس فرهنگستان فرانسه)

a) «سخرانی یک بنده وفادار شاه، خطاب به همه فرانسویان، درباره تأسیس یک کمپانی فرانسوی مخصوص تجارت در هند شرقی» پاریس، ۱۶۶۴.

b) «گزارش تأسیس کمپانی فرانسوی مخصوص تجارت در هند شرقی، گزارش تقدیم شده به شاه، به همراه مجموعه اطلاعات مربوط به این مؤسسه» پاریس، ۱۶۶۵، ویرایش دوم: ۱۶۶۶.

۱۹ ژان شسنو

«سفر مسیو دارامون به خاور زمین، به قلم نجیب زاده ژان شسنو، یکی از منشیان جناب سفیر فوق الذکر»

«سفر از پاریس به قسطنطنیه، سفر به ایران، (توصیف) اردوگاه سلطان عثمانی و غیره ...» پاریس، ۱۷۵۹.

۲۰ لوئی آندره دولامامی دوکلاک
 تاریخ انقلابهای ایران از آغاز این قرن، ۳ ج، پاریس، ۱۷۵۰.

۲۱ لوئی کولن

«خاطرات»

۲۲ آندره دلویه دلاند

«زیبائی های ایران و توصیف عجیب ترین چیزهایی که در این سرزمین موجوداست»

۲۳ گابریل دلن

«سفرنامه به هند شرقی»

«سفرنامه جدید به هند شرقی»

۲۴ دهی دو کورمنن

«سفر به خاور زمین در سال ۱۶۲۱، به فرمان پادشاه»

«سفرنامه دهی به قلم منشی اش، پاریس ۱۶۲۴»

«نسخه دوم، چاپ ۱۶۲۹»

سرلوح سفرنامه آندره دولیه‌دلان
به نام «زیبایی‌های ایران» ۱۶۶۴ م/ ۱۰۷۵ هـ
وی برادرزاده تاورنیه، سیاح مشهور فرانسوی بود

«ویرایش سوم، ۱۶۳۴»

«ویرایش چهارم، پاریس ۱۶۶۴»

(۲۵) ژان دوون

مجموعه قوانین مربوط به روابط سیاسی بین‌المللی، شامل: گزیده پیمانهای همبستگی، صلح، آتش‌بس، بی‌طرفی، تجارت، مبادله و غیره

(۲۶) فرمانل

(a) سفر به ایتالیا و خاور زمین

(b) مشاهدات کنجکاوانه درباره سفری که در سال ۱۶۳۰ آقایان: فرمانل، مشاور در مجلس نرماندی، فول، مسئول حسابرسی، بودوان، نجیب‌زاده فلاندری، ارباب لونی و استوشو و سنت کاترین به خاور زمین انجام دادند، روان، ۱۶۶۸.

(۲۷) کنت شارل دو فریول، بارن دارژانتال

نامه‌های مارکی دوفریول، سفیر لوئی چهاردهم در قسطنطنیه، با مقدمه مسیو امیل وارنبرگ، آنورس، ۱۸۷۰.

(۲۸) هانری دوفین

سفر جناب دوفین از پاریس تا چین با استفاده از مسیر زمینی و بازگشت وی از مسیر دریا، پاریس، ۱۶۳۰.

(۲۹) ژاک دولافورهمونه

گزارشی از ایران، که در آن به توصیف وضع دین در قسمت اعظم مشرق زمین پرداخته شده است، ۱۷۱۰.

(۳۰) پدر نیکلا دو فریزن، عضو سوسیته دوژزو

(۳۱) پدر گابریل دوشین

گزارش‌های جدید از خاور زمین یا رساله‌هایی درباره دین، حکومت و رسوم ایرانیان، ارمنیها و گبرها، همراه با توصیفی ویژه از استقرار میسیونرها (مشرق زمین) و پیشرفتهای آنها در آنجا و منازعه‌های مختلفی که با شرقیان دارند پ. گ. د. ش. ک (پدر گابریل دوشین، کاپوسن) این نوشته‌ها را تألیف نموده و جناب لوئی مورری (کشیش و دکتر الهیات) آنها را در اختیار عموم گذاشته است، لیون، ۱۶۷۱.

(۳۲) آنژ دوگاردان، شوالیه دو سنت کروا



۱- اخباری از ایران

نامه‌های که آنژدوگاردان در بین سالهای ۱۷۱۸ تا ۱۷۲۲

به پاریس فرستاد

۲- گزارش نبردهای ایرانیان با ایروان

این گزارش را آنژدوگاردان (به فرانسه) و احتمالاً خود

وی آن را نوشته بود

۳- خاطرات روزانه‌ای که آنژدوگاردان (احتمالاً به کمک

ژوزف آپیسلیمان) به صورت ناپیوسته از ماه مارس تا ماه

ژوئیه سال ۱۷۲۲، به هنگام محاصره اصفهان نوشت.

(۳۳) کشیش مارتن گدرو

(a) «گزارش مرگ شاه سلیمان پادشاه ایران و

تاجگذاری پسرش سلطان حسین، به همراه (توصیف)

چندین ویژگی مربوط به وضع کنونی امور در ایران و جزئیات

مراسم ارتسام اسقف بابل در جلفای اصفهان» پاریس، ۱۶۹۶.

(b) «گزارش مأموریت تبلیغی که عالیجناب سراسقف

آنکارا به تازگی در شهر اصفهان واقع در ایران، به منظور

متحداختن ارمنیها با کلیسای کاتولیک انجام داده است»

پاریس، ۱۷۰۲.

نسخه‌ای نسبتاً خلاصه شده از قسمت نخست این

گزارش، ضمیمه کتابی است که شفر با عنوان «پدر رافائل

دومان، وضع ایران را در سال ۱۶۶۰» (صفحات ۳۷۳-۳۷۶)

منتشر ساخته بود. عنوان این ضمیمه عبارت است از:

تقریباً

تمامی سیاحان

با ذهنی انباشته از

نوشته‌های

نویسندگان

یونان باستان و

روم باستان

به سفر می‌رفتند و

این نوشته‌ها

در آن واحد

هم به عنوان دروین

عمل می‌کردند و

هم به عنوان

چشم‌بند

سیاحان فرانسوی قرن هجدهم بسیاری از اطلاعات خود را از پدر رافائل دومان (که به مدت ۴۹ سال در ایران زندگی کرد و در سال ۱۶۹۶، در سن ۸۳ سالگی، در آن کشور درگذشت) وام گرفته اند

سفرنامه سراسقف آنکارا، فرستاده پاپ و سفیر فوق العاده اعلی حضرت به نزد صوفی کبیر ایران: شرح چگونگی پذیرفته شدن این فرستاده پاپ در سرزمین پادشاهی ایران و چگونگی ورود وی به اصفهان، پایتخت ایران

(c) «گزارشی از ایران، که یک میسیونر برای یکی از دوستانش در فرانسه نوشته است»
محل و تاریخ انتشار این اثر ذکر نشده، اما احتمالاً باید در پاریس، بین سالهای ۱۷۰۰ تا ۱۷۰۲ انتشار یافته باشد

(d) «گزارشی درباره اتحاد پیشنهاد شده بین فرانسه و ایران بر ضد اعراب مسقط، نوشته شده به تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۷۱۵ در شهر آموژا

(۳۴) فرانسوا امانوئل دو گینبار، کنت دوسن پریست. گزارش‌هایی از سفارت فرانسه در ترکیه و تجارت فرانسویان در خاور زمین، نوشته آقای کنت دو سن پریست پاریس، ۱۸۷۷، قسمت اول.

(۳۵) ابراهیم متفرقا
تاریخ سیاح در بیان ظهور افغانیان و سبب انهدام دولت شاهان صفوی
ترجمه ترکی از خاطرات پدر کروزنسکی که توسط پدر دو سروسو بازننگری شده بود

(۳۶) پدر ژروم فرانسوادوسن ژوزف
گزیده نامه‌ای که یک روحانی کارملی پابرهنه، که به هنگام محاصره اصفهان در شهر حضور داشت، به تاریخ ۳۰ اوت ۱۷۲۵ از همدان نوشته است

(۳۷) ژروئیتها
(a) گزارش‌های جدید هیئت‌های تبلیغی کمپانی دوززو، پاریس، ۱۷۲۳، شامل:

۱- نامه پدر مونیه، عضو فرقه کمپانی دو ژزو، به پدر فلوریو، عضوی دیگر از همان فرقه ص. ۱.

این نامه مقدمه‌ای است بر گزارش ذیل:

۲- وضع کنونی ارمنستان. ص. ۷.

۳- گزارش (ماموریت) هیأت تبلیغی در ایروان. ص. ۴۲۱-۴۴۹.

۴- نامه پدر ریکار، میسیونر کمپانی دو ژزو، مورخ ۷ اوت ۱۶۹۷. ص. ۴۳۸-۴۵۰.

(b) نامه‌های آموزنده و اعجاب برانگیزی که در میسیونرهای خارجی نوشته شده‌اند

۱- خاطرات روزانه سفر پدر مونیه از ارزروم به ترابوزان، ص. ۱-۱۳.

۲- گزارشی از شهرستان شیروان، به صورت نامه ای خطاب به پدر فلوریو. ص. ۱۳-۵۳.

۳- خاطرات روزانه سفر پدر دولاماز از شماخی به اصفهان، از مسیر شهرستان گیلان، ۱۶۸۹. ص. ۵۳-۱۱۳.

۴- نامه پدر باشو، میسیونر کمپانی دو ژزو در ایران، به پدر فلوریو، نوشته شده در شماخی، به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۷۲۱. ص. ۱۱۳.

۵- نامه پدر روحانی ه. ب.***، میسیونر در ایران، به جناب کنت دوم. ص. ۱۲۵-۱۶۸.

۶- گزارش تاریخی انقلاب‌های ایران، در زمان تهماسب قلی خان، تا لشکر کشیاش به هند، براساس نامه‌های مختلفی که میسیونرهای ژروئیت از ایران نوشته‌اند. ص. ۱۶۹-۲۲۹.

(۳۸) پدر کروزنسکی

تاریخ آخرین انقلاب ایران

این نسخه نسخه ای است که در آن پدر ژ. آ. دو سروسو، از فرقه سوسیته دو ژزو، ترجمه فرانسه بشون از خاطرات پدر کروزنسکی را بازننگری نموده است.

(۳۹) پدر ژان باتیست لایا

خاطرات شوالیه دارویو، فرستاده فوق العاده شاه به باب عالی، کنسول در حلب، الجزیره، تریپولی و دیگر مراکز تجاری خاورزمین. شامل (توصیف) سفرهای وی به قسطنطنیه، آسیا، سوریه، فلسطین، مصر و بربرستان، توصیف این کشورها، ادیان، آداب، رسوم و تجارت مردم، حکومت آنها، تاریخ طبیعی و قابل توجه ترین وقایع. گزینش از متن اصلی خاطرات، تنظیم و توضیحات از پدر روحانی ژان باتیست لایا، عضو فرقه برادران واعظ، پاریس، ۱۷۳۵، ج. ۶.

شرح حال مختصر مسیو فرانسوا پیکه، اسقف نایب اسقف بابل و بازرس کل حضرت قدسی مآب (پاپ) در مشرق زمین

نامه‌هایی که فرانسوا پیکه به دارویو، کنسول وقت فرانسه در حلب، نوشته بود.

نامه جناب اسقف سخر اروپل، فرستاده شاه درنزد پادشاه ایران، شامل گزارش ورود وی به ایران و گزارش ورود شاه ازبکها به اصفهان

(۴۰) ژوزف لابرز

نک به اثر دوسن ژوزف

اواسط قرن هفدهم

تعداد زیادی از

سیاحان فرانسوی

با انگیزه های

مختلف به

سیر و سیاحت

در ایران پرداختند

و گزارش سفر

خود را به نگارش

درآوردند.

این امر خود

نشان دهنده

توجهی است که

به ایران می شد و

همچنین بیانگر

تأثیری است که

آثار مذکور

بر کل اروپائیان،

به ویژه فرانسویان

گذاشتند

اگوستن له لیژ)

گزارش های مختصری از پیشرفت تعالیم مسیحی در سرزمین ایرانیان در جهت ایمان آوردن غیر مسیحیان به دین مسیحی آماده سازی ایرانیان در جهت بهره برداری از (آموزه های) انجیل، متحد شدن ارمنی ها با کلیسای رم، نوشته برادران تارک دنیای سنت اگوستن، به اضافه (گزارشی از) فتوحات بزرگ پادشاه کبیر ایران بر ترکها، که دشمن مشترک ما و ایرانیان هستند، لیژ، ۱۶۱۰.

(۴۸) فرانسوا مارتن دو ویتره

توصیف نخستین سفر یک فرانسوی به هند شرقی در سال ۱۶۰۳، نوشته مارتن دو ویتره ۱۶۰۴، ویرایش دوم، پاریس، ۱۶۰۹.

(۴۹) پدر ژان باتیست دولاماز، از فرقه سوسیته دو ژزو a . خاطرات روزانه سفر پدر دولاماز از شماخی به اصفهان (۱۶۸۹-۱۶۹۹)

b . نامه های آموزنده و اعجاب برانگیزی که به هنگام مسیونهای خارجی نوشته شده اند خاطرات روزانه سفر پدر دولاماز از شماخی به اصفهان، از مسیر شهرستان گیلان پاریس (جلد ۴، ص ۵۳-۱۱۲)، ۱۷۸۰، نک: ژژوئیت ها.

(۵۰) پیر ویکتور میشل

گزارش شخصی جناب میشل درباره سفری که به عنوان فرستاده فوق العاده اعلیحضرت در طی سالهای ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸ و ۱۷۰۹ به ایران انجام داد. پاریس، کتابخانه ملی

(۵۱) کلود بارتمی موریزو

سفرنامه نجیب زاده ای از ملازمان جناب شرلی، سفیر پادشاه انگلیس، که در سالهای ۱۵۹۸ و ۱۵۹۹ به ایران سفر کرد

نک به : آبل پتکن این سفرنامه جزو مجموعه ای از چند سفرنامه است که موریزو براساس یادداشتهای سیاحان متعدد تألیف نموده و با عنوان ذیل منتشر ساخته است:

سفرنامه های راستین و اعجاب برانگیز درباره جزیره ماداگاسکار و برزیل، به همراه شرح آخرین جنگی که در برزیل بین پرتغالیها و هلندیها صورت گرفت، سه سفرنامه درباره مصر و یک سفرنامه درباره ایران

(۵۲) پدر لئونار موسینه، (عضو) سوسیته دو ژزو

a) خاطرات روزانه سفر پدر موسینه از ارزروم به ترابوزان

b) نامه به پدر فلورینو

(۴۱) نیکلا کلود دو لالان

نامه های دو لالان و دولابولی لوگوز به شاه و به مسیو دو لیون

(۴۲) لوفور دو فونتتی

روز شمار تاریخی سفر و ماجراهای منحصر به فرد سفیر ایران در فرانسه، تکمیل و تصحیح شده براساس گزارشهای جدید

(۴۳) نامه ها

a . نامه به لویی دولستوال، پاریس، به تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۶۶۴

b . نامه شاه ایران به پادشاه (فرانسه)، مورخ ۵ نوامبر ۱۶۸۵، ترجمه شده از فارسی توسط پتی دولاکروای پسر (پاسخ شاه سلیمان به نامه لویی چهاردهم)

c . نامه ای که در آن بیکه گزارش شرفیابی اش را می دهد

(۴۴) پل لوکا

سفرنامه جناب پ. لوکا به خاور زمین

(۴۵) لوتیلیه . لاگودیه

سفرنامه جدید جناب لوتیلیه به هندکبیر، به همراه راهنماییهایی برای تجارت در هند شرقی و توصیف چندین جزیره، شهر و رودخانه و تاریخچه گیاهان و حیواناتی که در آنجا یافت میشود...

(از این اثر) نسخه دیگری موجود است که در آن فهرست مطالب نسخه فرانسوی توسط جزوه مختصر ذیل جایگزین شده است:

جستاری درباره بیماریهای مخصوص کشورهای مشرق زمین و (بیماریهای شایع) در مسیر و درمان آنها، نوشته مسیوکلودن، دکترطب

(۴۶) پدر ژاک دو ماشو

پدر ژاک دو ماشو سفرنامه پدر الکساندر دو ردرا تحت عنوان ذیل تنظیم نموده است:

گزارش میسیون پدران (روحانی) کمپانی دوزو مستقر در سرزمین پادشاهی ایران، نوشته پدر الکساندر دو رد، ویرایش و تنظیم از یک پدر (روحانی) عضو همان فرقه، پاریس، ۱۶۵۹.

(۴۷) ژرژ مگره (دکتر الهیات و ارشد (صومعه) سنت

یکی از جنبه های کاربردی این سفرنامه ها، اطلاعات جغرافیای طبیعی آنها است که خواننده را با ظاهر کشور، حدود و ثغور، پستی و بلندی ها، کوهها، طبیعت، منابع آب، دریاها، جزیره ها، رودها، رودخانه ها، جانوران و گیاهان آشنا می سازد

(۵۲) پدر پاسیفیک دو پرون

(a) نامه پدر پاسیفیک دو پرون، مبلغ کاپوسن که در حال حاضر در قسطنطنیه حضور دارد، به پدر روحانی ژوزف لوکلر، مبلغی از همان فرقه، که مسئول رسیدگی به امور سازمان کاپوسنها در شهر تور است. درباره مرگ عجیب سلطان عثمانی، امپراطور قسطنطنیه، پاریس ۱۶۲۲

(b) نامه پدر پاسیفیک دولسکال، رئیس میسیون کاپوسن هایی که پدر روحانی ارشد (کاپوسن ها) به منظور برقراری دین کاتولیکی، (وابسته به) پاپ و کلیسای رم در سرزمین ترک(ها) و دیگر سرزمینها (به مشرق زمین) فرستاده است، به پدر روحانی محافظ کاپوسنهای (شهر) مسین. این نامه را رئیس بزرگ (کاپوسنها در) مالت به فرانسه فرستاده و از ایتالیایی به فرانسه ترجمه شده است. پاریس، ۱۶۲۸.

(c) سفرنامه پدر روحانی پاسیفیک دو پرون، مبلغ کاپوسن، به ایران. در این سفرنامه، نظرات ویژه ای را درباره سرزمین مقدس و مکانهایی که در آنها چندین معجزه از زمان آفرینش جهان تا مرگ عاشقانه سرور ما عیسی رخ داده است، مطالعه خواهید نمود. همچنین (در این اثر) فرمان شاه بزرگ، سلطان مراد، مبنی بر تأسیس صومعه های متعلق به کاپوسنها در تمامی امپراطوری اش، رفتار نیک پادشاه ایران، که یکی از کاخهایش را به عنوان اقامتگاه در اختیار پدر روحانی پاسیفیک گذاشت و به وی اجازه داد که در تمامی سرزمین پادشاهی اش دیربسازد، نامه و هدیه ای که پادشاه ایران به این پدر روحانی داد تا برای پادشاه بسیار مسیحی فرانسه و نوار لوئی سیزدهم ببرد، وصیت نامه پیامبر، که ترکها معتقدند به دست خود نوشته و امضاء کرده است، جملگی شرح داده شده است.

(۵۴) اتین پادری

(a) گزارش درباره راهب های ایران

(b) گزارش به پادشاه

(c) مراسلات و گزارش های متعدد از شماخی، اصفهان، شیراز و غیره

(d) اسنادپادری

(۵۵) پیر پل

(a) گزارشی درباره پنج ایرانی که توسط کارملیهای

پابرهنه میسیون (کارملیها) در اصفهان به دین مسیحی تغییر مذهب دادند و غسل تعمید یافتند، پاریس ۱۶۲۳.

(b) سفرنامه یک مبلغ کاپوسن به ایران، لیل، ۱۶۲۳.

(c) سفرنامه پدران (روحانی) کمپانی دو ژزو به هند شرقی و ایران، پاریس، ۱۶۵۶.

(۵۶) پتیس دولاکروآ

گزیده خاطرات روزانه جناب پتیس پسر، استاد زبان عربی و مترجم نیروی دریایی، شامل تمامی چیزهایی که در طی ده سالی که به فرمان اعلیحضرت در مشرق زمین اقامت داشت، در آنجا دیده و تمام کارهایی که در آنجا انجام داده است. (این نوشته ها) در سال ۱۶۹۴ به عالیجناب فلیپو، که وزیر بود، ارائه شده است.

(۵۷) س. س. دو پیسنل

جستاری درباره نا آرامیهای کنونی ایران و گرجستان

(۵۸) پدر فیلیپ دولاتره سنت ترینته

این اثر را پدر پیر دو سنت آندره تحت عنوان ذیل به فرانسه ترجمه کرده است:

سفرنامه پدر روحانی فیلیپ دولاتره سنت ترینته، کارملی پابرهنه به مشرق زمین وی در این سفرنامه، موفقیت های مختلفی را که در طی سفرش به دست آورده (شرح داده) و به توصیف چندین ناحیه مشرق زمین، کوه ها و دریاها و رودهای این نواحی، تاریخچه شاهزادگانی که بر این نواحی حکومت کرده اند، ساکنین این نواحی، چه مسیحی و چه کافر، مردمان، جانوران، درختان، گیاهان و میوه های این نواحی، میسیونهای روحانیون در مشرق زمین و تعدادی از وقایع مشهور پرداخته است. خود پدر فیلیپ دولاستن ترینته این اثر را تألیف، بازنگری و تکمیل نموده (و سپس) یک روحانی دیگر عضو همان فرقه آن را از لاتین (به فرانسه) ترجمه کرده است.

(۵۹) عالیجناب فرانسوا بیکه

نامه ف. بیکه به شاه که در آن جلسه شرفیابی اش در اصفهان را که در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۶۸۳ صورت گرفته شرح میدهد.

(۶۰) پیر دو سنت آندره

ترجمه اثر ذیل (از لاتین) به فرانسه:

سفرنامه پدر روحانی فیلیپ دولاتره سنت ترینته

(۶۱) آبل پتکن



ژان باتیست تاورنیه سیاح فرانسوی
۱۶۰۵-۱۶۸۹/۱۶۱۴-۱۱۰۱ ه
وی شش بار از ایران دیدن کرده بود

**هنگامی که
سفیر اعزامی
شاه سلطان حسین
به دربار
لویی چهاردهم
به ماریسی رسید،
آقای آرنول،
سررشته دار
ناوگان پادشاه
در آن شهر بود و
از طریق مکاتبات
وی می توان به طور
مشخص به دیدگاه
فرانسویان نسبت به
ایران پی برد**

(۶۸) پدر ژ، دو روئی

نامه پدرروحانی ژوزف دو روئی به پدرروحانی اوزب،
ارشد (میسین) کاپوستها در تریپولی. این نامه که به تاریخ
۱۱ ژوئن ۱۷۲۶ در حلب نوشته شده، شامل ویژگیهای امور
ایران و ...

دونامه دیگر، یکی مورخ ۱۵ ژانویه ۱۷۲۸ و دیگری
مورخ ۲۸ اوت ۱۷۲۸

(۶۹) پدر رینال

a) گزارش تاریخی برکناری پادشاه ایران از تاج و
تخت و انقلابهایی که در سالهای ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴ و
۱۷۲۵ رخ دادند.
در همان سال، ترجمه انگلیسی این اثر با در لندن
انتشار یافت:
تقریباً در همان زمان، نسخه‌ای اسپانیولی از این اثر که
علیرغم تشابه با نسخه اصلی، با آن تفاوت داشت، در مادرید
انتشار یافت.

درمتن: پیشین

b) جلد دوم این اثر، به دولامونین، نخستین رئیس
(مجلس پاریس) تقدیم شده است: توصیف دقیق آسیای
صغیر یا آناتولی، دو ارمنستان، کردستان، دیار بکر و دیگر
شهرستانهای آسیای مجاور مدیترانه، توصیف سرزمین ایران
پاریس ۱۶۶۸.

b) دنباله گزارش برکناری پادشاه ایران از سلطنت، به
همراه فهرست کسانی که در این واقعه جان سپردند. پاریس
۱۷۲۷.

(۷۰) پدر ریکار

نامه مورخ ۱۷ اوت ۱۶۹۷

(۷۱) ژان فرانسوا گیزاویه روسو

درباره روابط سیاسی فرانسه و ایران و معاهده‌هایی که
در سالهای ۱۷۰۸ و ۱۷۱۵ بین این دو قدرت منعقد گردیدند

(۷۲) کنت دو سن پریست

(۷۳) پدرن. سانس

سفرنامه یا گزارش وضع کنونی سرزمین پادشاهی
ایران، به همراه جستاری کنجکاوانه درباره آداب، دین و
حکومت این کشور، نوشته مسیو سانس، مزین به تصاویر
مختلفه پاریس، ۱۶۹۴.

سفرنامه نجیب زاده‌ای از ملازمان جناب شرلی، سفیر
پادشاه انگلیس، که در سالهای ۱۵۹۸ و ۱۵۹۹ به ایران سفر
کرد، تألیف کل. بارت. موریزو

(۶۲) ژوزف پیتن دوتورنفور

سفرنامه به خاور زمین

(۶۳) گیوم پُستل

استقبال رسمی از فرستادگان پادشاه ایران در رم، در
تاریخ ۵ آوریل ۱۶۰۱ روان، ۱۶۰۱.

(۶۴) پوله

a) گزارشهای جدیدی از خاور زمین، شامل نکاتی
بسیار کنجکاوانه درباره دین، آداب و سیاست تعدادی از ملتها
و توصیف دقیق سلطه ترک ها در اروپا چیزهای عجیبی که
در طی هشت سال اقامت(درخاورزمین) ملاحظه شد، به
همراه پژوهشی درباره تجارت انگلیسیها و هلندیها در خاور
زمین. قسمت اول سفرنامه جناب پوله، که به نقشه و تصاویر
مختلف مزین شده است.

b) جلد دوم این اثر، به دولامونین، نخستین رئیس
(مجلس پاریس) تقدیم شده است: توصیف دقیق آسیای
صغیر یا آناتولی، دو ارمنستان، کردستان، دیار بکر و دیگر
شهرستانهای آسیای مجاور مدیترانه، توصیف سرزمین ایران
پاریس ۱۶۶۸.

(۶۵) پدر رافائل دومان

۱) وضع ایران در سال ۱۶۶۰، نوشته پدررافائل دومان،
روحانی ارشد میسیون کاپوستها در اصفهان

۲) رافائل دومان، میسیونری در ایران در قرن هفدهم

(۶۶) کشیش گیوم توماس فرانسوا رینال

تاریخ فلسفی و سیاسی مؤسسات اروپائیان در هند
شرقی و هند غربی

(۶۷) م. رنو

سفرنامه یک نجیب زاده فرانسوی به هند شرقی...
به همراه (تصاویر) آبکاری برای درک بهتر سفر مذکور،
پاریس، ۱۶۴۶

احتمال دارد که پیش از سلطنت لویی سیزدهم نیز فرستادگانی فرانسوی به ایران رفته باشند ولی در بایگانیها هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهنده مأموریتی متقدم تر از مأموریت «دمی دو کورمنن» باشد. اسنادی که در آنجا وجود داردو به منافع فرانسه در ایران مربوط می شوند همگی به دوران بعد از مأموریت دمی تعلق دارند

در این مقاله، سعی شد با تجزیه و تحلیل عناوین سفرنامه‌ها، به ارائه تصویرهای واضح تر و قابل درک تر از تمدن‌ها و فرهنگ‌های دور کمک شود. این سفرنامه‌ها یا گزارش‌ها، قرن‌ها بر تصویری که اروپائیان از مشرق زمین و شرقیان در ذهن داشتند، تأثیر گذاشتند

سفرنامه‌های متعدد و عجیبی که تاکنون انتشار نیافته‌اند، و براساس متن اصلی و یا ترجمه آثار سیاحان فرانسوی، اسپانیولی، آلمانی، پرتغالی، انگلیسی، هلندی، ایرانی، عرب و سیاحان شرقی دیگری تنظیم شده‌اند. این سفرنامه‌ها به تصاویر گیاهان توصیف نشده و حیواناتی که در اروپا ناشناخته هستند و همچنین به نقشه‌های جغرافیایی مزین گشته‌اند. پاریس، ۱۶۹۶.

سفرنامه یا گزارش وضع کنونی سرزمین پادشاهی ایران، پاریس، ۱۶۹۵.

(۷۴) (اثر منسوب به) کشیش دو تالمان
خاطرات شاه تهماسب دوم، پادشاه ایران، نوشته خود وی و خطاب به پسرش ۲ ج، پاریس، ۱۷۵۸.

(۷۵) ژان باتیست تاورنیه

شش سفری که ژ. ب. تاورنیه، مهتر و بارن اوبون به مدت چهل سال به ترکیه و ایران و هند انجام داد.

ترجمه فرانسه خلاصه شده از سفرنامه جنکینسن

این ترجمه در جلد چهارم اثر ذیل منظور شده است:

مجموعه گزارش‌های سفر به شمال، شامل اطلاعات بسیار مفید درباره تجارت و دریانوردی، آمستردام، ۱۷۳۲، صفحات ۴۷۰-۵۱۶.

۱- سفرنامه به هند شرقی، پاریس، ۱۶۷۶

۲- شش سفر ژان باتیست تاورنیه، پاریس، ۱۶۷۷

(۷۶) ژان دو تونو

اولین بخش سفرنامه، با عنوان:

گزارش سفر انجام شده به خاور زمین، که در آن به صورت کنجکاوانه به (شرح) کشورهای متعلق به سلطان عثمانی، آداب، ادیان، قوا، حکومتها، سیاست‌ها، زبان‌ها و رسوم ساکنین این امپراتوری بزرگ و ویژگی‌های منحصر به فرد دریای اژه، قسطنطنیه، سرزمین مقدس، مصر، اهرام (ثلاثه)، مومیائی‌ها، کویر عربستان، مکه و دیگر مکان‌های واقع در آسیا و آفریقا، که به تازگی مورد توجه قرار گرفته و تاکنون توصیف نشده‌اند، پرداخته شده است. به همراه (شرح) وقایع به یاد ماندنی‌ای که به هنگام آخرین محاصره بغداد رخ دادند، مراسم برگزار شده در مهمانی‌های سفیران دولت مغول و گفت و گوی نویسنده با سفیر پرتغال درباره منشاء رود نیل، پاریس، ۱۶۶۴

(۷۸) پیر وان درآ

گزیده سفرهای مختلف به تاتارستان، ایران و جاهای دیگر

(۷۹) (اثر منسوب به) پدراک ویوت، از فرقه سوسیته دو ژزو

سفرهای یک میسیونر عضو کمپانی دو ژزو به ترکیه، ایران، ارمنستان، عربستان و بربرستان، پاریس، ۱۷۳۰. نک: فریزون

(۸۰) آبراهام دو ویکفور

(a) مأموریت دن گارسیا دو سیلوا فیگه روآ به ایران، ترجمه شده از اسپانیولی به وسیله مسیو دو ویکفور

(b) سفرنامه به ایران و هند شرقی، ترجمه شده از متن انگلیسی توماس هربرت، به همراه شرح آخرین انقلابهایی که در سال هزار و ششصد و چهل و هفت در سرزمین سیام رخ دادند، ترجمه شده از متن فلاندری ژرمی وان ولیت، پاریس، ۱۶۶۳.

بخش دوم: ادامه سفر به خاورزمین... (شامل سفر به ایران نیز می‌شود، پاریس، ۱۶۷۴)

سومین قسمت سفرنامه مسیو تونو (شامل توصیف هندوستان نیز می‌شود، پاریس، ۱۶۸۴)

(۷۷) ملشیدک تونو

سفرنامه‌های متعدد و عجیبی که تاکنون انتشار نیافته‌اند، براساس متون اصلی و یا ترجمه سفرنامه‌های هالکویت، پورچاس و دیگر سیاحان انگلیسی، هلندی و غیره... پاریس، ۱۶۶۳-۱۶۹۶، چهار بخش، ۲ ج.

(c) ترجمه فرانسوی آبراهام دو ویکفور از سفرنامه اولتاریوس، باعنوان: سفرهای بسیار اعجاب برانگیز به مسکو، تاتارستان و ایران، ترجمه آبراهام دو ویکفور، آمستردام، ۱۷۲۷.

- 16- id., P.115
 17- Poulet, Nouvelles relations du Levant, P.271
 18- Philippe de la Sainte Trinite, Voyage d'Orient, livre second, chap.5e, P.80.
 19- id., liv. Second chap. 9e, P.94
 20- id., liv. Troisieme, chap. 6e, P.171
 21- id., liv. Second chap. 5e, P.80
 22- id., livre. Second, chap. 5e, P.80
 23- id., liv. sixieme, chap. 8e, P.357
 24- id., liv. Second, chap. 8e, P.90
 25- id., P.91
 26- id., livre. Second. chap. 10e, P.100
 27- id., liv. Second, chap. 10e, P.103
 28- id., livre. Second, chap. 11e, P.105
 29- id., liv. Second, chap. 11e P.108 et 109
 30- Philippe dela Sainte Trinite, voyage d'orient, livre. Second, chap. 11e, P.109
 31- id., liv. Second, chap. 12e, P.110
 32- id., liv. Second, chap. 12e, P.112 et 113
 33- Pitton de Tournefort, Relation d'un voyage du Levant, II, lettre XVIII, P.314
 34- id., P.314
 35- Abbe Carre, Voyage des Indes orientales, mele de plusieurs histoires curieuses, P.200
 36- Philippe de la Sainte Trinite, Voyage d'Orient, livre sixieme, chap. 3e, P.324
 37- id., livre sixieme, chap. 3e, P.326
 38- La Boullaye Le Gouz, les voyages et observations... chap. 42, P.101.
 39- id., chap.47, P.110
 40- Carre de Chambon, Voyage des Indes orientales..., P.194
 41- اشتباه از نویسنده مقاله است. (مترجم)
 42- La Boullaye le Gouz, les Voyages et bservations , chap. 35, P.89
 43- id., chap. 36, p.90
 44- id., chap. 37, P.91
 45- id., chap. 45, P.107
 46- Carre de Chambon, Voyage des Indes Orientales, P.190
 47- P. Philippe de la Sainte Trinite, voyage d'Orient, livre premier, chap. 7e P.34
 48- id., livre premier, chap. 7e, P.34
 49- id., livre dixieme, chap. 5e, P.558
 50- id., livre second, chap. 7e, P.87
 51- La Boullaye le Gouz. Voyages et observations..., ch. 41, 42, 44, P.99-104
 52- id., P.119
 53- P. Philippe de la Sainte Trinite, Voyage d'Orient, livre sixieme, chap 3e. P.326
 54- id.
 55- P. Pacifique de Provins, Trois , lettres , P.51
 56- P. Philippe de la Sainte Trinite, Voyage d'Orient , livre Premier, chap. 8e, P.39

۱- آرشیو ملی، AE-B/III/139/ fol.292، نامه آقای آرنول، ۱۹ دسامبر ۱۷۱۴.

۲- آرشیو ملی، AE-B/III/139/ fol.298، نامه آقای آرنول، ۲۴ دسامبر ۱۷۱۴.

3- Les six voyages de Jean Baptiste Tavernier, Paris, 1781, t. I., P.1

۴- از جمله بودلو دو دروال عتیقه فروش که مجموعه نسبتاً زیبایی را برای آکادمی مکتوبات (Academie des Inscriptions) به جای گذاشته است.

۵- نویسنده فرانسوی (۱۶۸۹ - ۱۷۵۵)، خالق آثاری چون «نامه‌های ایرانی (۱۷۲۱)» «روح القوانین» (۱۷۴۸) و غیره

۶- به اعتقاد شفر (Schefer)، این روحانی اثر خود را بنا به درخواست کُلبِر (Colbert)، که قصد تأسیس «کمپانی هند شرقی» را داشت، نوشته بود. ف. ریشار این نظریه را تصحیح کرده است
 نک F. Richard, Raphael du mans, Ip-48-49 & II, P.1sq

7- Voyage du levant fait par le commandement du Roy en L'annee 1621 par le Sr. D. C , Paris, 1624, avertissement P.3.

(سفری که در سال ۱۶۲۱ جناب دهی دو کورمنن به دستور پادشاه به خاور زمین انجام داد).

8- Lefevre de Fontenay, Journal Historique du Voyage et des Aventures singulieres del' Ambassadeur de perse en France, augmente et corrigesur de nouveaux memoires Paris 1715.

9- Voyage ou Relation de l' Etat present du Royaume de Perse..., Paris, 1694.

10- Cf F.Richard, Raphael du Mans, I, biographie, P.7, 18.

11- Marc Bloch

۱۲- مرکور دو فرانس (Mercure de france) : نام هفته نامه‌ای بود که در سال ۱۶۷۲ توسط دو لو دو ویزه (Donneau devisee) تأسیس شد و انتشارش، علیرغم چندین وقفه، تا سال ۱۸۲۵ ادامه یافت (در سال ۱۸۸۹ گروهی از نویسندگان سمبلیست نشریه‌ای ادبی به همین نام را خلق کردند که تا سال ۱۹۶۵ منتشر می‌شد.

۱۳- کمپانی دو ژزو (یا سوسیته دو ژزو): نام فرقه ای است که قدیس ایگناس دولوپولا در سال ۱۵۴۰، به منظور تبلیغ مسیحیت و خدمت به کلیسا تأسیس نمود. به اعضای این فرقه ژزوئیت (یسوعی) می‌گویند.

۱۴- Grand Mogol ، «دولت مغول» ، نام دولتی که باید از اختلاف تیمور، در هند تأسیس کرد.

15- La Boullaye le Gouz, Les voyages et observations..., P.94.

- 95- id., P.276
 96- Pouillet, Nouvelles observations..., P.139
 97- id., P.155
 98- id., P.156
 99- id., P.356
 100- id., P.369
 101- id., P.417
 102- cf Abdul-Hadi Hairi, Refelections on the shie, I responses to missionary thought and activities in the safavid period, in J.Calmard, Etudes afavides, p.151
 103- P.Philippe de la Sainte Trinite, Voyage d'Orient..., liv. Premier, chap 3e.P.14
 104- Cf. E. Charriere, Negociations de la france dans le Levant, T.II.
 105- Jean Francois Xavier Rousseau, memoire sur les rapports politiques de la France avec la Perse et sur les traites conclus entre ces deux puissances en 1708 et 1715, Aff. Etr., MD Perse, vol. 1, fd 114-137
 106- P. Lucas, Voyage du Levant, T.II, P.287
 107- Yerasimos, J. B.Tavernier, les six voyages en Turquie et en Perse, Introduction, P.7
 108- Cf. F.Richard, Catholicisme et Islam chiite au "Grand siecle", Euntes docete, Roma, XXXIII, 1980/3
 109- P. Sanson, Estat Present du Royaume de Perse, avertissement
 110- Cf. Berman, la Traduction et la lettre ou l'auberge du lointain, in "les tours de Babel", P.35-150
 103- Cf. Abdul-Hadi Hairi, Reflections on the shii responses to missionary thought and activities in the safavid period, in J. Calmard, Etudes safavides, Paris-Teheran, 1993, P.151sq
 112- Tavernier, les six voyages en Turquie et en Perse, Liv. V, ch9. P.643
 113- La Boullaye le Gouz, Les Voyages et observations..., P.23
 114- Voyage du Sieur Paul Lucas au Levant, Preface

۱۱۵- این کتاب در سال ۱۷۴۶ در آمستردام و به خرج کمپانی [هند شرقی] انتشار یافت.

۱۱۶- [حضور چنین نماینده‌ای در ایران] حداقل برای هیأت‌های علمی مفید بود. یک وزیر می‌توانست یک و یا چندین دانشمند را با سفیر همراه سازد. در این صورت، دانشمندان رسماً موظف بودند که اطلاعات جدیدی را دربارهٔ مشرق زمین گردآوری کنند. از جملهٔ این اشخاص می‌توان به پیر بولن (Pierre Belon)، اهل شهر مان (Mans)، که در زمان فرانسوای اول [به مأموریت رفت] و پیر ذیل دالبی (Pierre Goilles d'Alby) وی را همراهی

- 57- id., P.41
 58- id, livre sixieme, shap. 3e, P. 322.
 59- P. Philippe de la Sanite Trinite, Voyage d'Orient, livre Premier, chap. 9e, P.47
 60- id., P.49
 61- id., livre neuviemo chap. 8e, P.528
 62- id., livre neuvieme, P. 412 sq
 63- id., livre sixieme, ch. 3e, P.325
 64- id., livre neuvieme, chap. 8e, P.528
 65- Cf. Yerasimos, les six voyages de jean-Baptiste Tavernier, Paris, 1981, P.29
 66- Pouillet, Nouvelles relations du Levant..., P.417
 67- Tavernier les six voyages..., t. I, liv.V, chap, XII, P. 670, (ed. d'Amsterdam, 1678)
 68- P. Philippe de la SainteTrinite, Voyage d'Orient, livre second chap. Ler, P.52
 69- id., livre second, chap. 9e, P.91
 70- id., livre quatrieme, chap. 6e, P.244
 ۷۱- پادشاه افسانه‌ای آشوری که نمونه یک شاهد فاسد الاخلاق به

شمار می‌آمد.

- 72- id., livre quatrieme, chap. 2e, P.195
 ۷۲- احتمالاً منظور ژوزف فلاویوس، مورخ یهودی، متولد اورشلیم (قرن اول میلادی) و مؤلف عهد قدیم یهودیت است.
 74- id., livre cinquieme, chap. 5e, P.301
 75- Carre de Chambon, Voyage des, Ides orientales..., P.156
 ۷۷- Quinte Curce: مورخ لاتین - قرن اول میلادی.
 77- id., P.157
 78- Paul Lucas, Voyage au Levant..., T.I, P.88-89
 79- Pullet, Nouvelles relations du Levant, T.I, P.273

۸۰- "آن" (Ane) شهر ارمنستان که [اکنون] در ترکیه واقع است.

- 81- P.Philippe de la Sainte Trinite, Voyage d'Orient, livre premier, chap. 6e, P.31
 82- id., livre second, chap. 8e, P.91
 83- Pouillet, Nouvelles relations du Levant, P.105
 84- Fernel, Observations curieuses ..., P.394
 85- id., P.537-740
 86- P.Philippe de la Sainte Trinite, Voyage d'Orient, livre premier, chap.4e, P.17
 87- id., P.268 sq
 88- Les Voyages et observations..., chap. 13-18, P. 30-45
 89- id., P.44
 90- Nouvelles relations du Levant..., .286
 91- Relatiion journaliere du voyage du Levant, P.54
 92- La Boullaye Le Gouz, Voyage et observations..., chap.13-18
 93- id., P.78
 94- id., P.104

واژه های تجارت، سیاست، دین، منافع شخصی و منافع عمومی همانند ترجیح بند در سفرنامه های سیاحان و میسیونرها و بازرگانان تکرار می شوند. مشکل ابهام آمیز بودن اهداف دینی، تجاری و سیاسی تا مدتها تداوم یافت چرا که خود پادشاهان فرانسه نیز (چه لوئی سیزدهم، چه لوئی چهاردهم) نمی توانستند آنها را از یکدیگر تمییز دهند

l'ambassade de France en Turquie et sur le commerce des Français dans le Levant, Paris, 1877, P.72-74

123- *Trois lettres du P.Pacifique de Provins, in N.Lamarche, Histoire de la Reformation, P.53*

124- *P.Pacifique de Provins, Relation du Voyage de perse, second Voyage, P.403*

۱۲۵- لازم بذکر است اثری که در قرون سیزدهم و چهاردهم "تاریخ مسلمانان" نامیده می شد، در قرن پانزدهم، "تاریخ ترکها" نام گرفت.

126- *Nicole Lehuen, le grant voyage de Hieruasalem..., Paris, Francois Regnault, 1522*

127- *id, Fol. 186 v.-192*

[شفر (Schefer) این گزارش را به صورت ضمیمه به وضع ایران در سال ۱۶۶۰ نوشته پدر رافائل دومان، افزود (Paris, 1890, P.275)]

128- *Lehuen, op. cit, Fol. 191*

129- *Aff.Etr., Cp Turquie, vol 22, fol. 477 v., lettre de castagneres de chateaufort au Roi, Andrinople, 14 decembre 1690.*

130- *Schefer, Estat de la Perse en 1660, oppendice XXXIX, P.334*

131- *Pere Pacifique de Provins, Relation du voyage de perse, ler voyage, P.38*

132- *Les six Voyages de Jean-Baptiste Tavernier, Introduction, P.35*

می کرد، یا پل لوکا که در سال ۱۷۰۴ پاریس را ترک کرد یا سون (Sevin) و فورمن (Fourmont) از اعضای فرهنگستان کیهما که در اوتل دسامبر ۱۷۲۸ به همراهی مارکی دو ویلنوو (Marquis de Villeneuve) وارد قسطنطنیه شدند، اشاره کرد.

117- *P. Duparc, Recueil des instructions donnees aux ambassadeurs et ministres de france. T. 29: Turquie, P.240*

118- *Cf. Michel lesure, les relations franco-ottomanes a L'epreuve des guerres de religion (1560-1594) in H.Batu, J.L Bacque-Grammont, L'Empire ottoman, La Republique de Turquie et la France, Istanbul, 1986, P.37-47*

۱۱۹- مؤسسه ای که لوئیس دووانتا دور (Levis de ventadour) در سال ۱۶۲۷ به منظور انجام دادن اعمال نیکوکارانه تأسیس کرد و روحانیون و غیر روحانیون در آن شرکت داشتند. این مؤسسه به دلیل افراط کاری هایش تا سال ۱۶۶۵ بیشتر دوام نیاورد.

۱۲۰- زان - فرانسوا - گزایوه روسو در سال ۱۷۳۸ در اصفهان متولد شد. در سال ۱۷۶۱ به سمت ریاست نمایندگی تجاری

[فرانسه] در بصره منصوب گشت. وزیر نیروی دریایی، پراسلن (Praslin) به وی مأموریت داد که باب مذاکرات تجاری را با کریم خان آغاز کند. روسو تجارت را کنار گذاشت، اما همچنان مسئول

رسیدگی به امور فرانسویان در ایران و در پاشانشین بغداد بود. وی با رؤسای ترکی و ایرانی، امام مسقط، رؤسای مؤسسات فرانسوی

واقع در هند، و وزیران پادشاه فرانسه (که توسط وی از وقایع جالب توجهی که در مشرق زمین رخ می داد مطلع می شدند) به صورت پیوسته مکاتبه داشت. در بین آثاری که از روسو برجای مانده می توان به رساله ای به نام روابط سیاسی فرانسه و ایران و

معاهده هایی که در سالهای ۱۷۰۸ و ۱۷۱۵ بین این دو قدرت منعقد شدند اشاره کرد این رساله در بایگانی وزارت امور خارجه در

پاریس در مجموعه گزارش ها و اسناد مربوط به ایران (Vol. 1, fol. 114-137) نگهداری می شود. در جلد دوم این مجموعه

(vol. 2, fol. 178) نسخه دیگری از همین رساله وجود دارد که مورخ چهارم ژرمنیال سال ۱۲ (۱۸۰۴) است.

۱۲۱- در رساله مذکور پانوشت ذیل به چشم می خورد: "احتمال دارد که پیش از سلطنت لوئی سیزدهم نیز فرستادگانی فرانسوی به ایران رفته باشند ولی در بایگانی ها هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهنده مأموریتی متقدم تر از مأموریت جناب دهی باشد.

اسنادی که در آنجا وجود دارد و به منافع فرانسه در ایران مربوط می شوند همگی به دوران بعد از مأموریت دمی تعلق دارند.

122- *Francois Emmanuel de Cuignard, comte de Saint-Priest, Memoire sur*